کتاب هفته

ISSN:1029-3345
www.ketabehafteh.com

یکشنبه۱۲مرداد۱۳۸۲
۳جمادی‌الثانی ۱۴۲۴
۳آگوست ۲۰۰۳
شماره۱۳۱، پیاپی ۵۱۸
۳۲ صفحه، ۱۰۰تومان

گفت‌وگو با دکتر حمید احمدی؛ مترجم و مدرس دانشگاه

# فرهنگ تازه در حوزه علوم سیاسی

◆ شهرت فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد از تمام فرهنگ‌های این حوزه بیشتر است. چرا که وسعت واژه‌پردازی و تعداد متخصصان آن تقریباً یگانه است

دکتر حمید احمدی پیش از این روزنامه‌نگار بوده، وحالا همزمان مترجم است و مدرس علوم سیاسی.
به همین دلیل این آمیزه تخصصی از دکتر حمید احمدی در عرصه تألیف و ترجمه چهره‌ای متمایز ساخته است و بی‌تردید آنچه برای ترجمه بر می‌گزیند می‌تواند پاسخی برای مخاطبان بومی باشد؛ برای مخاطبان و دانشجویانی که به دلیل عدم آشنایی با زبان دوم از بسیاری از متون کلاسیک محروم می‌مانند.
دکتر احمدی برای دیدن یکی از دوستانش به تحریریه کتاب هفته آمد، اما نه تنها از وقت دیدارش زدیم، بلکه بسرعت توانستیم بابت تازه‌ترین ترجمه‌اش که تنها دو روز از انتشارش می‌گذشت، یک مصاحبه‌انجام دهیم. مصاحبه‌ای که دکتر احمدی حتی فکرش را نمی‌کرد که در آن هنگام گرفته شود.
دکتر احمدی که دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است، تحصیلات خود را در علوم سیاسی در دانشگاه تهران و کارلتون (کانادا) به اتمام رساند. وی علاوه بر مقالات متعدد پژوهشی، تاکنون ۳۳ کتاب ترجمه و تألیف کرده است که در کتابشناسی آثار او ذکر شده است. با او درباره وضعیت کتاب‌های علوم سیاسی، اهمیت و جایگاه فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد و چند مقوله دیگر گفت‌وگو کرده ایم که در صفحه ۱۰ می خوانید.

## ایفلا ۲۰۰۳ در یک نگاه

◆امسال ایفلا ۴۰۰۰ شرکت کننده دارد که با توجه به زمانبندی جلسات، فرصت خواندن ۲۰۰ مقاله وجود دارد

٤

## مرکز مطالعات ایرانی

دو گفت‌وگو در ساری

۹

## شهرستان های ایران

گفت و گوها، گزارش ها و خبرهای ویژه

دانش‌آموز سال‌های دور

## ترسم ای دوست که ...

گفت‌وگو با دکتر حمید فرزام عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دکتر فرزام قلبی رئوف دارد حتی امروز که بیش از ۸۰ بهار را گذرانده، وقتی با وی از دوران دانش‌آموزی او سخن می‌گوییم بغض می‌کند و اشک در چشمانش حلقه می‌زند. این گفت‌وگو را بخوانید.

۱۳

## سینما و ادبیات ؛ رازگشایی از یک رابطه

رابطه سینما و ادبیات در ایران همیشه رابطه‌ای پر از سوءظن بوده است. یادداشت آرش خوشخو به مفاهمه در این رابطه می اندیشد.

١٤

## همسفر ! مرا بخوان

یک گزارش از پایانه جنوب تهران

۷

## عناصر بومی با روایت خاص

کتاب «دیوانه و چاه» نوشته محمدرضا شمس از سوی شورای کتاب کودک نامزد دریافت جایزه IBBY سال ۲۰۰۴ اعلام شده است .

۱۵

احمد پوری:

## سه کتاب در دست انتشار دارم

برای سه جلد کتاب قرارداد چاپ دارم که دو تا از این کتاب‌ها برگزیده شعر کوتاه معاصر ایران است که خودم گردآوری کرده‌ام. کتاب دیگر هم برگزیده شعر کوتاه جهان است که ترجمه کرده‌ام.

٢٤

خبر

فراخوان برای نسخه هفتم راهنمای ناشران ایران

۲

نسخه سوم لوح فشرده کتیبه منتشر شد

۱۲

جمعه‌ها و کتاب‌ها

یحیی ذکاء

یحیی ذکاء سال ۱۳۰۲ در تبریز متولد شد، در سال پایانی دوره ابتدایی از مدرسه رشدیه تبریز به همراه خانواده به تهران کوچ کرد و دیپلم خود را از دبیرستان فیروز بهرام تهران گرفت...

۲۳

یادداشت

بخشودگی مالیاتی و رقابت نابرابر در نشر ایران

علی اصغر سیدآبادی

۲۱

منتشر شد

گزارش

## صدا در قفسه‌های کتابخانه

اولین جلسه کتابخوانی برای نابینایان است. قرار است صدایم روی نوار ضبط شود و آنها بشنوند آنچه را که نمی‌توانند بخوانند. کتاب را می‌گذارم روی میز و نازش می‌کنم و به خانم صدابردار نگاه می‌کنم. انگار صدای قلبم را می‌شنوم، احساس می‌کنم تمام بدنم داغ شده است. خانم صدابردار با دست علامت می‌دهد شروع کنم، هر چقدر تلاش می‌کنم، نمی‌شود، یعنی نمی‌توانم، صدایم درنمی‌آید.

به صفحه اول کتاب نگاه می‌کنم...
۶

خبر

با تسلیت سالروز شهادت کوثر دانش

## تازه‌ترینهای نشر

**فاطمه علیهاالسلام (بقیة‌النبوه)، نوشته مظفر حاجیان حسین‌آبادی، چاپ اول، قطع رقعی، ۱۶۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، انتشارات همای رحمت، اصفهان، ۱۳۸۲، بها: ۸۰۰ تومان.**

این کتاب علاوه بر زندگینامه و سخنان حضرت فاطمه(س) و نکات خواندنی و مفید دیگر، حاوی برخی سروده‌ها درباره آن حضرت نیز هست.

**کوثر عشق، زندگانی حضرت فاطمه زهرا(س)، نوشته اسدالله بقایی ثانیق، چاپ اول، قطع رقعی، ۱۵۲ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه، انتشارات فرزانه و بنیاد فرهنگی البرز، اصفهان، ، بها: ۱۰۰۰۰ ریال.**

این کتاب افزون بر زندگانی و سخنان حضرت زهرا(س) به فرزندان و نسل آن حضرت نیز می‌پردازد.

**خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام، ترجمه محمد روحی، چاپ اول، قطع رقعی، ۴۸ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه، نشر پیام مهدی (عج)، قم، ۱۳۸۲، بها: ۳۰۰ تومان.**

این کتاب ترجمه‌ای روان به همراه شرحی مختصر از سخنرانی مشهور حضرت فاطمه زهرا(س) در جمع مهاجران و انصار است.

## پیگیری ثبت لقب سیّد توسط هیات اعزامی ایران به ایفلا

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نامه‌ای به سید محمد کاظم موسوی بجنوردی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی خواستار پیگیری ثبت لقب سید توسط گروه اعزامی ایران به ایفلا شد. در این نامه آمده است: با توجه به ثبت لقب سید به صورت رسمی در شناسنامه افراد این لقب از نظر حقوقی جزئی از نام محسوب می‌شود از طرف دیگر این لقب با القاب اعتباری مانند دکتر، مهندس و حجه الاسلام متفاوت است زیرا سیادت حکایت از امری واقعی در شخصیت افراد دارد بنابراین پیشنهاد می‌شود هیات جمهوری اسلامی در کنفرانس یاد شده نسبت به طرح و پیگیری این موضوع اقدام لازم را به عمل آورد.

## پورنجاتی در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه خواستار رفع نگرانی اهالی کتاب شد

به دنبال مشکلات پیش آمده در حوزه کتاب و برخورد بعضی از شعبه های دادسرای تهران با برخی ناشران ونویسندگان احمد پورنجاتی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه خواستار اقدام ایشان در جهت حل این موضوع و رفع نگرانیهای موجود شده است. متن نامه به این شرح است.

**حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی**
**ریاست محترم قوه قضاییه**

سلام علیکم

همانگونه که استحضار دارید انتشار کتاب در کشور براساس ضوابط ومقرراتی صورت می‌گیرد که سال‌ها پیش توسط شورای فرهنگ عمومی تدوین و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است.وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی خود و با رعایت ضوابط مذکور، تنها مرجع ذیصلاحیت برای صدور مجوز نشر کتاب است.

بر این اساس هنگامی که وزارت مذکور مجوز انتشار هر کتاب را به ناشران ارائه می‌دهد تلقی آنان این است که هیچگونه منع قانونی برای انتشار آن کتاب ندارد و الزامی به پاسخگویی به مرجع دیگر ندارد و می‌تواند برای انتشار کتاب سرمایه گذاری کند.متأسفانه در یکی دو سال اخیر مشاهده می‌شود برخی مؤلفان یا ناشرانی که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام به انتشار کتاب کرده‌اند، مورد احضار و تعقیب محاکم قضایی قرار می‌گیرند و بعضاً ملزم به جمع آوری و امحاء کتاب منتشره می‌گردند. این رویه صرف‌نظر از اینکه مغایر نظامات قانونی است و موجب محدودش شدن اختیارات و مسؤولیت‌های قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سلب اعتماد و بلاتکلیفی دست‌اندرکاران نشر کتاب در کشور می‌شود، به ایراد خسارات مادی و تلف شدن سرمایه ناشر نیز می‌انجامد.

ادامه این وضعیت از سال گذشته تاکنون موجب ارسال نامه‌ها و شکایت‌های متعدد از سوی ناشران به این کمیسیون شده است. به منظور بررسی موضوع و ایجاد هماهنگی قانونی و حل و فصل مشکلات ناشی از این اقدامات جلسه‌ای نیز با حضور برخی قضات محترم ذیربط تشکیل دادیم اما متأسفانه مشکل همچنان پابرجاست و ناشرانی همچون دشرنی، طرح نو و اشراق امید فردا، به رغم تمکین از ضوابط و مقررات و اقدام به نشر کتاب پس از صدور مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علاوه بر تحمل زیان مادی و لطمه معنوی، همچنان نگران پیگیری‌های قضایی هستند.

تصدیق خواهید فرمود که عرصه فعالیت‌های خلاقه فرهنگی نیازمند امنیت و آرامش خاطر است و بی‌تردید ادامه و تکرار چنین وضعیتی به سود اعتلای فرهنگی کشور نخواهد بود.از حضرت عالی که علاوه بر مسؤولیت قانونی به عنوان بالاترین مقام دستگاه قضایی، شخصاً در زمره عالمان و اندیشه‌وران هستید استدعا دارم دستور فرمایید به هر نحو مقتضی نسبت به رفع نگرانی موجود در میان اهالی تألیف و نشر کتاب اقدام عاجل معمول گردد.

**با احترام رئیس کمیسیون فرهنگی**
**احمد پورنجاتی**

## فضای سیاسی جامعه مانع بازتاب فعالیت‌های فرهنگی شده است

مدیرکل حوزه وزارتی و روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نقش روابط عمومی در حوزه‌های فرهنگی را با اهمیت و حساس دانست و گفت: «فعالیت‌های بسیار ارزنده‌ای در طی سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف فرهنگی صورت گرفته است که علیرغم تلاش روابط عمومی‌های حوزه فرهنگ و تلاش اصحاب فرهنگ و متولیان فرهنگ، هیاهو و فضای سیاسی حاکم بر جامعه در سال‌های اخیر مانع از بازتاب و انعکاس این فعالیت‌های ارزشمند فرهنگی گردیده است.»

علیرضا تابش در ادامه روند رو به رشد توسعه فرهنگی در کشور را مورد اشاره قرار داد و تصریح کرد: نحوه تعامل فرهنگ و روابط عمومی و اهمیت دادن به جایگاه روابط عمومی فرهنگی نقش مؤثر و مهمی در توسعه فرهنگی و توسعه مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در کشور دارند.

## فراخوان برای نسخه هفتم راهنمای ناشران ایران

مؤسسه خانه کتاب اعلام کرد در نظر دارد سال جاری نسخه هفتم کتاب و لوح فشرده «راهنمای ناشران ایران» را منتشر کند.

به همین منظور از تمام ناشرانی که در سال ۱۳۸۱ کتاب منتشر کرده‌اند درخواست شده است به منظور تکمیل و یا اصلاح اطلاعات خود حداکثر تا پایان شهریور ۱۳۸۲ در ساعات اداری (به جز پنجشنبه‌ها) به واحد اطلاع رسانی این مؤسسه مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۶۲۱۵۶۰۹ تماس بگیرند. خانه کتاب ایران در خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و صبای جنوبی، شماره ۱۱۷۸ واقع است.

**تسلیت**

**درگذشت هنرمند گرانقدر بهرام خائف موجب تأسف و تأثر شد. این ضایعه جبران‌ناپذیر را به خانواده آن مرحوم و اصحاب فرهنگ و هنر تسلیت می‌گویم.**
**علی‌اصغر رمضانپور**

علی اصغر رمضانپور در جمع خبرنگاران:

# در بررسی کتاب ها کوتاهی نکرده ایم

از این پس در حوزه فعالیت معاونت امور فرهنگی، هر ماه یک اقدام فرهنگی شایسته و قابل تأمل در بخش خصوصی به رسانه‌ها معرفی خواهد شد.

علی اصغر رمضانپور معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در محل خانه کتاب در جمع خبرنگاران رسانه‌ها سخن می‌گفت، با بیان این مطلب افزود: نتیجه سعی و تلاش یک فرد یا یک مؤسسه در بخش خصوصی ملل تألیف، ترجمه، انتشار کتاب و... با سازماندهی یک فعالیت فرهنگی اعلام خواهد شد که برای نمونه می‌توان به تلاش تعاونی ناشران تبریز در جهت رفع مشکل ناشران این منطقه که با گرفتاری مالی مواجه بودند اشاره کرد.»

وی همچنین از برگزاری نخستین مجمع پیوندهای فرهنگی کهن ایران و غرب آسیا در ۲۵ مرداد ماه امسال خبر داد و گفت: «در این مجمع صاحبنظران باستان‌شناس و انسان‌شناس و کارشناسان مسائل فرهنگی، بستر تاریخی ارتباطات فرهنگی ایران و غرب آسیا را بررسی می‌کنند.» وی افزود: «کنفرانس مقدماتی این نشست سال گذشته برگزار شد و طی یک سال گذشته همکاری گسترده‌ای از طرف استادان آسیایی، اروپایی، آمریکایی و کشورهای همسایه صورت گرفته که مقالاتشان در بخش‌های تخصصی مجمع عرضه خواهد شد.»

رمضانپور با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته برای معافیت کتابفروشان از پرداخت مالیات گفت: «نظر ما این است که کتابفروشان هم مانند ناشران از مالیات معاف شوند و خوشبختانه در جلسه‌ای که با ریاست سازمان مالیاتی داشتیم، مذاکرات مفید و سودمندی انجام شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم از وزارت اقتصاد و دارایی درخواست کردند تا حصول توافق درباره این موضوع، فرصت اظهارنامه مالیاتی این صنف به تعویق انداخته شود.» وی اظهار امیدواری کرد این مشکل بتدریج برطرف شود.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین از بررسی مجدد طرح آزادسازی کاغذ خبر داد و گفت: «در جلسه شورای اقتصاد که با حضور آقای خاتمی برگزار شد، طرح آزادسازی کاغذ دوباره مطرح شد و با توجه به گزارش وزارت بازرگانی و شرایط دشوار اجرای طرح بر اساس جمع‌بندی مطبوعات و اهالی نشر کشور، نظر آقای خاتمی این بود که مسأله به دلیل آنکه ممکن است باعث افزایش قیمت شود، مورد بررسی دوباره قرار گیرد و مقرر شد فعالیت‌های حمایتی موجود در چارچوب نشر ادامه یابد.»

وی در پاسخ به پرسش خبرنگار کتاب هفته پیرامون لزوم اجماع نظر خبرگان نشر و حقوقدانان و تعامل منطقی میان دستگاههای دولتی و قضایی به منظور جلوگیری از مشکلات پیش آمده برای اهالی کتاب گفت: «ما فعالیت‌هایمان را در چارچوبی که قانون پیش‌بینی کرده همانند گذشته ادامه می‌دهیم و به نظرمان تأثیر مثبت و سازنده‌ای داشته است و امیدواریم مشکلات را کمتر کند.» وی افزود: «ما به چارچوبی که شورای فرهنگ عمومی تعیین کرده پافشاری داریم و امیدواریم که رفع نگرانی شود.»

رمضانپور در پاسخ به سؤال دیگری درباره فعالیت‌های انتشاراتی نهادهای دولتی که باعث اعتراض بخش خصوصی است و اقدامات معاونت فرهنگی به‌منظور حذف بدنه دولتی از حیطه نشر می‌باشد، گفت: «ما هیچ اصراری نداریم که بخش دولتی از نشر خارج شود ولی جنبه نگران‌کننده آن است که ناشران دولتی قواعد متعارف بازار نشر را رعایت نکنند.»

وی افزود: «آنچه ما می‌خواهیم، به تعادل رسیدن سهم دولت و بخش خصوصی در نشر است که خوشبختانه طی چند سال گذشته بیشتر این ناشران دولتی فعالیت‌هایشان را به بخش خصوصی واگذار کرده‌اند و امیدواریم به گونه‌ای نباشد که از نظر حقوقی به‌عنوان بخش خصوصی مطرح باشند ولی از امکانات دولتی بهره بگیرند. در مجموع بسیاری از سازمان‌های دولتی پذیرفته‌اند که فعالیت‌های انتشاراتی خود را به بخش خصوصی واگذار کنند.»

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره اقدامات صورت گرفته برای حضور بین‌المللی نشر ایران گفت: «در سال ۸۲ برنامه‌های ما حول محور افزایش حضور بخش خصوصی در این عرصه است و تلاش می‌کنیم بتدریج نمایندگان رسمی بخش دولتی را از این حوزه خارج و به بخش خصوصی بدهیم.» وی با اشاره به اینکه صرف حضور در نمایشگاهها کافی نیست افزود: «ما نیازمند ارتباط شبکه‌های داخلی توزیع کتاب و شبکه‌های خارجی و نیز اطلاع‌رسانی بیشتر و گسترده‌تر هستیم.»

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از نشست خود با خبرنگاران رسانه‌ها، مسأله اصلی ترویج کتاب را در سال ۸۲ حمایت از خانواده‌ها برای نزدیک کردن کتاب به فضای خانه و حمایت آنها از کودکان به منظور دسترسی به کتاب عنوان کرد و از همکاری با انجمن اولیا و مربیان در وزارت آموزش و پرورش پیرامون همین موضوع خبر داد و گفت: «این برنامه‌ها از مهرماه امسال بعد از برگزاری چند کارگاه آموزشی و سمینار آغاز می‌شود.»

وی همچنین با رد هر گونه کوتاهی در بررسی کتاب‌ها هنگام ممیزی گفت: «مطمئن باشید که چنین مسأله‌ای وجود ندارد، مسأله اینجاست که گاهی زمان انتشار یک کتاب همزمان با موضوعی اجتماعی یا سیاسی در کشور می‌شود که حساسیت‌ها را درباره آن کتاب افزایش می‌دهد. ممکن است فاصله اعطای مجوز تا انتشار یک کتاب چندین ماه به طول بینجامد و این دیگر در اختیار ما نیست که زمان انتشار یک کتاب را تعیین کنیم بلکه این موضوع جزء حقوق ناشر است.»

وی تأکید کرد: «آمادگی داریم در هر جلسه علمی و فرهنگی از دیدگاههایمان در این موارد دفاع کنیم.»

رمضانپور همچنین به جلسه‌ای در نمایشگاه کتاب با حضور دو تن از اعضای کانون نویسندگان اشاره کرد و گفت: «کانون از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی برای امکان فعالیت قانونی درخواست کرده بود. در آن جلسه نمایندگان کانون مواردی را مطرح کردند و ما هم ملاحظات خود را توضیح دادیم و از آنها خواستیم درخواستشان را با مسؤولان فرهنگی و سیاسی مطرح کنند. بنده هم در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی موضوع را گزارش دادم و امیدوارم نگرانی‌های قانونی برطرف شود.» وی با اشاره به پس زمینه سیاسی کانون نویسندگان ایران تأکید کرد: «تصمیم‌گیری قطعی در این زمینه فقط بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست.»

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه به تجربه بررسی کتاب‌ها به‌وسیله خود ناشران اشاره کرد و گفت: «در مورد برخی از ناشران که دارای صلاحیت‌های حرفه‌ای کافی بودند و کتاب‌هایشان در حدی بود که در نوبت رسیدگی قرار گرفتن آنها در وزارتخانه باعث اتلاف وقت و معطلی‌شان بود، به‌عنوان تفویض اختیار مقطعی، کار بررسی را به خودشان واگذار کردیم و البته پس از انتشار و قبل از خروج از چاپخانه نسخه‌ای از آن به دست ما می‌رسید.» وی افزود: «این تجربه از نظر ما بسیار مفید بود و گروه زیادی از ناشران آن طرح هم اظهار رضایت کردند و مورد خاصی هم پیش نیامد. اما لازمه آن این است که درباره یک سری کلیات به هماهنگی قطعی با دستگاههای نظارتی و قوه قضائیه برسیم.»

رمضانپور همچنین به پیش‌نویس قانون نشر اشاره کرد و گفت: «این موضوع در دستور کار قرار دارد ولی بخشی از بندهای آن در اجرا با دشواری روبه‌روست و ممکن است به مشکلات فعلی بیفزاید، پس ترجیح می‌دهیم آن را در شرایطی دنبال کنیم که از اوضاع ناهماهنگ فعلی خارج شویم.»

وی در پایان با ابراز تأسف از تأخیر در به نتیجه رسیدن مسأله کپی‌رایت گفت: «ما حرف‌هایمان را زده‌ایم و باید منتظر اقدامات دستگاههای دیگر از جمله گروه حقوقی قوه قضائیه باشیم.»

**تسلیت**

**همکار ارجمند جناب آقای سیدداود سیدمؤمنی**
**مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم. سلامت شما و بستگان را از خدای سبحان خواستاریم.**

**کتاب هفته**

**جناب آقای کیهان خانجانی**
**درگذشت برادر گرامی شما موجب تأسف و تأثر شد. ما را در غم خود شریک بدانید.**

**مجید یوسفی**

گزارش

کلی مقیسه

## مسافران ایفلا و چمدان سؤال ها

ایفلا از سال ۱۹۲۷ در شهر ادینبورگ کار خود را آغاز کرد. فدراسیون بین المللی انجمن ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا) در ابتدا تمرکزش بر کشورهای اروپایی بود، اما بعد از جنگ جهانی دوم فعالیت هایش را گسترش داد و امروز که ۱۶۶ سال از تولد این فدراسیون می گذرد ۱۶۰۰ عضو در بیش از ۱۴۶ کشور دارد.

بودجه ایفلا از طریق حق عضویت، همکاری های حمایتی، درآمد حاصل از انتشارات و کمک مؤسسات و یارانه های دولتی تأمین می شود. ایفلا هر سال با یک موضوع کلی تشکیل جلسه می دهد که این موضوعات در چند سال اخیر بر محیط الکترونیک تأکید داشته است. موضوع امسال ایفلا «کتابخانه مکانی برای دستیابی به اطلاعات رسانه های گروهی، اطلاعات، فرهنگ» است.

ایران از سال ۱۳۴۸ عضو ایفلا شد. البته از سال ۵۷ برای چند سال نماینده ای به ایفلا اعزام نشد. امروز ده مرکز از ایران عضو ایفلا هستند.

ایران در سال ۲۰۰۳ برای نوزدهمین بار بعد از سال ۵۷ در شصت و نهمین اجلاس ایفلا شرکت می کند. این اجلاس از تاریخ ده مرداد تا ۱۸ مرداد (اول اوت تا نهم اوت) در شهر برلین آلمان برگزار می شود. از مؤسسات ایرانی عضو ایفلا، در مجموع ۴۲ نفر عازم سفر هستند. این تعداد نسبت به سال گذشته دو برابر شده است اما در تعداد مقالاتی که قرار است از طرف ایران در این اجلاس خوانده شود تغییری خاص ایجاد نشده است.

«یمین نیازی» از مسافران کتابخانه ملی است که با نوشتن مقاله ای با عنوان «بررسی میزان دسترسی معرفی شده در نسخ ملی کتابخانه ملی» در ایفلا شرکت می کند. نیازی می گوید: «شاید ایران تجربه خاصی برای عرضه در جلسات نداشته باشد، اما مسافران می توانند با طرح سؤال به مشکلات کتابداری در ایران سامان بخشند. نقطه ضعف ایفلا به نظر من پیچیدگی زبانی است که بعضی شرکت کنندگان در نوشتن مقالات به کار می برند. روانی متون علمی ارتباط را قوی تر می کند و استفاده از مقالات را آسان تر.»

امسال ایفلا ۴۰۰۰ شرکت کننده دارد که با توجه به زمانبندی جلسات، فرصت خواندن ۲۰۰ مقاله وجود دارد.

بیشتر مسافران ایفلا از ایران معتقدند برای گرفتن جواب سؤالاتشان سفر می کنند. برخی هم علت سفرشان را سیاحت و تفریح می دانند!

شاید بهتر باشد ادامه این گزارش را هیجدهم مرداد پیگیری کنیم، تا ببینیم در چمدان مسافران ایرانی چقدر جواب حاضر است.

# ایفلا ۲۰۰۳ در یک نگاه

آذر اسدی

نگاهی گذرا بر اتفاق های ایفلا:

۱۹۲۷ میلادی - ایفلا (فدراسیون بین المللی انجمن ها و مؤسسات کتابداری) کار خود را آغاز کرد.

۱۹۲۶ - ۱۹۴۰ ایفلا به علت جنگ جهانی دوم فعالیت های خود را متوقف می کند.

۱۹۴۶ - فعالیت خود را از اروپا و آمریکا به آسیا و کشورهای آفریقایی گسترش داد.

۱۹۷۶ - فعالیت اصلی خود را شروع کرد. در این سال ایفلا عضوگیری از مؤسساتی که مجرای اصلی برای تعیین استانداردهای این سازمان باشند را شروع کرد.

۱۹۹۳ - پشتیبان اینترنتی ایفلا آغاز به کار می کند. سایت «ایفلانت» به آدرس ifla.org شروع به کار کرد. هدف این سایت ارتباط بین کارمندها و پرسنل و جلب نظر عمومی است.

۱۹۹۷ - انجمن خبری ایفلا تشکیل شد. انجمن خبری ایفلا را در پنج زمینه تقویت کرد: ۱- دسترسی به اطلاعات ۲- محیط الکترونیک ۳- حفظ و نگهداری ۴- استانداردها و قوانین ۵- توسعه حرفه ای تشکیل کمیته های ایفلا از این سال شروع و به مرور زمان کامل شد. کمیته اجرایی ثابت برای دفاع از آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان تأسیس کرد. کمیته های «نظارت ویژه بر سانسور» و حق چاپ انحصاری و موضوعات حقوقی نیز در این سال تشکیل شد.

۱۹۹۸ - از این سال به بعد هر سال ایفلا نماینده هایی را به یونسکو، سازمان جهانی مالکیت های معنوی بانک جهانی و سازمان های جهانی دیگر می فرستد تا از سرمایه گذاری مالی و زمانی آنها استفاده کند.

۲۰۰۲ - رأی گیری ایفلا برای انتخاب رئیس جدید انجام شد و خانم «کی ریزوکا» از کشور آفریقایی «بوسوانا» انتخاب شد.

۲۰۰۳- ایفلا در این سال در مرکز بین المللی کنگره برلین (ICC) برگزار می شود. مؤسسه غیرانتفاعی اتحادیه سراسری کتابخانه های آلمان سازماندهی اجلاس را برعهده دارد.

موضوع اصلی امسال «کتابخانه مکانی برای دستیابی به اطلاعات رسانه های گروهی، اطلاعات، فرهنگ» است.

ایفلای امسال سه موضوع فرعی دارد: ۱- تغییر در مدیریت رسانه ها ۲- تقویت محتوای اطلاعات ۳- تضمین ارزش ها و فرهنگ انسانی.

هیأت حاکم بر ایفلا مسؤول سیاست های کلی، مدیریت و امور مالی ایفلاست.

ایفلا دو بدنه دارد:

۱- گروههای حرفه ای که شامل ۴۷ بخش و ۸ شاخه است.

۲- شش گروه مباحثه.

**برگرفته از سایت ایفلا**

## جشنواره تابستانی کتاب

نخستین جشنواره کشوری فرهنگی- هنری تابستانی کودک و نوجوان از ۱۸ مردادماه در مشهد برگزار می شود.

خانم جعفرزاده مسؤول روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان در این باره به خبرنگار «کتاب هفته» گفت: «این جشنواره با تأکید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور ادارات کل ارشاد کشور به مدت ۴۵ روز برگزار خواهد شد.» نمایشگاه بزرگ کتاب کودک و نوجوان، همایش کتاب کودک و نوجوان، نمایشگاه نشریات کودک و نوجوان، کارگاه قصه و شعر، شب های شعر و همایش ویژه شعر کودک و نوجوان، کارگاه آموزش تحقیق قرآنی و همایش تصویرگری کتاب کودک و نوجوان و اجرای مراسم شاهنامه خوانی بخشی از برنامه های این جشنواره اعلام شده است.

## هزار سال هنر کتاب آرایی قرآن مجید

«مصحف ایران» با ارائه هزار سال هنر کتاب آرایی قرآن مجید، خوشنویسی، تذهیب و تجلید ایرانی از قرن چهارم تا سیزدهم ه.ق در کاخ گلستان در معرض دید عموم قرار گرفته است.

مصحف ایران، عنوان قرآنی است که آیات الهی آن از سوی محقق مرحوم دکتر سید محمد باقر نجفی از ۱۸۲ مصحف نفیس و برگزیده قرآن متعلق به قرن های چهار تا سیزدهم هجری موجود در موزه های ملی ایران، کاخ گلستان، موزه مجلس، کتابخانه مجلس، موزه ملک و... انتخاب شده است.

این نمایشگاه تا ۱۲ مرداد در کاخ گلستان واقع در میدان ارگ دایر است.

## نشر کتاب در تیرماه ۱۳۸۲

۳۵۲۹ عنوان کتاب طی تیر ماه سال ۱۳۸۲ منتشر شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۳۰ درصد رشد نشان می دهد.

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب، بر اساس آمار موجود در بانک اطلاعاتی این مؤسسه، این کتاب ها در شمارگان ۱۸ میلیون و ۸۸۷ هزار و ۸۷۶ جلد منتشر شده و به این ترتیب شمارگان متوسط هر عنوان ۵۳۵۲ جلد بوده و هر کتاب به طور متوسط در ۱۸۹ صفحه انتشار یافته است.

در این مدت ۵۹ درصد کتاب ها چاپ نخست و ۷۷ درصد آنها تألیف بوده اند. در تیرماه ۸۲ بیشترین کتاب ها از نظر موضوعی به ترتیب در موضوع دین، ادبیات، علوم عملی، علوم اجتماعی، زبان، علوم طبیعی و ریاضیات، هنر، تاریخ و جغرافیا، کلیات و فلسفه بوده اند. در این ماه ۷۰ درصد مجموع کتاب ها در تهران و بقیه در شهرستان ها منتشر شده اند و کتاب های کودک و نوجوان و کمک درسی و آموزشی به ترتیب ۱۴ و ۸ درصد مجموع کتاب ها را تشکیل می دادند.

بر اساس آمار موجود در بانک اطلاعات خانه کتاب، از ابتدای سال تا پایان تیرماه جاری ۱۱ هزار و ۹۸ عنوان کتاب منتشر شده است.

## بزرگداشت احمد شاملو در کرج

مراسم چهارمین سالگرد درگذشت احمد شاملو در جوار مزار او در امامزاده طاهر کرج برگزار شد. احمد شاملو روز اول مرداد ماه ۱۳۷۹ در تهران و در سن ۷۵ سالگی درگذشت .

## رسانه ها

### کتاب ماه دین

کتاب ماه دین ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب به شماره ۶۵ رسید.

در این شماره می خوانید: نگاهی گذرا به زندگی و آثار علمی سیدحسن الامین، سیدمهدی الامین؛ خاطرات دمشقی (گفت وگو با سیدحسن الامین)؛ یادی از حسن الامین (گفت وگو با حجت الاسلام محمدمهدی تسخیری)؛ سیدحسن الامین تاریخ نویس شیعه (گفت وگو با ابراهیم بیضون)؛ معرفی و نقد کتاب های: دایرة المعارف الاسلامیة الشیعیه، الاسماعیلیون و المغول و نصیرالدین الطوسی، مستدرکات اعیان، الشیعه الرضا(ع) و المأمون و ولایه العهد و صفحات من التاریخ العباسی، صلاح الدین ایوبی بین العباسیین و الفاطمیین و الصلیبیین، خلاصه کتاب های: حل و ترحال، اطلاعات علی التاریخ، فی حضم التاریخ، الوطن الاسلامی.

### فصلنامه کتاب



پنجاه و سومین شماره فصلنامه کتاب: نشریه تخصصی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر شد.

در این شماره که با یادداشت سردبیر (دکتر فریبرز خسروی) تحت عنوان فناوری دروغ پرداز آغاز می شود ۱۵ مقاله می خوانید: از جمله این مقالات می توان به مسائل خط مشی مجموعه گستری از دیدگاه مدیران کتابخانه های دانشگاهی... نوشته دکتر زاهد بیگدلی و عاطفه زارعی، مسائل و مشکلات نشریات ادواری فارسی موجود در بخش نشریات ادواری... به قلم صدیقه احمدی فصیح، موانع مطالعه آزاد حرفه ای دانشجویان رشته کتابداری، از دکتر مهری پریرخ، سمیه صیادی فر و محبوبه آستانه؛ تحلیلی بر تبدیل داده به اطلاعات و دانش نوشته دکتر محمدرضا داورپناه اشاره کرد.

همچنین معرفی نشریات الکترونیکی، معرفی سایت های ایران شناسی، گزارش از شانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران (۱۴ - ۲۴ اردیبهشت ماه ۸۲) نقد کتابخانه ملی، دیجیتالی یا سنتی و نقد ضعف زبان و اختلال در تولید و... از جمله مطالب این شماره فصلنامه کتاب است.

## دایرة المعارف بزرگ دفاع مقدس در آستانه تدوین

دایرة المعارف بزرگ دفاع مقدس تدوین می شود. مدیر تحقیقات بنیاد حفظ آثار و نشر دفاع مقدس به خبرنگار کتاب هفته گفت: «برای نوشتن این دایرة المعارف از منابع کتابخانه ای و اسنادی که در بنیاد حفظ آثار و نشر دفاع مقدس موجود است استفاده می کنیم. همچنین ارگان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران و جهاد سازندگی نهایت همکاری را با ما دارند و اسناد و اطلاعات در خصوص جنگ را در اختیار ما قرار می دهند.» سرهنگ رسولی افزود: «این دایرة المعارف برای انتشار به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است که شامل بخش فرهنگی، شهدا، تاریخ و جغرافیای عملیات و حقوقی و سیاسی است.» وی یادآوری کرد: «۲۰ سال است که به جمع آوری اطلاعات متعولیم و کارشناسان ما با تمامی ها و دیدارهایی که از مرکز دایرة المعارف اسلامی و مطالعه دانشنامه تشیع و دیدار از مرکز تحقیقات دهخدا داشته اند سعی کرده اند که یک شیوه کار عملی را برای تدوین بزرگترین دایرة المعارف جنگ اتخاذ کنند.»

سرهنگ رسولی گفت: «هر هفته، یکشنبه ها جلسه شورای کارشناسی در خصوص بررسی کارهای انجام شده برای این دایرة المعارف با حضور دکتر لاریجانی و کارشناسان تشکیل می شود و گزارش کار گرفته می شود.

## اهدای جایزه افضلی پور

در مراسمی با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و اساتید دانشگاه، جایزه افضلی پور به اساتید برجسته کشور اهدا شد.

در مراسم اولین دوره اهدای این جایزه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، خانم فاخره صبا همسر مرحوم افضلی پور و دکتر مصطفوی رئیس دانشگاه شهید باهنر کرمان سخنرانی کردند. در ادامه مراسم جایزه افضلی پور به دکتر عبدالحسین نوایی در حوزه علوم انسانی، دکتر بهادری نژاد در حوزه فنی و مهندسی، دکتر فیروزآبادی در حوزه علوم پایه و دکتر ناظرزاده کرمانی در حوزه هنر اهدا شد. این جایزه به منظور بزرگداشت مرحوم افضلی پور بنیانگذار دانشگاه شهید باهنر کرمان و بزرگداشت مقام دانایی و دانایان، هر ساله به ۴ تن از خردمندان و پژوهشگران برجسته کشور در حوزه های ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و هنر اهدا خواهد شد.

## تاریخ «ری» در یک لوح فشرده

نخستین لوح فشرده چند رسانه ای ری با همین عنوان در اختیار علاقه مندان به تحقیق و پژوهش قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری، این نرم افزار به همت تعدادی از محققان و هنرمندان و با همکاری این اداره تهیه شده و شامل ۱۹ قطعه فیلم، ۲۱۴ قطعه عکس، شرح ۵۶ مکان مذهبی و ۱۲۷ مکان تاریخی، سکه های ضرب شده در ری و معرفی ۱۱۰ نفر از مشاهیر این شهرستان می باشد.

این برنامه گزارشی است از تاریخ ری از حدود ۵۰۰۰ سال پیش و متن کامل با امکان جست وجوی حوادث و وقایع ری باستان که منبع و مأخذ جامعی جهت استفاده پژوهشگران و محققان کشور می باشد.

## مسابقه سراسری نقاشی با موضوع کتاب و کتابخوانی

کتابخانه شهید جهان آرا مسابقه نقاشی با موضوع کتاب برگزار می کند. خانم فرهنمد مسؤول این کتابخانه به خبرنگار «کتاب هفته» گفت: «این مسابقه با موضوع کتاب، کتابخوانی، کتابخانه و هر موضوع مرتبط با کتاب برای تمام رده های سنی کودک و نوجوان است و محدودیت جغرافیایی برای ارسال کنندگان وجود ندارد.» وی افزود: «کودکان و نوجوانان می توانند با هر تکنیکی آثار خود را در قطع ۴ تا ۱۵ شهریورماه بفرستند، پس از دریافت اقدام به تفکیک در گروههای سنی خواهیم کرد.» مسؤول کتابخانه شهید جهان آرا با اعلام اینکه در نیمه دوم شهریورماه نقاشی های رسیده برای چند روزی در محوطه کتابخانه به نمایش درمی آیند افزود: «انتخاب آثار برتر هم بر اساس آرایی که توسط خود کودکان و نوجوانان داده می شود، صورت خواهد گرفت.» علاقه مندان می توانند با شماره تلفن ۸۷۱۹۹۱۶ تماس بگیرند.

## حمایت های مالی دولت از مصرف کنندگان کاغذ ادامه می یابد

حمایت های مالی دولت از مصرف کنندگان کاغذ ادامه می یابد. به گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، شورای اقتصاد مقرر کرد تا زمان بررسی جامع تر و دقیق تر طرح پیشنهادی اعطای یارانه به مصرف کنندگان کاغذ، حمایت های مالی دولت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان کاغذ همانند سال های گذشته ادامه یابد.

## ۳ کتابخانه جدید در کاشان

سه کتابخانه در کاشان تأسیس می شود. رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان با بیان این مطلب افزود: «قرار گرفتن برخی از کتابخانه های کاشان در اماکن تاریخی و قدیمی از جمله مشکلات کتابخانه های این شهرستان است.» میثم نمکی ادامه داد: «نتوانی برای اجرای عملیات فنی کتابخانه در بافت تاریخی کتابخانه های این شهرستان از دلایل این مشکلات است.»

گفت‌وگو

لیلا آصفی

ملایر

## کتاب و ادبیات «ملایر» در گفت‌وگو با ناصر صارمی

# لطافت کتابخوانی

**«آنهایی که صاحب خلاقیت هستند، بهتر است با خلاقیت خود زندگی کنند و هیچ‌گاه تلاش نکنند که آن را تردیابی برای صعود مقطعی‌شان قرار دهند...» این جمله را سال‌ها پیش، در یک کتاب خواندم اما چندی است که در ذهنم، انعکاس عمیقتری پیدا کرده است، خصوصاً وقتی کسانی را با همین مشخصه، یعنی خلاق و پویا می‌یابم که ظواهر زندگی‌شان، از کم هیاهو بودن آنها دلالت دارد. ناصر صارمی، شاعر ملایری را باید در همین زمره به حساب آورد که تا همین امروز، با وجود توانمندی‌ها و ذوقش، حاضر نشده شهر محل زندگی‌اش را ترک کند. گاه تراوشات فکری وحشی‌اش را در کتابی گرد می‌آورد و به مخاطبان عرضه می‌کند که «ریحان از نگاهی سبز»، «دستهایم را بگیر» و «بیا بیشه‌ها را پلنگی کنیم» نمونه‌هایی از این آثار منتشر شده است، وی فارغ‌التحصیل دانشکده زبان‌های پیکانه از اصفهان است، تحصیل در دانشکده ادبیات فارسی اراک را نیز باید بر مجموعه دستاوردهای تحصیلی وی افزود. با این هنرمند در خصوص کتاب، ادبیات و مسائل نشر در زادگاهش «ملایر» گفت‌وگویی داشته‌ایم که می‌خوانید.**

**به عنوان اولین سؤال، اگر ممکن است کمی درباره آثارتان توضیح دهید.**

بعد از «دستهایم را بگیر» و «بیا بیشه‌ها را پلنگی کنیم» که به ترتیب از سوی نشر یادواره کتاب و ندای فرهنگ در تهران منتشر شده‌اند، و یکی دو کتاب دیگر، «خم چرخ چاچی» را آماده انتشار دارم، در این اثر، مضامین اخلاقی شاهنامه، با شیوه‌ای جدید بررسی شده است. البته تلاش کرده‌ام که به‌صورتی موجز، در احوال جناب فردوسی کنکاشی داشته باشم.

«بیا بیشه ها را پلنگی کنیم» با مقدمه یکی از استادان دانشکده‌ای که در آن تحصیل می‌کردم، یعنی خانم هلن اولیایی نیامنتشر شد، مقدمه مجموعه شعر «دست‌هایم را بگیر» را نیز دکتر سهیلا صارمی نوشت.

**آقای صارمی! از فعالیت‌های فرهنگی‌تان در ملایر بگویید.**

به طور رسمی، در آموزشگاههای ملایر، زبان انگلیسی تدریس می‌کنم و اوقات مانده را می‌خوانم و می‌نویسم و در انجمن‌های شعر و موسیقی، حضور جدی دارم. معتقد هستم که در شهرستان‌ها انجمن‌های فرهنگی، هنری و ادبی باید انسجام بیشتری پیدا کنند، در این صورت، حتماً می‌توانند نتیجه‌بخش باشند.

لطافت و طراوت نوشتن و سرودن می‌تواند همواره با انسان همراه باشد اما اگر برای ارتقابخشی به آن، کاری صورت نگیرد، خیلی زود به مرحله ایستایی می‌رسیم.

**و حرف آخر؟!**

امیدوارم نسل اکنون مانشگی خواندن کتاب را درک کرده و لطافت کتابخوانی را به ریاضت آینده، نفروشد!

## کوتاه

- جلسه نقد و بررسی رمان «من ببر نیستم، پیچیده به بالای خود تاکم» نوشته محمدرضا صفدری با حضور نویسنده و حسین سناپور، علی‌الله سلیمی، ناتاشا امیری، رسول آبادیان و جمعی دیگر از علاقه‌مندان و نویسندگان حوزه ادبیات داستانی در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. این جلسات با رویکرد آشنایی هر چه بیشتر با ادبیات امروز ایران تشکیل می‌گردند.
- کتاب «پسامدرنیسم و بحران زیست محیطی» نوشته «ارن ای گیر» با حضور مترجم آن «عرفان ثابتی» و جمعی از علاقه‌مندان در فرهنگسرای بانو نقد و بررسی شد.
- بیستمین جلسه شاهنامه خوانی با حضور یوسفعلی میرشکاک در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد.
- حسن بیادی نایب‌رئیس شورای اسلامی شهر تهران گفت: با همکاری سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد امور مساجد، بسیج و سپاه پاسداران ، مساجد و حسینیه‌ها کاربری فرهنگی- هنری پیدا می‌کنند.
- فرهنگسرای دختران اقدام به برگزاری شب شعر «از دریچه نگاه تو» با حضور کارشناسان ادبی نموده است.
- معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش از تأسیس پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی دارای کتابخانه‌های مجهز خبر داد.
- مهدی محقق تدریس سومین کتاب تخصصی ادبیات عرب را در دفتر شماره ۲ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شروع کرده است.
- سی و دومین نشست نقد ادبی کتاب‌های کودک و نوجوان با سخنرانی شهرام پرستش تحت عنوان نزهایی درباره جامعه‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان در مؤسسه خانه کتاب برگزار شد.
- کارگاه فیلمنامه‌نویسی فرهنگسرای جوان عضو می‌پذیرد. علاقه‌مندان می‌توانند با شماره تلفن ۳۷۳۰۰۰۲ تماس بگیرند.
- مسابقه شعر به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و ایام فاطمیه با عنوان «درداته رسول الله» در فرهنگسرای دانشجو برپا شد.
- کانون ادبی مجموعه فرهنگی بعثت با هدف گسترش فعالیت‌های ادبی در زمینه‌های داستان، شعر، نمایشنامه‌نویسی، خاطره‌نویسی، قطعات ادبی و... عضو فعال می‌پذیرد. علاقه‌مندان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۵۰۲۲۵۰۰ و ۵۰۳۳۹۰۰ تماس بگیرند.
- معاون برنامه‌ریزی و مالی فرمانداری اسلامشهر گفت: فضای مطالعه و تحقیق کتابخانه‌ها و فرانت خانه‌های مدارس و مساجد شهرستان و نیز تعداد کتاب‌ها افزایش می‌یابد.
- کتابخانه فردوسی مسابقه مقاله‌نویسی با عنوان شأن و منزلت حضرت فاطمه(س) برگزار کرد.
- رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش گفت: ۱۶۸ میلیون جلد کتاب درسی با ۹۰۰ عنوان تا نیمه اول شهریورماه توزیع می‌شود.
- در پنجاه و سومین نشست هفته کانون ادبیات ایران که در فرهنگسرای دانشجو برگزار شد، گزینه شعرهای عاشقانه پابلو نرودا به نام «هوا را از من بگیر، خندهات را نه» با حضور مترجم اثر احمد پوری نقد و بررسی شد.
- رئیس هیأت امنای مدارس اسلامی ایالت «مادیا پردانش» هند از خانه فرهنگ ایران در دهلی نو خواست یک دوره یک ساله آموزش زبان و ادبیات فارسی را برای دانش‌آموزان مدارس این ایالت ترتیب دهد.
- خانه فرهنگ قائمیه اصفهان به مناسبت شهادت حضرت زهرا(س) شب شعری با حضور شاعران برتر استان برگزار می‌کند.
- کانون شعرخوانی فرهنگسرای سالمند با هدف آموزش و آشنایی بیشتر علاقه‌مندان با شعر فارسی ضمن آموزش شعر نو و انواع سبک‌های شعر فارسی، به نقد و بررسی اشعار و متون ادبی اعضا می‌پردازد.
- کتابخانه مجموعه فرهنگی بعثت در منطقه ۱۹ سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران (قلمرو جنوب) با در اختیار داشتن ۲۰ هزار جلد کتاب، عضو می‌پذیرد.
- انتخابات شورای مرکزی کانون فیلمنامه‌نویسان در محل خانه سینما برگزار شد.
- معاون امور کتابخانه‌های استان قزوین با اشاره به طرح عضویت سه ماهه رایگان در این استان گفت: در استان قزوین ۲۵ کتابخانه عمومی با حدود ۲۶۰ هزار جلد کتاب و صدها نشریه و مجلات ادواری و لوح‌های فشرده وجود دارد.
- روابط عمومی قلمرو شرق سازمان فرهنگی -هنری شهرداری تهران از تبادل کتاب بین کتابخانه‌ها و اهدای کتاب از طرف کتابخانه‌ها به پایگاه مبادله کتاب در فرهنگسرای پایداری خبر داد.

ساری

رضا نوری

گزارش

# اطلاع رسانی در حوزه کتاب

مردم ساری، اخبار مربوط به حوزه نشر و کتاب‌های جدیدالانتشار را از طریق مطبوعات و رسانه‌های فرهنگی دنبال می‌کنند.

در این شهر، علاوه بر وجود کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها، فرهنگسرایی نیز وجود دارد که با عناوین مختلفی از کتاب‌های علمی،ادبی، پژوهشی و تاریخی در اختیار علاقه‌مندان به فرهنگ مطالعه قرار گرفته است.

آرش سبحانی، ساروی و دانشجوی علوم پزشکی، شهرش ساری را از نظر کتابخوانی، قابل قبول معرفی می‌کند اما معتقد است که در این زمینه باید کار بیشتری صورت بگیرد.

وی نقش دستگاههای اطلاع‌رسانی را در تبیین جایگاه واقعی کتاب و مطالعه، مؤثر ارزیابی می‌کند و می‌گوید: متأسفانه اخیراً روزنامه‌ها درباره کتاب و اخبار مربوط به آن، ضعیف عمل می‌کنند.وی می‌افزاید: معرفی کتاب‌های مختلف با موضوعات فرهنگی، سیاسی، سینمایی و... در صفحات مطبوعات، هم آگاهی‌بخشی است و هم زمینه‌ساز فروش کتاب‌ها که نهایتاً به ترویج کتابخوانی و رونق وادی نشر می‌انجامد اما فعلاً در این زمینه، فعالیت مناسبی انجام نمی‌شود.این دانشجو که در صدد دریافت پروانه نشر کتاب است، معتقد است که کار نشر، باید به اهلِ آن سپرده شود. آشنایی بیشتر با حوزه نشر و شیدن مشکلاتی که به ناشران مربوط می‌شود، باعث شده است که این دانشجو، برای دریافت پروانه نشر، قدم‌های جدی‌تری بردارد.

او، فعالترین ناشر ساری را در حال حاضر، نشر شلفین معرفی می‌کند و می‌گوید: به نظرم، ساری در میان سایر شهرهای استان، از نظر نشر کتاب و مسائل مربوط به آن دارای وضعیتی بهتر است.

احمدی یکی از کتابفروشان ساری، از گرایش ناشران این شهر به ادبیات حاکم بر مرکز، یعنی تهران انتقاد دارد.به گفته این کتابفروش، ناشران ساروی تلاش می‌کنند در نوع انتشار کتاب‌هایشان، از ناشران تهرانی تأثیر مستقیم بپذیرند و آثاری را برای انتشار آماده کنند که به تعبیر خودشان، مشتری‌پسند باشد. احمدی تصریح می‌کند به اعتقاد ما کتابفروش‌ها، اگر کتابی با محتوای قابل قبول منتشر شود، بی‌تردید، مخاطبان به دنبال آن خواهند بود اما اگر ما فقط در فکر افزایش شمارگان باشیم و بخواهیم خیلی سریع به بازگشت سرمایه فکر کنیم، میزان توفیق‌مان به نحو محسوسی پایین خواهد آمد.

وی که حدود هشت سال، به کتابفروشی پرداخته، می‌گوید: تجربه شخصی‌ام، در اغلب موارد به دردم می‌خورد و هر چقدر دشواری‌های این راه را می‌بینم، برگ دیگری بر این تجربیات افزوده می‌شود.این کتابفروش، درباره میزان علاقه مردم به کتاب و کتابخوانی می‌گوید: در ساری گروهها و افراد مختلفی را دیده‌ام که تنها به ورق زدن کتاب‌ها اکتفا می‌کنند و می‌خواهند از اخبار مربوط به آن، بی‌اطلاع نباشند، اما عده دیگری هم که تعدادشان کم نیست، هستند که با علاقه کتاب می‌خوانند، می‌اندیشند و نسبت به مسائل مختلف در دنیای کتاب، واکنش نشان می‌دهند.

احمدی که به فروش نشریات و ماهنامه‌های تخصصی نیز مبادرت می‌ورزد، می‌گوید: با صراحت باید اعتراف کرد که باید به کتاب، احساس دلبستگی و نیاز کرد و مطالعه را جزء لاینفک زندگی دانست... وگرنه یک سال هم نمی‌توان با این شغل (کتابفروشی) کنار آمد.

این کتابفروش ۴۲ ساله که تقریباً جایگاه خود را در ساری پیدا کرده و خوانندگان حرفه‌ای کتاب، او را از نزدیک می‌شناسند، در ادامه صحبت‌های خود به خبرنگار کتاب هفته می‌گوید: در نسل‌های گذشته، یک حس مشترک وجود داشت و آن این بود که همه احساس می‌کردند به کتاب، نیاز دارند. البته عده‌ای هم بودند که در مطالعه کتاب، اندکی کند عمل می‌کردند اما عاشق مفاهیم نهفته و آشکار در کتاب بودند، در حالی که امروز، متأسفانه خلاف این نکته را می‌بینیم و جوانان، در بعضی مواقع، حوصله ندارند که یک کتاب را حتی ورق بزنند!

اما یکی از ناشران ساری که دو سالی است حرکت در حوزه نشر کتاب را آغاز کرده، معتقد است که برخی از ناشران ساری، با تحرکات انحصاری خود، به پخش کتاب در استان و کشور می‌پردازند و به ناشران تازه‌کار، روی خوش نشان نمی‌دهند.وی در پاسخ به پرسش خبرنگار کتاب هفته مبنی بر اینکه چرا خود شما برای توزیع کتاب‌هایتان، به طور جدی فعالیت نمی‌کنید، می‌گوید: موزعانی با ما تماس گرفته‌اند و برای پخش کتاب‌های ما اعلام آمادگی کرده‌اند که هنوز جواب قطعی به آنها داده نشده است.

این ناشر می‌افزاید: متأسفانه شبکه‌های توزیع کتاب، خواستار درصدهای بالایی هستند که قبول آن برای ناشران تازه‌کاری مثل ما کمی دشوار است.

این مدیر مؤسسه انتشاراتی تصریح می‌کند: من با انگیزه کاملاً فرهنگی به کار نشر، تن داده‌ام. اکنون نیز معتقدم که نباید در این وادی، به دنبال سود زیاد بود، اما واقعاً باید سود حاصله در حدی باشد که بتوان با آن، کتاب بعدی را به مرحله انتشار، نزدیک کردوی با اشاره به اینکه ساری، از پیشینه فرهنگی برخوردار است و تا به حال اهل قلم و تحصیلکردگان قابل توجهی از این سامان برخاسته‌اند، می‌گوید: طبیعی است که در بعضی از روزها و ماههای سال، به لحاظ مشغولیت‌های خاص مردم و نداشتن فرصت برای مطالعه، از توجه عمومی به کتاب و کتابخوانی کاسته می‌شود. به نظر من در این مواقع نباید هراسید و یا خط بطلان به روی فرهنگ کشید، همه چیز را انکار کرد و خیلی صریح گفت که دیگر همه چیز تمام شد، کتاب دیگر طرفدار ندارد و...

وی با انتقاد از روند نامطلوبی که درباره کپی غیر مجاز ترجمه‌ها شروع شده می‌گوید: متأسفانه گاهی یک ترجمه، چندین بار، از سوی چندین ناشر آن هم با چند عنوان متفاوت، منتشر می‌شود که این کار، مخاطب را فریب می‌دهد و کاری کاملاً غیرفرهنگی و غیرمنصفانه است. این ناشر، با اشاره به اینکه دامنه این عمل ناروا، به ساری هم کشیده شده و مسؤولان حوزه کتاب و نشر باید فکری به حال این نقیصه کنند و در هنگام اعطای مجوز به کتاب به این موارد نیز توجه نمایند، می‌افزاید: ناشرانی که به این کار، تن می‌دهند، چند هدف عمده را دنبال می‌کنند. اول، به دست آوردن مخاطبانی است که به طور کاذب به آنها دسترسی پیدا می‌کنند و نام نشر خود را به صورت کوتاه‌مدت، بر سر زبان‌ها می‌اندازند. دوم، تلاش در جهت فروش کتاب و پر کردن جیب است و سوم اینکه هیچ حق‌التألیفی به هیچ نویسنده یا مترجمی پرداخت نمی‌کنند.این ناشر، با تأکید بر اینکه باید مرتکبان جرم‌های فرهنگی هم در جایی محاکمه شوند، می‌گوید: بدترین آسیب این کار، مستقیماً متوجه مخاطبان کتاب و جامعه کتابخوان می‌شود، چرا که اعتماد از این قشر سلب می‌گردد و نام کتاب، در فهرست نیازهای اصلی جامعه، رفته رفته کمرنگ‌تر می‌شود.

وی در انتها اظهار امیدواری می‌کند که ساری، همچنان به عنوان یک شهر فرهنگی با مردم علاقه‌مند به کتاب و مطالعه باقی بماند.

دوزیش

شیوا اویش

### کتابخانه گویای حسینیه ارشاد

# صدا در قفسه‌های کتابخانه

اولین جلسه کتابخوانی برای نابینایان است. قرار است صدایم روی نوار ضبط شود و آنها بشنوند آنچه را که نمی‌توانند بخوانند. کتاب را می‌گذارم روی میز و بازش می‌کنم و به خانم صدابردار نگاه می‌کنم. انگار صدای قلبم را می‌شنوم، احساس می‌کنم تمام بدنم داغ شده است. خانم صدابردار با دست علامت می‌دهد شروع کنم، هر چقدر تلاش می‌کنم، نمی‌شود، یعنی نمی‌توانم، صدایم درنمی‌آید. به صفحه اول کتاب نگاه می‌کنم: «واقعه مرگ تو تمام وجود مرا از هم پاشید. تمام وجود جز قلبم را. قلبی که تو ساختی، قلبی که تو هنوز می‌سازی، قلبی که تو هنوز با دست های گم‌گشته‌ات شکل می‌دهی، با صدای گم‌گشته‌ات آرام می‌کنی، با خنده گم‌گشته‌ات روشن می‌سازی. دوستت دارم. چیزی جز این نمی‌توانم بنویسم، چیزی جز این...»

خانم صدابردار یک بار دیگر علامت می دهد، می‌خواهم فریاد بزنم نمی‌توانم، نمی‌توانم... روزی که آمدم تست صدا بدهم خانم صدابردار گفت کار سختی است، عشق می‌خواهد و... و من گفتم اگر صدایم را قبول کردید پای همه سختی‌هایش هستم و عشق این کار را هم دارم و حالا که موقعش شده است دارم گاف می دهم.

چند بار کتاب را خوانده بودم تا راحت باشم اما انگار... چشم‌هایم را برای لحظه‌ای می‌بندم، همه جا تاریک می‌شود و هیچ چیزی را نمی‌بینم. احساس عجیبی پیدا می‌کنم، با این فکر که صدایم اگر ضبط شود نابینایی، کتابی را که من برایش خوانده‌ام، خواهد شنید و احتمالاً لذت خواهد برد یا پر از لذت می‌شوم! چشم‌هایم را باز می‌کنم. این بار قلبم علامت می‌دهد و می‌گوید آماده‌ای؟ و خودش جواب می‌دهد آره، آماده‌ام و من شروع می‌کنم: «واقعه مرگ تو، تمام وجود مرا از هم پاشید. تمام وجود جز قلبم را...»

اینجا کتابخانه گویا بخشی از کتابخانه حسینیه ارشاد است که به نابینایان سرویس می‌دهد در این کتابخانه که تقریبا از سال ۱۳۷۳ راه‌اندازی شده است، کتاب های درخواستی از طرف نابینایان در استودیوی کوچک همین بخش خوانده می‌شود و روی نوار کاست ضبط شده و در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

کتابخانه گویای حسینیه ارشاد بیش از ۷۲ عضو نابینا دارد که اکثراً دانشجو هستند. نوارهای موجود در این بخش از کتابخانه حسینیه ارشاد غالباً بر اساس کتاب های ادبی، رمان، تاریخ، روانشناسی و علوم اجتماعی تهیه شده‌اند.

این کتابخانه با داشتن ۳۳۸۰ نوار کاست ۲۷۰ عنوان کتاب را برای اعضا فراهم نموده است که نوارها با توجه به علاقه‌مندی نابینایان افزایش می‌یابد. البته خانم نوروزیان مسؤول این کتابخانه می‌گوید: مشکلات فراوانی از جمله نبود خواننده‌های کتاب به تعداد کافی، ضعف امکانات استودیو، فرصت کم خواننده‌های موجود، مشکلات مالی و... باعث می‌شود ما نتوانیم پاسخگوی همه درخواست‌های نابینایان باشیم و فقط کتاب‌هایی را تبدیل به نوار می‌کنیم که درخواست بیشتری داشته باشند و یا عمومی‌تر باشند و یا اینکه مورد خیلی خاصی باشد. مثلاً کتاب معروفی باشد و یا محبوب باشد و مورد توجه خوانندگان بینا واقع شده باشد.

این مجموعه که کاملاً به‌صورت خیریه فعالیت می‌کند در حال حاضر دارای ۵ خواننده است. البته حضور کسانی که علاقه‌مند به همکاری با این بخش از کتابخانه حسینیه ارشاد باشند مورد استقبال واقع می‌شود. کتابخانه گویای حسینیه ارشاد در کنار مجموعه نوارهایش تعداد ۴۵۵ جلد کتاب بریل هم دارد که ۱۶۰ عنوان کتاب را در بر می‌گیرد.

نوروزیان معتقد است نابینایان به نوار علاقه بیشتری دارند چراکه عده زیادی از اعضای این کتابخانه در سن بالا نابینا شده‌اند. یادگیری بریل در سن بالا بسیار سخت است و از طرف دیگر حمل و نقل کتاب‌های بریل بسیار سخت است.

نکته جالب توجه این کتابخانه اعضای بینایی است که نوارها را به امانت می‌گیرند. نوروزیان می‌گوید: «این نوارها مورد استقبال اعضای بینای کتابخانه واقع شده است. چراکه در فرصت‌هایی چون سوار بودن بر تاکسی یا اتوبوس و یا حتی هنگام کار در منزل می‌توانند به عنوان مثال به رمانی گوش دهند.»

البته محدودیت‌هایی برای اعضای بینا مثل فرصت مشخص برای امانت گرفتن نوارها وجود دارد.

در این کتابخانه، کتاب آتش بدون دود با ۷۴ کاست بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده و در کنار این مجموعه، کتاب‌هایی چون داستان‌های کوتاه با یک نوار هم وجود دارند.

درخت انجیر معابد، سمفونی مردگان، تاریخ هجده ساله آذربایجان، سووشون، هبوط در کویر از جمله کتاب‌هایی است که نوارشان را در این کتابخانه می‌توان یافت.

صفحه آخر کتاب هستم. با اینکه این کتاب را قبلاً خوانده بودم ولی الان که داردتمام می‌شود، دلم می‌خواهد یک بار دیگر، دو بار دیگر و شاید صد بار دیگر بخوانمش، این بار این کتاب را نه فقط برای خودم خواندم بلکه برای... و چه لذتی داشت!

دوزیش

فاطمه احمدی

### نمایشگاه کتاب سالمندی

# برای پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها

وقتی می‌خوانم «نمایشگاه کتاب سالمندی» بسیار خوشحال می‌شوم. حتماً کتاب‌های خوبی را می‌توان آنجا برای پدربزرگ خرید. پدربزرگ که عاشق کتاب است زودتر از آنچه که فکرش را بکنم آماده است برای رفتن به نمایشگاه کتاب سالمندی.

بادش بخیر روزهایی که می‌نشستیم کنار پدربزرگ و او برای ما قصه می‌خواند و ما چقدر دوست داشتیم. هر وقت که بیکار می‌شد باید اصرار می‌کردیم تا برایمان کتاب قصه بخواند. نه اینکه دوست نداشت، اتفاقاً خیلی هم زیاد دلش می‌خواست برایمان کتاب بخواند اما دلش می‌خواست اول اصرار کنیم و او ناز کند. بعد دوباره اصرارش کنیم و بگوییم آقاجون، آقاجون، آقاجون، تا برایمان کتاب بخواند. یادش بخیر، می‌نشستیم کنارش، اول چای قند پهلویش را می‌خورد و بعد با آن صدای خش‌دارش شروع می‌کرد: تا کجا خوانده بودم...

اما حالا که دیگر خیلی پیرتر شده است ما برای او کتاب می‌خوانیم یعنی خودش دوست دارد که ما برایش بخوانیم ولی باز هم باید اصرارش بکنیم. حالا که می‌دانیم از این اصرار ما لذت می‌برد خوب ما هم به یاد آن روزها که او برایمان کتاب می‌خواند حالا اصرارش می‌کنیم و برایش می‌خوانیم. هر چند که در هنوز خودش اهل مطالعه است. با شنیدن موضوع برگزاری نمایشگاه کتاب سالمندی بسیار خوشحال می‌شود و اصرارت می‌کند که هر چه زودتر به آنجا برویم...

زودتر از موقع به محل برگزاری نمایشگاه رسیده‌ایم. بوستان اعتماد محل برگزاری این هفته نمایشگاه کتاب سالمندی است. مسؤول خانه فرهنگ اعتماد می‌گوید: ساعت ۶/۵ می‌رسند. هوا دیگر رو به خنکی می‌رود و از گرمای بعدازظهر خبری نیست. بوستان خیلی شلوغ نیست و سالمندان حاضر در بوستان به ده-پانزده نفر هم نمی‌رسند و چند نفری از آنها مشغول تخطیح هستند و چندتایی روزنامه می‌خوانند و انگار نه انگار که منتظر اتفاقی باشند؛ اتفاقی مثل برگزاری نمایشگاه کتاب سالمند. شاید خبر ندارند. پدربزرگ دائماً به ساعتش نگاه می‌کند و می‌گوید: حتماً این پیرمردها هم برای نمایشگاه آمده‌اند ولی چرا اینقدر کم هستند. باید اینجا شلوغ‌تر از این حرف‌ها می‌شد.

بالاخره ساعت به ۶/۳۰ نزدیک می‌شود و مینی‌بوس می‌رسد. اعضای برگزاری نمایشگاه می‌آیند و شروع به چیدن میزها و کتاب‌ها و تابلوها می‌کنند.

نمایشگاه کتاب سالمندی که با همت فرهنگسرای سالمند برگزار می‌شود، با موضوع تغذیه، بهداشت و روانشناسی کتاب‌هایی چون بررسی مسائل سالمندی در ایران، دایرةالمعارف سلامتی و سالخوردگی، یادداشت‌های (داستان‌های) سالمندی، میانسالی و بعد از آن، زندگی بعد از پنجاه سالگی و... را در نمایشگاه معرفی می‌کند.

این نمایشگاه که فعالیت خود را از سال ۱۳۸۰ آغاز کرده است در فصل تابستان پنجشنبه‌های هر هفته در یکی از پارک‌های تهران برگزار می‌شود.

این نمایشگاه که مورد استقبال بسیاری از سالمندان واقع شده بهانه‌ای است برای معرفی فرهنگسرای سالمند و فعالیت‌های آن برای سالمندان.

فرهنگسرای سالمند که در پارک خیام واقع شده است با برنامه‌های متنوعی چون اردوهای سیاحتی-زیارتی، برپایی نمایشگاههای هنری، همایش‌های ادبی و جشنواره‌های متنوع، مسابقات علمی و فرهنگی و همچنین یکسری برنامه‌های آموزشی برای سالمندان فعالیت می‌کند. تقویت مهارت‌های فردی سالمندان، ایجاد فرصت‌هایی برای عرضه آثار فرهنگی- هنری و علمی سالمندان و حفظ هویت فرهنگی سالمندان از جمله اهداف فرهنگسرای سالمند است.

در نمایشگاه سالمند بروشورهایی نیز به‌صورت رایگان به سالمندان داده می‌شود. این بروشورها با عناوینی چون سالمند و موسیقی، سالمند و زندگی معاصر، سالمندی و فرهنگ و... اطلاعات و آگاهی‌های بسیار خوبی را در زمینه‌های روانشناسی و خودشناسی به سالمند ارائه می‌دهد.

خانم طراف مسؤول غرفه نمایشگاه می‌گوید: با اینکه مدت زیادی نیست که به این صورت فعال شده‌ایم، مخاطبان و علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده‌ایم. فرهنگسرای سالمند با برگزاری برنامه‌هایی چون مسابقات شطرنج، تورهای تفریحی-سیاحتی و کوه‌گشت برای سالمندان فرصت بیشتری را برای ارتباط با سالمندان فراهم نموده است. کتابخانه اختصاصی سالمندان نیز دیگر امکانی است که در فرهنگسرای سالمند دایر شده است. این نمایشگاه که فقط ۲ ساعت در هفته برگزار می‌شود، تلاش می‌کند تا ارتباط مناسب و موفقی بین سالمندان و خانواده‌های سالمندان با سالمند برقرار شود. طراف می‌گوید: نبود نیرو و مشکلات حمل و نقل باعث می‌شود که نتوانیم کتاب‌های بیشتری را برای معرفی و فروش بیاوریم ولی در عین حال ما در آغاز راه هستیم و امیدواریم حضور خود سالمندان در مسیر برگزاری چنین نمایشگاههایی مؤثر باشد.

ساعت به هشت نزدیک می‌شود و بروشورهای روی میز تمام شده و تعدادی از کتاب‌ها هم به فروش رفته است. پدربزرگ که از دیدن چنین نمایشگاهی بسیار ذوق‌زده شده است، فرم عضویت در کانون سالمندان فرهنگسرا را پر کرده و برای تقویت این نهاد از همه کتاب‌های روی میز یک جلد می‌خرد. با این فکر که شب باید کتاب از سالخوردگی لذت ببرید؛ و باید برای پدربزرگ بخوانم، نگرانی حمل آن همه کتاب را فراموش می‌کنم.

شکیبا حقیقی

به بهانه برپایی جشنواره گل زیست

# کاغذ باطله بدهید، کتاب ببرید

شاید دور شدن از نقاط مرکزی شهر و رفتن به شرقی‌ترین فرهنگسرای تهران برای تهیه گزارش از نمایشگاه کتاب کار سختی باشد، آن هم در این گرمای تابستان. اما برپایی نمایشگاههای کتاب به‌صورت همزمان در ۲۰ نقطه از منطقه چهار شهرداری، قطعاً ارزش رفتن و دیدن را دارد.

جشنواره «گل زیست» بهانه برپایی نمایشگاههای کتاب است. برپایی نمایشگاه کتاب، مسابقات کتابخوانی و فروش کتاب شاید مهمترین اتفاق این جشنواره باشد که به اعتقاد اسماعیلی مسؤول روابط عمومی فرهنگسرای طبیعت بسیار هم مورد توجه قرار گرفته است.

فرهنگسرای طبیعت که روزانه میزبان بیش از هشت تا ده هزار نفر می‌باشد، این روزها به دلیل برگزاری جشنواره «گل زیست» و همچنین دایر بودن غرفه‌های کتاب شلوغ‌تر از هر وقت دیگری است.

در سالن نمایشگاه فرهنگسرای طبیعت که در مقابل درب شرقی واقع است علاوه بر چهار غرفه کتاب، غرفه‌هایی نیز برای فروش گل‌های چینی، لوازم سرگرمی و اسباب بازی برای کودکان و پوستر و کارت‌پستال اختصاص یافته است.

یکی از نکات جالب توجه در زمان برپایی این نمایشگاهها مبادله کاغذ و کتاب است. این اقدام که از دی ماه سال گذشته با ابتکار فرهنگسرای طبیعت اجرا شده است، هم اینک نیز ادامه دارد. اسماعیلی می‌گوید: فرهنگسرای طبیعت با هدف گسترش فرهنگ مطالعه طرحی را از سال گذشته راه‌اندازی نموده است به این صورت که هر جمعه از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ ظهر مراجعین با دادن کاغذ باطله کتاب دریافت می‌کنند.

در این طرح موفق که در ۴ نقطه از منطقه چهار برگزار می‌شود، کارشناسان با توجه به علاقه‌مندی مراجعین در ازای کاغذهای باطله کتاب هدیه می‌دهند و معیار خاصی هم وجود ندارد. به صورتی که گاهی وقت‌ها بچه‌های کم سن و سال و علاقه‌مند به کتاب شاید با آوردن یک روزنامه، دو یا سه کتاب دریافت کنند.

فرهنگسرای طبیعت، پارکینگ شهرداری، کتابخانه لویزان و کتابخانه حکیمیه چهار نقطه‌ای هستند که هر جمعه صبح میزبان علاقه‌مندان به کتاب هستند. اسماعیلی می‌گوید: این طرح در ایام برگزاری نمایشگاه در تمام ۲۰ موقعیتی که مطرح شد انجام می‌شود. در این طرح علاوه بر مبادله کاغذ و کتاب فرصت تعویض کتاب‌های کهنه با کتاب‌های نو نیز فراهم است.

اطلاعیه مربوط به نمایشگاه خبر از برپایی آن از ۱۵ تیر تا ۱۵ مرداد را می‌داد اما به دلیل استقبال بسیار خوب مخاطبان این نمایشگاه تا اول شهریورماه تمدید شده است.

پارک رسالت، پارک مجیدیه، پارک گلبرگ و پارک صدف از جمله پارک‌هایی هستند که در کنار هشت مدرسه و خود فرهنگسرای طبیعت از ساعت ۹ صبح تا ۱۳ ظهر و ۳ بعد از ظهر تا هشت شب پذیرای علاقه‌مندان به دیدن این نمایشگاه است.

سمیرا سامانی

تهران ،پایانه جنوب

# همسفر ! مرا بخوان

وقتی صاحبان کتابفروشی های بزرگ و کوچک خیابان انقلاب یعنی بورس کتاب ایران، مگس می پرانند، انتحاب شغل کتابفروشی در میان سر و صدای پایانه همانقدر تعجب‌آور است که رفتن به سیاره زحل!

اینجا ترمینال جنوب است. عکاس زودتر از من آمده و بر روی صندلی، ساکت و متحیر نشسته است. نپرسیده می گوید: «مجوز می خواهند؟ و مجوز برای عکس گرفتن از کتاب همانقدر تعجب‌آور است که رفتن به سیاره زحل! پاسخگویی به مدیریت ترمینال، مسؤول حراست و نیروی انتظامی تنها برای عکس گرفتن- چند عکس از کتاب- عقربه های ساعت را دو ساعتی به جلو برده است؛ یعنی ۱۲۰ دقیقه که در تمام آن دقایق نمی دانستم خوشحال باشم از اینکه به هر حال در جایی کتاب آنقدر ارج و قرب پیدا کرده است که دو ساعت باعث سؤال و جواب می شود، یا ناراحت برای بی پاسخی ذهنم در برابر سؤال «کتاب را چه به پایانه؟» خلاصه خوشحال یا ناراحت هر چه بود گذشت. پس به سمت کتابفروشی ترین کتابفروشی ترمینال حرکت کردم یعنی در «شهر کتاب».

شهر کتاب ترمینال جنوب در سال ۱۳۷۷ افتتاح شده است؛ جایی که در آن نزدیک به ۳ هزار عنوان کتاب جا گرفته است. از کتاب های کودک و نوجوان گرفته تا بزرگسال، از رمان پلیسی- جنایی، خانوادگی تا کتاب های سنگین فلسفی، سیاسی و... البته نوار و سی دی نیز کنار قفسه های کتاب جایی برای خود باز کرده‌اند، اما آنچه هست بیشتر کتاب است؛ کتاب هایی که قفسه های تا سقف بالا رفته هم نتوانسته‌اند جای کافی برای مرتب چیده شدن آنها ایجاد کنند. پس به ناچار پا به بیرون کتابفروشی گذاشته‌اند. البته در میان صدای بلند خط پرکن های تعاونی ها و بلندگوهای این گوشه و آن گوشه ترمینال، شاید بهترین جا برای خریدار پیدا کردن این کالای بی سر و صدا همین فضای خارج از محدوده کتابفروشی باشد.

«محمود رضاپور» مدیر «شهر کتاب» ترمینال جنوب اعتقاد دارد کار در فضای پایانه مشکلات بیشتری نسبت به مکان های دیگر دارد. وی فرهنگی نبودن فضا را از جمله عوامل اصلی اصطکاک با مسؤولان پایانه و مردم می داند که باعث هدر رفتن انرژی غیر معمول در کار می شود. البته علاقه زیاد او به کارش نه تنها او را از کار و مشکلاتش خسته نکرده است بلکه آن را حس نمی کند. رضاپور استقبال از کتاب های روانشناسی عمومی و رمان را به دلیل عامه پسند بودنشان بیشتر از سایر کتاب ها می داند، اما اعتقاد دارد؛ «کسی دست خالی از این کتابفروشی خارج نمی شود چون تمام سعی ما بر این بوده که مجموعه‌ای کامل را در اینجا گردآوریم. البته با این تفاوت که کتابفروشی های روبه روی دانشگاه تهران با مخاطب فیلترشده تری روبه رو هستند. به عبارتی مخاطب و کالای مورد علاقه اش تا حدود زیادی مشخص است اما در اینجا به دلیل شرایط جبری مثل فرصت تا حرکت اتوبوس و... با افراد بسیاری که در بیشتر اوقات سر و کار جدی با کتاب ندارند، برخورد داریم. بنابراین کار ما به دلیل این محیط مشکل تر از هم‌صنفان خویش در مکان های دیگر است. پس این مکان نه تنها می تواند پایانه کتاب از مرکز کشور به شهرستان ها باشد بلکه می تواند محلی برای آشنایی و نزدیکی قشرهای مختلف با کتاب باشد.»

وی در خصوص طیف مشتری هایش اظهار داشت: «در زمان سال تحصیلی یعنی از مهر تا خرداد بسیاری مشتری های ما دانشجویان و بعضاً اساتید هستند که در میان آنها گاهی مشتری های دائم نیز وجود دارد. البته وجود کتاب های چاپ سال های گذشته با قیمت مناسب در این امر بی تأثیر نیست اما در کنار این دست از مشتری ها، خرید کتاب توسط سایر مسافرها هم کم نیست.» رضاپور راضی است هر چند روزهایی بیاید و برود و او حتی ده جلد کتاب نفروخته باشد.

از شهر کتاب ترمینال جنوب فاصله می گیرم، کمی جلوتر میز مستطیلی پر از کتاب اما با رنگ و بو و مضامین نزدیک به هم توجهم را جلب می کند. البته دیری نمی گذرد که تابلوی بزرگ «انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی» جوابی قانع کننده به این شباهت می دهد و این جواب چیزی نیست جز کتاب و تبلیغ اسلامی. داریوش صمدیان یک سال است که غرفه کتاب «انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی» ترمینال جنوب را با حقوق ثابت ماهیانه ۸۶ هزار تومان اداره می کند. وی اعتقاد دارد: «این مجموعه بیشتر جنبه تبلیغات اسلامی دارد تا فروش کتاب چون در این مجموعه کتاب هایی با مضامین مشخص وجود دارد که نمی تواند پاسخگوی مخاطب عام باشد و این تنها به دلیل وجود محدودیت هایی است که جهت عرضه متنوع کتاب در این مجموعه وجود دارد. در حالی که پایانه محل رفت و آمد از همه جای کشور با سلایق و علایق گوناگون است، بنابراین وجود این ویژگی که مختص به پایانه است لزوم تفاوت در ارائه خدمات نسبت به سایر نمایندگی ها را اجتناب ناپذیر نشان می دهد.»

«سازمان تبلیغات اسلامی» با همه کمی و کاستی هایش با عرضه کتاب هایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اسلام مربوط است، توانسته مجموعه‌ای کامل برای علاقه مندان به این حوزه جمع‌آوری کند.

از دور «سارا و داراه» را می بینم که لبخند می زنند و من از دیدن این دو بازیگوش در آنجا تعجب می کنم و لبخندشان را پاسخ می دهم. «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۶۰ در ترمینال جنوب محلی را به فروش محصولات خود و محصولات تأییدشده مؤسسه اختصاص داده است.

۶۲۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان که در این مجموعه گردآمده است، تمام مجموعه‌ای است که کانون در نمایندگی های خود در معرض تماشا و فروش قرار داده است. به عبارت بهتر این محل در ترمینال جنوب تنها غرفه‌ای است که کتاب هایش از فیلتر کارشناسی کتاب گذشته است، پس اینجا تنها محلی است که والدین

می توانند بی دغدغه از وجود کتاب های بی ارزش کودکان و نوجوانان که اتفاقاً در این مکان حضور کمرنگی نیز ندارند، کتاب های مورد علاقه فرزندان خود را تهیه نمایند.

فرهاد خاکپور مسؤول فروش غرفه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فروش بازی های فکری را بیشتر از کتاب می داند و حضور کتاب های بازاری و مشتری پسند را در این امر دخیل می داند. وی ظاهر شاد و رنگی اینگونه کتاب ها را عامل اصلی علاقه کودکان و نوجوانان به این کتاب ها می داند.

درست است که ترمینال از فضای عرضه محصولات فرهنگی دور است و ارتباط مستقیمی ندارد اما حضور نمایندگی های سازمان هایی که به طور مستقیم با کتاب سر و کار دارند، در این مکان کاملاً معمول است. اما تابلوی «سازمان بهزیستی کشور» آن هم بالای غرفه کتاب و روزنامه فروشی کمی غیر معمول جلوه می کند.

ظاهر وی نشان از معلولیت جسمی او دارد اما برخورد دوستانه و مؤدبانه اش حکایت از سال ها کار و ارتباط درست با مردم دارد. نامش «قاسم سیفی» است و ۲۰ سال است که این غرفه توسط بهزیستی در اختیار وی قرار گرفته است.

وی اعتقاد دارد: «این کار نه تنها در ایجاد اشتغال و بالا بردن اعتماد به نفس معلولین مؤثر است، بلکه به دلیل رفت و آمد قشرهای مختلف وجود چنین مکان هایی در ایجاد انگیزه و علاقه به مقوله کتاب بسیار مؤثر است. بنابراین نه تنها گسترش چنین مکان هایی از این جهت لازم است، بلکه ورود کتاب به هر شکلی در عرصه زندگی مردم، مانع بسیاری از ناهنجاری ها در جامعه می شود.» البته او منکر این نمی شود که کتاب های رمان و مسائل خانوادگی و زناشویی بیشتر مورد توجه قرار می گیرد تا کتاب های جدی و سنگین.

انتشارات کیهان آخرین جایی است که در ترمینال جنوب برای دیدن محصولات فرهنگی اش به آن سر می زنم. البته این غرفه به روزنامه اطلاعات اختصاص داشته است که اختیارات آن از سال گذشته به انتشارات کیهان داده شده است.

«علی حمیدی پور» مسؤول این غرفه از بی حوصلگی و آشفتگی اش کاملاً مشخص است که دلیلی محکمتر از بیکاری برای ایستادن در اینجا ندارد و با بی میلی تمام می گوید: «وقتی مشتری برای نشریه ۲۰۰ تومانی ۲۰ تومان می دهد، از شدت شلوغی صدایه صدا نمی رسد، از هوای کثیف حوصله نفس کشیدن پیدا نمی کنی و دزدی امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است، خودتان حساب کار در اینجا را بکنید.»

آنچه گفته شد تصویری از عرضه کتاب در ترمینال جنوب بزرگترین پایانه کشور است. البته به سراغ چند ترمینال دیگر در گوشه و کنار این شهر می روم اما تفاوت چشمگیری وجود ندارد. یعنی هر چه هست کتاب است؛ کتاب هایی که سعی می کنند در میان سر و صداهای معمول ترمینال ها با آرامش بی بدیلشان توجه مسافرها را جلب کنند، مسافرهایی که شاید تمام عمر کتاب خریدنشان به اندازه نیم ساعت باقی مانده تا حرکت اتوبوس نباشد.

## مسافرت می کنند و کتاب می خرند

محمد تربیتی ۲۴ ساله مهندس برق که در دستش یک بلیت اصفهان است می گوید: «تا حرکت اتوبوس وقت دارم. برای همین سری به اینجا زدم تا هم از این فرصت استفاده کنم و هم در طول سفر بیکار نباشم. آخر جاده طولانی و کویری اصفهان چشم آدم را سیاه می کند. پس بهتر است با همه توصیه های پزشکی درباره مطالعه نکردن در هنگام حرکت، چشمم از دیدن جملات و کلمات سیاه شود تا از زمین خشک و برهوت!»

علیرضا تندکار ۲۸ ساله کارشناس مکانیک که برای خرید بلیت البته برای دوستش به ترمینال آمده است می گوید: «تعریف شهر کتاب را خیلی شنیده بودم اما یا وقت نکرده بودم یا به دلیل نبود جای پارک ماشین تا امروز فرصت بازدید از این مجموعه را نداشتم. اما وقتی در اینجا چشمم به «شهر کتاب» افتاد از این توفیق اجباری استفاده کردم.» البته وی با نگاهی گذرا به این مجموعه معتقد است سلایق شخصی در انتخاب کتاب های اینجا کاملاً مشهود است. مثلاً چرا کتاب حاجی آقای صادق هدایت نیست اما بوف کور هست.

مصطفی عباسیان ۳۳ ساله که در تهران شاغل است و خانواده اش در شیراز ساکنند، کتاب های کودک و نوجوان را ورق می زند و تا بتواند برای پسر ۶ ساله اش چند کتاب شعر و نقاشی بخرد. وی فرصت کم را مانع دقت و توجه کافی به کتاب ها می داند.

اسمش کیانوش است. یک نگاه به صورت بی خبر از جوانی اش می اندازم و نگاهی به کتاب در دستش و می پرسم کتاب درباره مسائل و روابط زناشویی آنهم در این سن و سال چرا توجهت را جلب کرده است؟ و او جوابی پرمعنا می دهد: «سکوت.

دو ساعتی گذشته است یعنی ۱۲۰ دقیقه که در تمام آن دقایق می دانستم خوشحالم از اینکه هست و ناراحتم از اینکه جوابی محکم برای چیستی اش نیافتم.

## خبر

### نشست های آتی کتاب ماه ادبیات و فلسفه

«کارنامه یک مترجم؛ مرتضی کلانتریان» عنوان نود و چهارمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه است که در روز سه شنبه ۱۴ مرداد برگزار می شود. از کلانتریان تا کنون ۲۰ کتاب منتشر شده است که «وجدان زنو»، «سیمای زنی در میان جمع»، «مرگ کثیف»، «عنم فرانکو»، «بررسی یک پرونده قتل»، «حقوق و ادبیات» و... از جمله آثار ترجمه شده این مترجم است. در این نشست کارنامه کلانتریان با حضور دکتر سعید محبی و کاوه میرعباسی نقد و بررسی می شود.

داستان کوتاه به مفهوم امروزی آن، شاخه جوانی از ادبیات است که نخستین نمونه های آن در اوائل سده نوزدهم آفریده شدند. اما اکنون بخش مهم و وسیع و پرخواننده و متنوعی در ادب امروز جهانی است که از حیث محتوا و فن، تحول و تکامل چشمگیری یافته است. نود و پنجمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با عنوان «داستان کوتاه؛ پیچیدگی های ناپیدا» با حضور دکتر حسین پاینده، حسین سناپور، مصطفی مستور و جمعی از داستان نویسان تشکیل می شود و ویژگی ها، مفاهیم عمده و سیر تحول و تطور داستان کوتاه مورد بحث و گفت وگو قرار می گیرد. این نشست در روز سه شنبه ۲۱ مردادماه برگزار می شود. این نشست ها ساعت ۱۷ بعدازظهر در خانه کتاب برگزار می شود.

### ادامه سلسله جلسات نقد کتاب های مردم شناسی

در ادامه سلسله جلسات نقد کتاب های مردم‌شناسی که پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گروه علوم اجتماعی مرکز بین‌المللی گفت وگوی تمدن ها برگزار می کنند، دو کتاب دیگر مورد نقد و بررسی قرار گرفتند.

در پنجمین نشست از این جلسات کتاب «افسانه زندگان» با حضور علیرضا حسن زاده مؤلف و منتقدانی چون دکتر اصغر عسگری خانقاه، محمدابراهیم اقلیدی، فرنگیس مزدا پور و افشین نادری بررسی شد.

در جلسه ششم نیز که کتاب «آدم و حوا» با حضور محمد محمدعلی نقد و بررسی شد، دکتر حجازی، محمد ابراهیم اقلیدی، شهرام پرستش و محسن فرجی حضور داشتند.

علاقه‌مندان برای آگاهی از برنامه این نشست‌ها می توانند با شماره تلفن ۸۷۲۸۱۲۶ تماس بگیرند.

### همایش بزرگداشت عباس زریاب خویی

همایش بزرگداشت دکتر عباس زریاب خویی، بیست و سوم مردادماه سال جاری در شهرستان خوی برگزار می شود. به گزارش ایسنا محمدامین رضازاده فرماندار خوی افزود: اصلی ترین هدف از برپایی این همایش، پرداختن به مفاخر و تجلیل از بزرگان علم و ادب شهرستان و استان است.

وی با بیان اینکه در حال حاضر در مرحله فراخوان مقاله قرار داریم گفت: «عمده موضوع مقالات، بررسی ابعاد مختلف شخصیتی دکتر زریاب خویی و تحصیل و تدریس وی در دانشگاههای مهم ایران و جهان و همچنین حوزه علمیه است و عمده مدعوین این همایش استادان همکار دکتر زریاب در فرهنگستان زبان، فرهنگستان علوم و دایرة‌المعارف کشور نظیر دکتر باستانی پاریزی و محمدامین ریاحی هستند.» رضازاده در پایان از تمامی صاحبان اندیشه و نظر دعوت کرد تا به این همایش مقاله ارائه کنند.

مجید فروغی

### گفت وگو با دکتر محمدجواد شریعت

# ابیات حافظ با معانی ساده

**دکتر محمدجواد شریعت بیش از ۴۰ سال از عمر خود را صرف حافظ کرده است و حاصل این همراهی چهل ساله با حافظ و اشعارش، انتشار دیوان حافظ با معانی اشعار، لغات و شرح زیبایی‌های ابیات با زبان و بیانی ساده برای عموم مردم است و نگارش مجموعه حافظ شناسی در هشت بخش که برای استفاده استادان، دانشجویان و اهل تحقیق در دست انتشار است. دکتر شریعت می‌گوید: همراه بودن چهل ساله با حافظ خود لذتی دارد که قابل شرح و بیان نیست.**

**ابتدا درباره زندگی و آثار خود بگویید.**

در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۱۵ در اصفهان به دنیا آمدم، پدرم روحانی قریه طالخونچه بود و من زیر نظر او مقدمات تحصیلات حوزوی را تمام کردم. تحصیلات ابتدایی را در همان قریه و دوره متوسطه را در اصفهان گذراندم. در سال ۱۳۳۴ در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل و به سمت آموزگار دبستان‌های تهران منصوب شدم. سال ۱۳۳۷ تدریس در دبیرستان هراتی اصفهان را آغاز کردم و در سال ۱۳۳۹ در آزمون دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم. خرداد ۱۳۴۷ از پایان‌نامه دکترای خود با عنوان مطالعه در تفسیر طبری دفاع کردم و به عنوان استادیار وارد دانشگاه اصفهان شدم و در سال ۱۳۶۰ سند افتخارآمیز بازنشستگی را از آن دانشگاه دریافت کردم. در حال حاضر علاوه بر چند ساعت تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، بیشتر وقتم به تحقیق و مطالعه و نوشتن می‌گذرد. تاکنون ۳۰ عنوان کتاب و بیش از ۶۰ مقاله نوشته‌ام و چند اثر نیز در دست انتشار دارم.

**سابقه شما درباره حافظ‌شناسی به چند سال قبل برمی‌گردد؟**

مطالعه سطحی من در مورد حافظ مانند هر دانشجوی زبان و ادبیات فارسی از دوره دانشجویی و تحت نظر شادروان دکتر محمد معین شروع شد که ایشان در درس نظم و نثر فارسی چند غزل از حافظ را برای ما دانشجویان آن دوره شرح کردند. سپس از سال ۱۳۳۹ مطالعه جدی را درباره اشعار حافظ شروع کردم که تا امروز ادامه دارد.

**ویژگی‌های اثر شما (دیوان حافظ ...) چیست و چه تفاوت‌ها و امتیازهایی نسبت به سایر چاپ‌های دیوان حافظ دارد؟**

من به منظور استفاده عمومی مبادرت به تهیه این دیوان (حافظ) کردم و چند سالی است مجموعه‌ای با عنوان حافظ‌شناسی نوشته‌ام که در هشت بخش توسط نشر اساطیر منتشر خواهد شد و مخصوص دانشجویان، استادان و اهل تحقیق است. اما این چاپ دیوان ویژگی‌های خاصی دارد. در این اثر تا جایی که لازم بوده، اعراب کلمات گذاشته شده است تا خوانندگان اشعار را درست بخوانند. وزن عروضی و هجایی اشعار اعم از غزل‌ها، قصاید، قطعات و رباعیات در پیشانی هر کدام و نام بحور آنها هم در صدر آن ذکر شده است. کتاب به گونه‌ای تنظیم شده است که اگر شماره غزل (در چاپ علامه قزوینی) را در برابر کنید، شماره صفحه‌ای از این چاپ به دست خواهد آمد که آن غزل در آن آمده است. در صحفه مقابل هر بیت ابتدا معنی هر بیت به زبانی ساده آمده، سپس در پرانتز مقابل معنی بیت، لغات و ترکیبات دور از ذهن معنی شده و بخشی از زیبایی‌های هر بیت هم ذکر شده است و پس از بستن پرانتز هدف از بیان آن بیت آمده است. در این اثر همه ابیات غزل‌ها با این روش بررسی شده‌اند و ابیاتی که در دیوان چاپ مرحوم استاد دکتر خانلری بوده اما در چاپ مرحوم علامه قزوینی نبوده است، بدون معنی ذکر شده‌اند. در واقع هدف من از این چاپ شرح ابیات غزل‌ها نبوده بلکه هدف، بیان معنی ساده آنها بوده است که موجب شده تا حدی از ظرافت‌ها و لطایف ابیات کاسته شود. در این اثر قصاید، قطعات و رباعیات معنی نشده است، اما کسی که با خواندن غزل‌ها و معانی آنها با زبان حافظ آشنا شده باشد، در معنی کردن آنها مشکلی ندارد. این اثر در یک جلد چاپ شده است تا افرادی که می‌خواهند فال حافظ بگیرند و معنی آن را درک کنند، بتوانند از آن استفاده کنند.

**آیا تصور می‌کنید که هنوز تصحیح قزوینی از دیوان حافظ می‌تواند مبنا قرار گیرد؟**

هنوز هم دیوان حافظ به تصحیح مرحوم علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی بر تارک تصحیح‌های متعدد دیوان، درخشندگی خاص خود را دارد. اما من در مجموعه حافظ‌شناسی که پس از این منتشر خواهد شد، همه نسخه بدل‌های ممکن را آورده‌ام و در شرح مفصلی که تهیه کرده‌ام نشان داده‌ام که تصحیح قزوینی واقعاً ممتاز است.

**شما در این چاپ به چه تصحیحات دیگری نظر داشته‌اید؟**

در این چاپ فقط نگاهی گذرا به تصحیح مرحوم دکتر خانلری داشته‌ام ولی در مجموعه حافظ‌شناسی به همه تصحیح‌ها و نسخه بدل‌های در دسترس نظر داشته‌ام.

**یکی از مشکلات نسل جوان در ارتباط با اشعار حافظ، عدم درک معانی و مفاهیم است آیا در اثر شما برای این مشکل دانشجویان و جوانان فکری شده است؟**

در اصل، این اثر به همین منظور به وجود آمده و اسقبالی که از این اثر شده است نشان می‌دهد که جوانان و دانشجویان با وجود قیمت نسبتاً سنگین کتاب (که ناشی از حجم و کاربری آن است) به آن روی آورده‌اند و امیدوارم برای آنها مفید باشد.

**چه کارهای دیگری در دست پژوهش و تألیف دارید؟**

در حال حاضر دوازده اثر در دست انتشار دارم که شامل فرهنگ بسامدی سیاست‌نامه، مجموعه حافظ‌شناسی در هشت بخش، فرهنگ املایی فارسی، فرهنگ فارسی، ترجمان‌البلاغه، فرهنگ الشاهد (عربی - فارسی و فارسی - عربی)، نهج‌الادب: تألیف نجم‌الغنی، شرح دیوان خاقانی به انضمام فرهنگ بسامدی آن، جلد دوم و سوم و چهارم جواهرالاسرار، ترجمه الاحرقیه او القواعد الجدید فی لسان العربیه، فرهنگ نهج‌البلاغه و خاطرات است.

**و حرف ناگفته ...**

من از این چهل سال عمر خود که صرف حافظ کرده‌ام بسیار راضی هستم و هنوز می‌دانم آنگونه که باید و شاید حافظ را نشناخته‌ام، اما همراه بودن چهل ساله با حافظ خود لذتی دارد که قابل شرح و بیان نیست. دیگر آنکه به جوانان و مشتاقان شناخت دوران خود و حقیقت آن توصیه می‌کنم که دیوان حافظ را بخوانند و دریابند، گویی حافظ با آنان هم‌عصر است و راز زنده بودن همیشگی حافظ را دریابند.

## کتابشناسی دکتر شریعت

- املای صحیح، مؤسسه مطبوعاتی تقفی، ۱۳۳۹
۲- دستور زبان فارسی و انگلیسی (تطبیقی)، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۰
۳- کتاب املا (دو جلد)، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۲
۴- لغت فارسی، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۴
۵- راهنمای زبان و ادبیات فارسی مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۵
۶- کاملترین صرف و نحو عربی، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۶
۷- ترجمه و راهنمای مبادی العربیه (جلد دوم)، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۶
۸- تجزیه و ترکیب اشعار گلستان (دو جلد)، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۷
۹- زمینه بحث درباره آیین نگارش، دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۸
۱۰- آینه عبرت (شرح قصیده‌ای از خاقانی)، دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۸
۱۱- جمله و جمله سازی، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۴۸
۱۲- دستور زبان فارسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۹
۱۳- سخنان پیر هرات، شرکت سهامی جیبی (امیرکبیر)، ۱۳۵۵
۱۴- پروین، ستاره آسمان ادب ایران، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۵۶
۱۵- منهاج‌الطلب (کهن‌ترین دستور زبان فارسی)، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۵۹
۱۶- ترجمه نهج‌البلاغه، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۶۰
۱۷- فرهنگ فارسی- چینی با همکاری دکتر غلامرضا ستوده و هیأت چینی، پکن، ۱۹۸۳
۱۸- جواهر الاسرار و زواهر الانوار، شرح مثنوی مولوی (جلد اول)، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۶۱
۱۹- کمال‌البلاغه، مؤسسه مطبوعاتی میثم تمار ۱۳۶۲
۲۰- کشف‌الابیات مثنوی، انتشارات کمال، ۱۳۶۲
۲۱- فهرست تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳
۲۲- جواهر الاسرار و زواهر الانوار شرح مثنوی (مولوی جلد دوم)، مؤسسه مطبوعاتی مشعل، ۱۳۶۸
۲۳- دیوان اشعار دقیقی، به انضمام فرهنگ بسامدی آن، شرکت نشر اساطیر، ۱۳۶۸
۲۴- چهارده روایت در قرائت قرآن مجید، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸
۲۵- کتاب تعرف، متن و ترجمه آن، شرکت نشر اساطیر، ۱۳۷۱
۲۶- کتاب های دوره راهنمایی تحصیلی (۳ جلد) با همکاری دکتر حداد عادل و احمد سمیعی، سازمان چاپ و نشر کتاب های درسی، ۱۳۷۴
۲۷- گزیده کشف‌الاسرار، شرکت نشر اساطیر، ۱۳۷۴
۲۸- دستور ساده زبان فارسی، شرکت نشر اساطیر، ۱۳۷۶
۲۹- اسرار الغیوب (دو جلد)، شرکت نشر اساطیر، ۱۳۷۷
۳۰- دیوان حافظ با معانی اشعار و لغات ابیات و شرح زیبایی های ابیات، نشر آثریات، ۱۳۸۱.



کامیار افشار

گزارش

### گزارش از «شهر کتاب شهرری»

# درخواست حمایت همه جانبه

شهر کتاب «آستانه» واقع در خیابان آستانه شهر ری، که در سال ۱۳۷۸ در فضای ۳۰۰ متر مربع آغاز به کار کرد، اکنون دارای بیش از ۱۰ هزار عنوان کتاب است.

مهدی حکیمی مدیر این نمایشگاه و فروشگاه بزرگ دوازده سال سابقه این کار را دارد و قبلاً در بازار حضرتی (بازار ورودی حرم حضرت عبدالعظیم) کتابفروشی داشته. ایشان در ابتدای گفت‌وگو به شوخی گفت: در بازار قدیم که بودیم پیرمرد عطاری به من می‌گفت: «شغل شما سه چیز لازم دارد: عمر نوح، طعام سگ و صبر ایوب» حکیمی در مورد سوابقش در بازار قدیم اظهار داشت: ما در آنجا که مسیر عبور زائران بود توانستیم فضایی جدید ایجاد کنیم. در اوایل کار سال‌های ۷۰ یا ۷۱ برای یک سری از کتاب‌های جدید در این شهر غطش زیاد بود. مثلاً کتاب‌های ایاسخ به تاریخ؛ یا «آخرین سفر شاه» را که مردم می‌دیدند برای خرید یا تماشا مراجعه می‌کردند.

وی ادامه داد: درد دل زیاد است و ما با کارشکنی‌ها و مخالفت‌های آدم‌های مختلف در آنجا مواجه شدیم. بنیادگراها ما بد تا کردند و متأسفانه فشار روی ما زیاد بود. یعنی طوری بود که ما بعضی وقت‌ها از کارمان پشیمان می‌شدیم؛ این تئوری که ما گرم کرده بودیم دشمنان را سوزاند. در هر صورت با این مشکلات ساختیم.

حکیمی با اشاره به کم بودن فضای کتابفروشی در بازار حضرتی ادامه داد: در واقع برای توسعه کارهایمان نیاز به فضای بازتری داشتیم چون عنوان‌ها زیاد شده بود و آنجا جوابگو نبود. به اینجا آمدیم. فضای متعلق به مؤسسه شهر کتاب است اما کتاب، انواع نوشت‌افزار و وسایل کمک‌آموزشی متعلق به ماست و در واقع هر ماه طبق یک قرارداد کلی به مؤسسه شهر کتاب اجاره پرداخت می‌کنیم. ایشان ضمن بیان اینکه کتاب کالای سودآوری نیست ابراز کرد: اینکه کسی بخواهد کتابفروش شود برای سود نمی‌تواند باشد بلکه بیشتر برای عشق است، اما این عاشق بیچاره با مشکلاتی مواجه است. این آقا در این جامعه هیچ پشت و پناهی از نظر رعایت قوانین مالیاتی و صنفی ندارد. مجلس تصویب می‌کند که از او مالیات نگیرند اما پایش که به دارایی باز می‌شود از او مالیات می‌خواهد. یعنی عرضه کالاهای فرهنگی به این شکل و با این وسعت را عملاً با عرضه یک کالای پر سود مثل طلا یا پوشاک یکی می‌دانند. این صنف اگر جایگاهی در صنوف دیگر دارد باید حمایت‌های خاصی از او به وجود داشته باشد.

حکیمی در مورد اشکالات برگزاری نمایشگاه کتاب تهران گفت: در صورت برگزاری این نمایشگاه‌ها و نمایشگاه‌های دائمی کتاب پس کتابفروش باید بکار کند. این کار وقتی مورد تأیید صنف کتابفروش است که نمایشگاه به فروش کتاب مبادرت نکند بلکه محلی برای نمایش کتاب باشد و تهیه این کتاب‌ها و فروش آنها به مردم باید از طریق کتابفروش صورت گیرد.

وی در ادامه ضمن بیان پیشنهادهایی دیگر گفت: اگر قرار است نمایشگاه کتاب به این صورت باشد سپس چرا کتابفروش‌ها نتوانند در آنجا غرفه داشته باشند و یا اینکه چرا به کتابفروش‌ها به آسانی جواز نشر نمی‌دهند؟

مهدی حکیمی، صاحب شهر کتاب شهرری، در مورد قوانین دست و پاگیر صدور مجوز نشر اظهار داشت: وقتی قرار است کتاب برای نشر بررسی شود قرقی ندارد که ناشر متأهل باشد یا مجرد، لیسانس باشد یا دکتر یا دیپلم.

وی با اشاره به معضلات پخش و توزیع کتاب گفت: پخش‌های معتبر به اندازه انگشتان دست‌اند حالا شاید کمی بیشتر. بسیاری از پخش‌ها کتاب را از ناشر به صورت امانی می‌گیرند و دیو می‌کنند و برخی ناشران عملاً می‌بینند کتابشان خاک‌مال و توسری خورده شده در کشور ما ارتباط ارگانیک و فعال بین نشر و پخش وجود ندارد.

حکیمی در مورد جذابیت‌های کارش گفت: یکی از زیباترین و بهترین نحوه اطلاع‌رسانی و خدابسندانه‌ترین کارهاست. اما به دلایل مشکلات مالی مردم و حذف کتاب از سبد اقتصادی خانواده الان خریدار کتاب کم شده. در هر صورت زیبایی کار ما در این است که کالایی در اختیار مردم می‌گذاریم که قطعاً هیچ چیز جای آن را نمی‌تواند بگیرد حتا یک «گوهر برلیان».

او در پایان اظهار داشت: با تمام این مشکلات و چالش‌های فراروی بنده کماکان مایلم کارم را ادامه دهم و به‌رغم مسائل حادی که ناشی از شرایط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است، سعی می‌کنم در واقع یک کانال ارتباطی و یک رگه حیاتی ارتباط بین خواننده و پدیدآورنده به‌وجود آورم.

مجتبی زارعیان جبهری

**توجه زیاد به تهران به عنوان کانون ارائه خدمات فرهنگی بویژه در زمینه اطلاع‌رسانی و چاپ و نشر کتاب و گسترش فرهنگ مکتوب نباید باعث نادیده گرفتن ظرفیت استان‌های دیگر و فرهنگ‌های منطقه‌ای شود.**

**خرده‌فرهنگ‌های این سرزمین باید در سایه‌سار هویت ملی و زبان پارسی بیالد و به بار نشیند و این میسر نیست مگر با شناخت توانایی‌ها و مشکلات و مسائل خاص هر منطقه، از شمال تا جنوب و غرب تا شرق سیاستگذاری‌های فرهنگی بویژه در زمینه اشاعه و رشد فرهنگ مکتوب می‌تواند زیربنای هر توسعه و پیشرفتی قرار گیرد و این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای را شناخته، آسیب‌شناسی نموده و در جهت رفع مشکلات و تقویت توانایی‌های آنها گام برداریم.**

**از این رو به انگیزه ترویج و توسعه فرهنگ‌های منطقه‌ای در راستای تقویت هویت و فرهنگ ملی و در جهت طرح توانایی‌ها و کاستی‌های استان‌های کشور در حوزه چاپ و نشر کتاب، مسائل ناشران، نویسندگان، کتابفروش‌ها و کتابخانه‌های عمومی به سراسر این سرزمین می‌رویم و از نزدیک در حضور خادمان فرهنگ به حرف‌های ناگفته و ناشنیده گوش می‌سپاریم و در صدد انعکاس آنها به نحوی شایسته بر می‌آییم.**

**این هفته و شاید در هفته آینده میهمان مازندرانی‌ها هستیم.**

**که مازندران شهر ما باد / همیشه بر و بوش آباد باد**

گفت‌وگو

### دو گفت‌وگو در سارى

# مرکز مطالعات ایرانی

**با پژوهشگران برجسته تاریخ، ادب و فرهنگ مازندران ـ سیروس مهدوی و حسین اسلامی ـ در مرکز مطالعات ایرانی (ساری) دیدار و گفت‌وگو کردیم. حاصل این دو گفت‌وگو:**

## گفت‌وگوی اول

**سیروس مهدوی، مدیر و مؤسس مرکز مطالعات ایرانی و مدیر مسؤول انتشارات پژوهش‌های فرهنگی متولد ۱۳۲۶ قائم‌شهر است؛ اما می‌گوید: همه جای مازندران سرای من است. وی که دارای مدارک کارشناسی در رشته‌های روانشناسی و حقوق است بیشتر اوقات خود را در این مرکز می‌گذراند.**

**از فعالیت‌های فرهنگی‌تان بگویید.**

در سال‌های ۵۰ تا ۵۵ به تئاتر و کارگردانی علاقه‌مند بودم و کارهایی را از یفصلی، ساعدی، بشر دوست و بن جانسون به صحنه بردم. در سال ۵۹ فرهنگ زندگی‌نامه‌ها را با همکاری یک تیم تحقیقاتی ده نفره پایه‌گذاری کردم تا اینکه در سال ۶۹ توانستم آن را منتشر نمایم، که این کتاب بعد از دایرةالمعارف بزرگ اسلامی شایسته تقدیر داوران شد و به عنوان کتاب سال ۶۹ برگزیده شد. مجموعه آن ۳۰ جلد بود و تا ۴ جلد آن هم منتشر شد.

پس از آن نزدیک به ۳۰۰ مقاله در نشریه‌های مختلف نوشته‌ام. همچنین در مجلدات ۱ تا ۸ دایرةالمعارف تشیع مقالاتی ارائه داده‌ام. در نشریه‌های محلی مازندران مثل در قلمرو مازندران و گیله‌وا و در پژوهش‌های خراسان‌شناسی نیز مقالاتی دارم. فصلنامه «اباختر» هم که تاکنون توانسته‌ایم چهار شماره از آن را منتشر کنیم. در شماره اول به صورت کتاب بود اما از شماره سوم توانستیم مجوز فصلنامه بگیریم و اباختر را به صورت فصلنامه منتشر کنیم، در جریان است. شماره بهار و تابستان آن بزودی منتشر می‌شود.

در این نشریه بسیاری از نویسندگان بلندپایه و با سوابق درخشان در حال همکاری ما با هستند. «اباختر» مجموعه‌ای است شامل مطالب ایران‌شناسی و بویژه مطالب مربوط به مازندران. اگر چه اباختر زبان مازندران است اما نگاه و هدف ما این است که «اباختر» نشریه‌ای جهانی باشد و به اعتقاد ما شده است. مخاطبان ما در آمریکا، اروپا و همه جای ایران هستند و آن را دریافت می‌کنند و برای ما نامه می‌نویسند و E-mail می‌فرستند.

**مرکز مطالعات ایرانی چه فعالیت‌هایی دارد؟**

اینجا مرکز انتشارات پژوهش‌های فرهنگی است و در جهت گسترش فرهنگ این مرز و بوم و هر چیزی که مربوط به دانش ناب باشد فعالیت دارد. انتشار هر کار علمی و دانشی از هر جای دنیا باید و به فرهنگ ما کمک کند، از وظیفه‌های ماست. تاکنون کتاب‌های آداب و رسوم و فرهنگ مردم سوادکوه نوشته سرکار خانم فریده یوسفی، دانشوران ساری نوشته استاد حسین اسلامی و مجموعه سروده‌های آقای کبیری را با عنوان «تلاوینگ تی‌تی‌ها» به معنی صبح خروس‌خوان شکوفه‌ها منتشر کرده‌ایم. همچنین اینجا مؤسسه پژوهشی فصلنامه اباختر و مرکز انجمن ادبی ـ هنری مازندران است. علاوه بر اینها مرکز تعاونی ناشران اباختر نیز هست و جلسه‌های تعاونی ناشران استان مازندران در این مکان تشکیل می‌شود.

همچنین در روزهای دوشنبه هر هفته نویسندگان، شاعران و محققان استان در اینجا جمع می‌شوند و آخرین پدیده‌های تحقیقی و ادبی خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. علاوه بر اینها مرکز مطالعات ایرانی تلاش دارد به کسانی که در زمینه مازندران در دوره‌های فوق لیسانس و دکترا پژوهش می‌کنند منابع و اطلاعات ارائه دهد و تمام تجربیات خود را بدون چشمداشت و رایگان در اختیار آنها بگذارد.

**آیا مرکز مطالعات ایرانی از جایی حمایت می‌شود؟**

از هیچ جا حمایت مالی دریافت نمی‌کنیم اما حمایت معنوی زیاد، همین که شما روبه‌روی من نشسته‌اید و همین که دیگران به ما اعتنا و توجه کنند و با این مرکز دیالوگ داشته باشند، همین نوعی حمایت است.

**درباره کتابخانه شخصی‌تان توضیح دهید.**

اینها کتاب‌هایی است که از سال ۱۳۳۶ گردآوری کرده‌ام و الان شما فقط بخشی از کتاب‌ها را می‌بینید. در این مکان ۲۰ هزار جلد کتاب موجود است. در اتاق‌های دیگر هم هست، آقای ابرج افشار که یکی از کتاب‌شناسان برجسته ایران و جهان هستند، وقتی به این مرکز آمدند، واقعاً شگفت‌زده شدند و همین طور آقای مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد وقت هم جهت بازدید وقتی به اینجا آمده بودند از دیدن این همه کتاب اظهار تعجب کردند از اینکه یک نفر بتواند این همه کتاب گردآوری کند.

**و انگیزه شما؟**

عشق به ایران، عشق به ملت ایران و عشق به باورهای ایرانی که زیباترین باورهای جهان هستند. اشاعه این فرهنگ و

افشای حقایق تاریخی و فرهنگی از اهداف این فعالیت‌هاست. از نظر مذهبی هم آنچه باوردانشت ما هست، مجموعه باورهای بسیار مقدسی است که ملت ما در طول تاریخ برایش خون‌ها و جان‌ها داده است و این بسیار باارزش و مقدس است.

**از برنامه‌های آینده این مرکز بگویید.**

سه جلد از کتاب «شرح تحلیلی رجال بیهقی» را آماده چاپ دارم. شماره بهار و تابستان فصلنامه اباختر هم در چند روز آینده منتشر می‌شود.

برنامه دیگر دایرةالمعارف بزرگ استان مازندران است که از حیاتی‌ترین کارهاست و باید در آینده انجام شود.

**و حرف آخر؟**

تمام هم و غم مرکز مطالعات ایرانی این است که بتواند جایگاه کوچکی در کار دانش و علم در حد کار خودمان داشته باشیم.

همه باید تلاش کنیم که روزهای روشنی از نظر تحقیقی و پژوهشی برای اهل دانش و پژوهش به وجود آوریم. اباختر باید باشد. مراکز پژوهشی باید باشند تا ما جهان خودمان و پیرامون خودمان را بیشتر بشناسیم و از امکاناتی که داریم برای بهبود حل لسان‌ها استفاده کنیم.

## گفت‌وگوی دوم

**حسین اسلامی پژوهشگری مازندرانی است که در زمینه فرهنگ و تاریخ و ادب مازندران بویژه با نگاهی خاص به تاریخ ساری پژوهش‌ها و مقالات فراوانی دارد. وی که متولد ۱۳۲۶ ساری است خود را به عنوان یک فرهنگی بازنشسته معرفی می‌کند. آثار وی عبارت است از:**

**کارهای انتشار یافته:**

-تاریخ دو هزار ساله ساری «دارالملک مازندران» - ۱۳۷۲

-جغرافیای تاریخی ساری - ۱۳۷۳

-دانشوران ساری - ۱۳۷۸

- تاریخ عنبات عالیات

کارهای در دست تألیف:

-تاریخ معاصر مازندران از نادرشاه تا رضاشاه

-موقوفات ساری

-همکاری در تألیف دایرةالمعارف بزرگ مازندران

**کارهای آینده:**

-تاریخ معاصر ساری

-ساری در دو انقلاب «انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی»

**چه شد که به کارهای پژوهشی روی آوردید؟**

من در بهترین موقعیت شغلی و اداری بعد از ۲۵ سال داوطلبانه خودم را بازنشسته کردم که فرصت داشته باشم به کارهای پژوهشی مورد علاقه‌ام بپردازم. در مشاغل اداری رده بالا آن قدر شلوغ است که حتی نمی‌شود ایستاد، چه رسد به اینکه بنشینی. گشنم و گشنم و چون آدم ناتوانی بودم و ضعیف به تاجار جای خلوتی را گیر آوردم؛ بزرگراهی که دارم تک و تنها در آن قدم می‌زنم و سخت مشتاقم دیگران نیز به من بپیوندند و تلاش کنند. اینجا جای بسیار خلوت و آرامی است. نان و نام ندارد ولی قطعاً پیش خدا بدون اجر و مزد نیست.

**با توجه به اینکه شما را به عنوان پژوهشگر تاریخ و فرهنگ مازندران می‌شناسند، بیشتر کارهای شما در زمینه تاریخ ساری است. چرا؟**

ما وقتی ۵۰ سال به عقب بر می‌گردیم شاید بشود گفت بدون اغراق ساری یعنی همه مازندران. از سوادکوه که حرکت می‌کنید تا مرز گرگان فعلی می‌شود ساری. البته ۵۰ سال پیش را می‌گویم وقتی من می‌گویم ساری تقریباً نگاهم به همه مازندران است. ولی اگر بخواهم تاریخ ۵۰ ساله اخیر را بنویسم، بله این شاید خودخواهی به نظر بیاید. اما ۵۰ سال پیش تاریخ ساری یعنی تاریخ مازندران یا طبرستان.

**و کتاب‌هایتان؟**

در کتاب اول به تاریخ سیاسی ساری پرداخته‌ام. کتاب دوم جغرافیای تاریخی است، مهای آدم‌ها، شخصیت‌ها و در کتاب سوم آمدم ببینم مردم چه کرده‌اند؛ به دانشوران و نخبگان در همه زمینه‌ها پرداختم و تاریخ عنبات را به اعتبار ارادتی که مثل همه ایرانی‌ها به آئمه تشیع دارم و دارم، نوشتم. و الان در تاریخ معاصر و مشروطه حرف‌های ناگفته زیادی داریم که بخشی از تاریخ ایران و مطالب ناگفته تاریخ مازندران در آن نهفته است.

**برنامه‌های آینده شما چیست؟**

باید تاریخ پهلوی‌ها را بنویسم، از ۱۳۰۵ شروع کنم و بیایم تا بهمن ۵۷ که بخش مهمی از تاریخ این منطقه است.

و دیگر اینکه در این فکر هستم اگر خدا بخواهد مرکزی با عنوان مرکز ساری شناسی یا پژوهشکده فرهنگی ساری راه‌اندازی کنم. برای این منظور زمینی خریده‌ام در بهترین نقطه شهر وقف سیدالشهدا کرده‌ام که کتاب‌های شخصی من آنجا برود که ان شاءالله جوان‌هایی که می‌آیند و در راه هستند، جایی داشته باشند برای پژوهش. در ادامه کارهایم همین کار تاریخ مازندران را ادامه خواهم داد.

**جایگاه کارهای پژوهشی را در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بدون پژوهش ما مصرف‌کننده هستیم و تا زمانی که مصرف‌کننده هستیم آقا و سرپا نیستیم. ما باید خودمان تولید فکر کنیم. آن وقت است که می‌توانیم بگوییم استقلال داریم.

**اگر حرف دیگری در پایان دارید، بفرمایید.**

باید از شور به شعور برسیم. با شعار نمی‌توانیم کار پژوهش را جا بیندازیم. راه اصلی که ما گم کرده‌ایم این است که باید آدم بسازیم. مدرسه‌ای و راهسازی و پل سازی و ماشین‌سازی را کشورهای عقب‌مانده آفریقایی هم بلد هستند. آدم‌سازی مهم است که پایه و اساس آن پژوهش است. آنهایی که می‌خواهند ایران سربلند بماند به کار فرهنگی اهمیت دهند که پژوهش زیربنای آن است. آن وقت همه چیز شما حفظ می‌شود و می‌توانید استقلال واقعی به دست آورید.

## کتابخانه عمومی مرکزی ساری

کتابخانه عمومی مرکزی ساری (میدان امام ساری) در حدود ۴۰ هزار جلد کتاب و ۴۰۰۰ عضو فعال دارد.

خانم افضلی سرپرست کتابخانه مرکزی ساری بی‌مشکل نیستیم. به عنوان مثال امکانات سمعی و بصری کامل برای ارائه خدمات به مراجعان و فضای مناسب و گسترده نداریم.

احمد کامران کتابداری که به صورت قراردادی در این کتابخانه کار می‌کند و مسؤول راه‌اندازی شبکه رایانه‌ای است در مورد کارش گفت: قصد داریم سیستم اطلاع‌رسانی کتابخانه را کامپیوتری کنیم که البته در ابتدای مسیر هستیم و فعلاً بخش امانات و خدمات فنی و فهرست‌نویسی را برنامه‌ریزی کرده‌ایم. اهداف بعدی این است که شبکه اطلاع‌رسانی گسترده‌تری را راه‌اندازی کنیم.

خانم ابراهیمی، کتابدار کتابخانه مرکزی ساری که ۲۸ سال سابقه کار دارد در مورد تاریخچه اولین کتابخانه عمومی ساری گفت: اولین کتابخانه عمومی زیرنظر شهرداری ساری بود و در سال ۱۳۴۳ زیر نظر اداره فرهنگ و هنر با ۱۴۰۰ جلد کتاب شروع به کار کرد. من الان در حال گردآوری تاریخچه پیدایش و تحول کتابخانه‌های عمومی ساری هستم که قرار است توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد استان مازندران چاپ و منتشر شود.

ما در طول روز ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ مراجعه کننده داریم. حتی از شهرستان‌های اطراف هم می‌آیند چون از نظر کتاب‌های موجودی غنی است.

## گزارش آماری از کتابخانه‌های عمومی استان مازندران تا پایان سال ۸۱

طبق گزارش کارشناس امور کتابخانه‌های عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران آمار کلی کتابخانه‌های عمومی این استان ۴۵ کتابخانه است که از این تعداد ۷ کتابخانه درجه یک، ۱۷ کتابخانه درجه دو، ۱۸ کتابخانه درجه سه و ۳ کتابخانه درجه چهار می‌باشد.

قدیمی‌ترین کتابخانه عمومی در سال ۱۳۳۴ در ساری تأسیس شده است. بیشترین کتاب در کتابخانه مرکزی ساری به تعداد ۳۸۶۱۸ جلد موجود است و کمترین کتاب در کتابخانه عمومی رینه لاریجان ۲۲۰۰ جلد است. آمار کلی کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی استان تا پایان سال ۸۱ عبارت است از: ۴۹۲۷۶۶ جلد.

در سال ۸۱ تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی ۲۲۲۷۱۷۸ نفر بوده؛ تعداد اعضای کتابخانه‌ها ۹۲۵۱۲ نفر و تعداد کتاب‌های به امانت داده شده ۱۱۹۰۷۶۹ جلد بوده است.

آرش آذرنگ

**دکتر حمید احمدی پیش از این روزنامه‌نگار بوده، وحالا همزمان مترجم است و مدرس علوم سیاسی. به همین دلیل این آمیزه تخصصی از دکتر حمید احمدی در عرصه تألیف و ترجمه چهره‌ای متمایز ساخته است و بی‌تردید آنچه برای ترجمه بر می‌گزیند می‌تواند پاسخی برای مخاطبان بومی باشد؛ برای مخاطبان و دانشجویانی که به دلیل عدم آشنایی با زبان دوم از بسیاری از متون کلاسیک محروم می‌مانند. دکتر احمدی برای دیدن یکی از دوستانش به تحریریه کتاب هفته آمد، اما نه تنها از وقت دیدارش زدیم، بلکه بسرعت توانستیم بابت تازه‌ترین ترجمه‌اش که تنها دو روز از انتشارش می‌گذشت، یک مصاحبه‌انجام دهیم. مصاحبه‌ای که دکتر احمدی حتی فکرش را نمی‌کرد که در آن هنگام‌گرفته شود. دکتر احمدی که دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است، تحصیلات خود را در علوم سیاسی در دانشگاه تهران و کارلتون (کانادا) به اتمام رساند. وی علاوه بر مقالات متعدد پژوهشی، تاکنون ۲۳ کتاب ترجمه و تألیف کرده است که در کتابشناسی آثار او ذکر شده است. با او درباره وضعیت کتاب‌های علوم سیاسی، اهمیت و جایگاه فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد و چند مقوله دیگر گفت‌وگو کرده ایم .**

## گفت‌وگو با دکتر حمید احمدی: نویسنده، مترجم و مدرس دانشگاه

# فرهنگ تازه در حوزه علوم سیاسی

**وضعیت کتاب‌های پایه علوم سیاسی در ایران چگونه است؟**

اصولاً در همه شعبه‌های علوم سیاسی کمبودهافراوان است.می‌دانید که علوم سیاسی شامل چندین مبحث اساسی، یعنی اندیشه سیاسی، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی سیاسی و... است و چون رشته علوم سیاسی رشته بومی ما نیست، طبیعتاًدر همه این گرایش‌هاباشکل تهیه‌متون مواجه هستیم. اگرچه از طرف استادان خوبی چون دکتر حمید عنایت، دکتر حسین بشیریه ، دکتر جواد شیخ‌الاسلامی تلاش‌هایی برای جبران ترجمه متون کلاسیک در این زمینه انجام شده، اما در مقایسه باوجودمتون لازم در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی اختلاف بسیار فاحش است. مثلاًدر زمینه مبانی علم سیاست آنجادهها کتاب وجوددارد ولی در ایران شاید یکی دو کتاب خوب بیشتر ترجمه نشده باشد.

**وضعیت فرهنگنامه‌های علوم سیاسی به چه شکلی است؟**

در این زمینه مشکلات خیلی جدی است. یادم می‌آید در زمان دانشجویی من در سال ۵۶ تنها کتاب مرجع در این زمینه «فرهنگ سیاسی» داریوش آشوری بود. هر چند از آن زمان تاامروز وضعیت کتاب‌های فرهنگنامه و دانشنامه‌ای پیشرفت‌هایی داشته ولی در مقایسه با غرب به طور کلی ما فقر بسیاری داریم.

**بعد از «فرهنگ سیاسی» چه کتاب‌هایی در این حوزه تألیف یا ترجمه شده است؟**

افرادی برای نوشتن فرهنگنامه در این حوزه تلاش‌هایی کردند،ولی چون تخصص در زمینه فرهنگ‌نویسی نداشتند، کتاب‌های شاخصی در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی و بالاخص دانشنامه و فرهنگنامه تألیف نشد.

**فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد چه برتری نسبت به دیگر فرهنگ‌های علوم سیاسی داشت که به سراغ آن رفتید؟**

آکسفورد به دلیل نهاد آموزشی کم‌نظیر خود (دانشگاه آکسفورد) و همچنین به خاطر کارهای اساسی که در زمینه تألیف کتب انجام می‌دهد، جایگاه ویژه‌ای در جهان انگلیسی‌زبان و حتی غیرانگلیسی‌زبان دارد. مثلاً شما نگاه کنید به تدوین فرهنگ‌های مختلف آن، چه در حوزه زبان و چه فرهنگ‌های گوناگونی که در هر زمینه‌ای منتشر کرده

**◆ شهرت فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد از تمام فرهنگ‌های این حوزه بیشتراست چراکه وسعت واژه‌پردازی و تعداد متخصصان آن تقریباً یگانه می‌باشد**

است. همه اینها برتر بودن این نهاد بزرگ علمی را اثبات می‌کند. اگرچه بعضی‌ها آن را با ویستر و مانند آن مقایسه می‌کنند،ولی به دلیل دامنه کار آکسفورد،نهادی‌های آموزشی یاانتشارات آمریکای شمالی به پای آن نرسیده‌اند، به همین خاطرهم هست که آکسفورددر خیلی از شهرهای آمریکای شمالی شعبه دارد ولی همین وضعیت را انتشاراتی‌های آمریکایی در اروپانداردند.

**یعنی در حوزه علوم سیاسی، مثلاً دانشگاه هاروارد با آن پیشینه، چنین فرهنگی را تدوین نکرده است؟**

شهرت فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد از همه بیشتر است. وسعت واژه‌پردازی و تعداد متخصصان آن تقریباًیگانه است. البته هاروارد و خیلی جاهای دیگر هم فرهنگ علوم سیاسی دارند، اما هیچ‌کدام به جامعیت این فرهنگ نیستند؛ حتی فرهنگ علوم سیاسی هاروارد هم خیلی شهرت ندارد.

**آقای دکتر، سرویراستار این کتاب، ایان مک‌لین، فرد مشهوری نیست...**

استاد علوم سیاسی دانشگاه آکسفورد است و در این کار تیم گسترده‌ای عمدتاً از اساتید دانشگاههای اروپا را سرپرستی کرده است.

**حالا جدای از اسنادی چه کارهای شاخصی در این حوزه انجام داده است؟**

من چندان حساسیتی در این مورد نداشتم، چون خود مک‌لین این فرهنگ راتألیف نکرده است، بنابراین توجهی به سابقه‌او نداشتم.

**بیشتر از هر دانشگاهی، استادان دانشگاه Warwick در این فرهنگ مشارکت داشتند. این دانشگاه در رشته علوم سیاسی چه جایگاهی دارد؟**

Warwick چندان شناخته شده نیست. این دانشگاه فقط در دپارتمان علوم سیاسی خیلی مدرن و پیشرفته است که به همین دلیل بیشتر نویسندگان فرهنگ را از آنجا انتخاب کرده‌اند.

**آیا این ترجمه از روی آخرین ویراست فرهنگ علوم سیاسی انجام شده؟**

بله، این کتاب در نیمه دوم دهه نود نوشته شده و من وقتی برای ترجمه ویراست جدیدتر آن جست‌وجو می‌کردم، چیزی نیافتم.

**یکی از ویژگی‌های کتاب طرح مباحث بسیار جدید در حوزه علوم سیاسی است. در این مورد توضیح می‌دهید؟**

خیلی از مسائلی که در کتاب مطرح می‌شود تا امروز در ایران مطرح نبوده است، مثلاً شیوه‌های تقسیمات کشوری در اروپا، حکومت‌های محلی، بحث‌های سیاستگذاری عمومی و یا شیوه‌های انتخابات، رفتارهای انتخاباتی و... معمولاً در متون علوم سیاسی کمتر مورد توجه بوده و حتی بعضی از مدخل‌های کتاب غریب به ذهن است؛ تا جایی که با مطالعه این کتاب متوجه می‌شویم چه حجم گسترده‌ای از مباحث گوناگون علوم سیاسی را نمی‌شناخته‌ایم.

**ترجمه این فرهنگ هزارصفحه‌ای چقدر زمان برد؟**

حدود یکسال و اندی زمان برد، اما تصحیح چندباره و...تقریباًدوسال وقت مرا گرفت. البته یکی از دلایل طولانی شدن زمان ترجمه وسواس من بود، بخصوص در مورد اصطلاحات خاصی که چندان ربطی به علوم سیاسی نداشت و مجبور بودم مدت‌ها دنبال معنای آنها بگردم.

**درباره این اصطلاحات خاص ماجراهای جالبی هست. مثلاً دکتر بشیریه پس از ترجمه لویاتان گفته بود برای بعضی از آنها مجبور شده در طول سفرهایشان به جاهای پرت و دورافتاده‌ای بروند تا بتواند معنی یک اصطلاح را بیابد. از این موارد در کتاب شما هم بود؟**

نه به اندازه لویاتان، چون آن کتاب مربوط به ۳۰۴ قرن پیش است، اما در حد خودش این کتاب هم اصطلاحات عجیب و غریب کم نداشت، مثلاًاصطلاح Hogcycle (دور آزمنده) که ژوزف شومپتر نظریه‌پرداز معروف اقتصاد و واضع تئوری‌های امپریالیسم آن را وضع کرده، اصلاًدر فارسی معادل نداشت. من از چند نفر از استادان اقتصاد سیاسی هم که معنای آن را بر سیدم نمی‌دانستند، در هیچ فرهنگی هم پیدا نشد، آخر سر برای آن یک واژه ساختم.

**حالا که این کار تمام شده است، آیا قصد دارید خودتان فرهنگی تألیف کنید که با نیازهای دانشجویان ایرانی منطبق باشد؟**

تخیراً(می‌خندد) چون نوشتن چنین فرهنگی خیلی وقت‌گیر است و به نظر من کارهای ضروری‌تری در این حوزه هست که فکر می‌کنم جامعه به آنها بیشتر نیاز داشته باشد.

**این ضرورت‌ها را نام می‌برید؟**

در ادبیات علوم سیاسی، یکی از ضرورت‌ها بحث آثار کلاسیک است که خوشبختانه بعضی از آنها ترجمه شده یا در حال ترجمه است. مثلاًلویاتان هابز، کتاب‌های جان لاک و کلاسیک‌هایی چون افلاطون و ارسطو. ولی در مورد متون مدرن هنوز جالی خالی زیادی وجود دارد. مثلاً«لئوتریالیسم» کنت والتز یا«نظام جهانی سرمایه‌داری» امانوئل والرشتاین و خیلی کتاب‌های دیگر که واضع تئوری هستند، هنوز ترجمه نشده‌اند. از دیگر کارهای خوبی که در غرب انجام می‌شود ولی متأسفانه در ایران ما از ترجمه آنها غافلیم، کتاب‌های مجموعه‌ای است، یعنی مثلاًمقالات کلاسیک ۲۰ نویسنده برجسته در یک حوزه را به صورت یک کتاب مستقل چاپ می‌کنند که باعث می‌شود خوانندگان از طریق آن با متون اساسی علوم سیاسی آشنا شوند.

**کدام یک از گرایش‌های سیاسی در ایران بیشتر مورد توجه بوده است؟**

اندیشه سیاسی خیلی مورد توجه بوده است و روی آن کار شده،ولی دیگر تئوری‌ها و کارهای پایه مورد توجه نیست.

**آقای دکتر، تأکید شما بر ترجمه است حالا جدای از اینکه وضعیت ترجمه چندان قابل قبول نیست، فکر نمی‌کنید باید روی تألیف بیشتر کار شود؟**

می‌دانید که علوم سیاسی گرایش‌ها و دروس مختلفی دارد، مثلاًفرهنگ سیاسی خودش یک عرصه است، سیاست مقایسه‌ای یک عرصه دیگر. ممکن است بعضی‌ها در یک حاشیه خاصی کار کرده باشند، مثلاًدکتر شیخ‌الاسلامی به حوزه سیاست خارجی ایران توجه داشت یا دکتر حمید عنایت به مسائل خاورمیانه و اندیشه سیاسی...

**منظورم این بود که آیا نباید توازنی بین ترجمه و تألیف وجود داشته باشد؟**

چرا اگر چنین شود، علوم سیاسی ایران به مرحله تکاملی خود گام گذاشته است. بااین همه به‌دلیل غیربومی بودن علوم سیاسی، باید در زمینه ترجمه متون کلاسیک و نیز آثار نوین این رشته و سایر رشته‌های علوم اجتماعی تلاش بیشتری شود.

**بیشتر آثار شما به مسائل خاورمیانه و بحث قومیت اختصاص دارد؟**

### کتاب‌شناسی آثار دکتر حمید احمدی ۱۳۳۶-

**الف: کتاب‌های تألیفی**

۱- سیری در اندیشه حزب بعث در جهان عرب، تهران، ۱۳۶۰

۲- ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۸ (چاپ دوم ۱۳۷۷)

۳- قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸ (آماده چاپ سوم)

۴- جریان‌های فکری نوین در خاورمیانه (چاپ نشده)

۵- ثبات سیاسی و جامعه‌مدنی در کشورهای ناهمگون: لبنان و دموکراسی اجماعی (زیر چاپ).

**ب: کتاب‌های ترجمه شده**

۱- فرد براتفمن، جنگ مخفی در لائوس، تهران: قلم، ۱۳۵۹

۲- مجید خدوری، تجدید حیات سیاسی اسلام، تهران: الهام، ۱۳۶۰

۳- مجید خدوری، ناسیونالیسم، سوسیالیسم و کمونیسم در جهان عرب، تهران: الهام، ۱۳۶۱

۴- ویلیام کوانت و فؤاد جابر، تاریخ انقلاب فلسطین، تهران: الهام، ۱۳۶۲

۵- زبیگنیف برژینسکی، اسرار سقوط شاه و گروگانگیری، تهران: دهقان، ۱۳۶۲

۶- غازی خورشید، تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳

۷- جیمز بیل، عقاب و شیر: تراژدی روابط ایران و آمریکا، انتشارات سفیر (چاپ نشده)

۸- زبیگنیف برژینسکی، سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، تهران: سفیر، ۱۳۶۸

۹- فیلیپ اگی، سیاو جمل اسناد، (چاپ دوم) تهران: کیهان، ۱۳۷۲

۱۰- ژیل کوپل، پیامبر و فرعون: جنبش‌های نوین اسلامی در مصر، تهران: کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۲

۱۱- هرایر دکمجیان، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، چاپ سوم، تهران: کیهان، ۱۳۷۷

۱۲- ژنرال دایر، مهاجمان سرحد، مبارزات سرداران بلوچ ایرانی با انگلستان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸

۱۳- مویسی پرسیتس، بلشویک‌ها و نهضت جنگل، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۰

۱۴- مجموعه نویسندگان، شریعتی در جهان: نقش دکتر علی شریعتی در بیدارگری اسلامی معاصر (چاپ پنجم)، تهران: شرکت انتشار، ۱۳۸۰

۱۵- اسرار کودتا: اسناد CIA درباره سرنگونی دولت مصدق، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

۱۶- فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲

**دارد آیا ترجمه کتاب فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد به معنی فاصله گرفتن از کارهای قبلی است؟**

باوجوداینکه کار اصلی من بررسی ابعاد مختلف مسائل خاورمیانه و هویت ملی و اقوام ایرانی است، اما این کتاب به دو جهت باعث شد که کار اصلی خودم را رها کنم. یکی اینکه ما فرهنگ علوم سیاسی جامع نداشتیم و ضرورت این کتاب وقتی آشکارتر می شود که بدانیم رشته علوم سیاسی در کشور ما گسترش زیادی یافته و با وجود دانشگاه آزاد و بسیاری از دانشگاههای دولتی، ضرورت یک چنین فرهنگی خیلی احساس می شد.

دوم اینکه؛ چون متن انگلیسی فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد موجود است، به خاطر ناتوانی دانشجویان در ترجمه متون تخصصی، من با پیشنهاد ناشر اقدام به ترجمه این کتاب کردم تا دانشجویان به شکلی با شیوه ترجمه هم آشنا شوند.

**جالب است که در مقدمه کتاب یکی دو جمله در اهمیت و جای خالی چنین کتابی در ایران گفته‌اید و بقیه مقدمه را به اهمیت ترجمه اختصاص داده‌اید...**

ببینید، اصولاً یکی از مشکلات ما در رشته‌های علوم اجتماعی غربی بودن آنهاست، بنابراین متفاوت با الهیات، ادبیات و تاریخ هستند. پس تا دانشجو زبان نداند، نمی تواند پیشرفت اساسی کند.

**کار بعدی شما چیست؟ آیا همچنان به دنبال خلأها می گردید یا به حوزه مورد علاقه‌تان (مسائل خاورمیانه و ایران) خواهید پرداخت؟**

کارهای بعدی من بیشتر در همان حوزه خاورمیانه و مسائل ایران است. البته توجه داشته باشید که گاهی فرد در برابر چند گزینه

## دو ترجمه تازه دکتر حمید احمدی به نام‌های «پان ترکیسم» و «از فراسوی مرزها: گستره جهانی اندیشه‌های دکتر علی شریعتی» بزودی به بازار عرضه می‌شود

قرار می گیرد من رشته علوم سیاسی خوانده‌ام و همین رشته را درس می دهم، پس یک تعهدی به این رشته به عنوان یک کل دارم. وقتی می بینم که این رشته کمبودهایی دارد، لازم می دانم که وارد این حوزه شوم و کمبودها را تا حدی رفع کنم، اما علاقه اصلی من همان مسائل خاورمیانه و ایران است.

**الان روی چه کتابی کار می کنید؟**

همین روزها تازه‌ترین ترجمه من به نام «پان ترکیسم» از سوی نشر نی به بازار می آید. همچنین مجموعه مقالات نویسندگان خارجی درباره اندیشه‌های دکتر علی شریعتی تحت عنوان «از فراسوی مرزها: گستره جهانی اندیشه‌های شریعتی» را ترجمه کردم که انتشارات قصیده‌سرا زیر چاپ دارد. در کنار ترجمه، اخیراً بیشتر به کارهای تالیفی مشغول هستم. سیر تحول روابط ایران و عربستان سعودی، سیاست و حکومت در خاورمیانه، و همچنین آماده‌سازی مجموعه مقالاتی پیرامون هویت ملی ایرانی و اقوام ایرانی از جمله این کارهاست.

**ممکن است درباره تازه‌ترین ترجمه خود یعنی «پان ترکیسم» توضیح دهید؟**

همانگونه که می دانید پان ترکیسم یکی از عمده‌ترین ایدئولوژی‌های سیاسی خاورمیانه اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم بوده است. گرچه مقدمات جمهوری ترکیه از اواسط قرن بیستم به بعد به طور کلی نسبت به تحقق اهداف ایدئولوژی پان ترکیسم دچار شک و تردید و ناامیدی شدند، اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه نود، باعث ظهور امیدهای تازه پان ترکیست ها برای ایجاد «جهان ترک» شد. کتاب پان ترکیسم در واقع تنها کتاب علمی معتبر در این زمینه است که همه نویسندگان مسائل خاورمیانه به آن ارجاع می دهند و به یکی از متون کلاسیک پیرامون این ایدئولوژی سیاسی تبدیل شده است. کتاب سیر تحول این ایدئولوژی را از آغاز (اواخر قرن ۱۹) تا اواسط دهه ۱۹۹۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و استراتژی نوین ترکیه جهت تحقق اهداف پان ترکیسم در قرن ۲۱ در آسیای میانه، قفقاز و سایر مناطق دارای جمعیت‌های ترک زبان را بررسی می کند.

---

گفت‌وگو

سایر محمدی

### گفت‌وگو با محمدحسن طباطبایی

# در فاصله نشر و تألیف

**محمدحسن طباطبایی متولد ۱۳۲۴ تهران، در رشته ادبیات و علوم انسانی تحصیل کرده و در رشته تاریخ موفق به اخذ لیسانس شد و در رشته علوم سیاسی فوق لیسانس گرفت. پس از ۱۷-۱۶ سال کار دولتی به همراه گروهی از مترجمان چون عبدالرحمن صدریه، لیلی گلستان و... شرکت نشر آبی را تأسیس کردند. اما پس از چند سال هر کدام مسیری جدا را در پیش گرفتند و محمدحسن طباطبایی به عنوان مدیر مسؤول نشر آبی فعالیتش را پی گرفت. تاکنون نزدیک به ۱۲۰ عنوان کتاب توسط این مؤسسه انتشاراتی چاپ و منتشر شده است. طباطبایی در سال‌های اخیر «یادداشت‌های پراکنده رجال پهلوی»، «یادداشت‌های منتشر نشده آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی» پیرامون وقایع جنبش مشروطه و جلد دوم «حکایت‌هایی از رجال عصر پهلوی» را نوشته که دو کتاب اول به بازار آمده و کتاب سوم در مرحله آماده‌سازی است.**

**آقای طباطبایی، گویا پایان‌نامه تحصیلی شما «نقش سیدمحمد طباطبایی در انقلاب مشروطه» بود...**

همین طور است که می گویید. سال ۴۹ که سال آخر دوره لیسانسم را در دانشگاه ملی سابق می گذراندم، با توجه به نسبت فامیلی که با سیدمحمد طباطبایی داشتم و رشته تحصیلی‌ام که تاریخ بود، با توصیه محمد اسماعیل رضوانی -از استادان بنام و متخصص در تاریخ قاجاریه- برای رساله پایان نامه تحصیلی‌ام با توجه به مدارک و اسنادی که در خانواده ما موجود بود، به نقش سیدمحمد طباطبایی در انقلاب مشروطه پرداختم.

**چرا این رساله را طی این سه دهه منتشر نکردید؟**

واقعیتش این است که فرصت این کار به علت گرفتاری‌های زیاد و مشغله‌های روزمره پیدا نشد. اما حالا دیدم بهترین زمان برای چاپ این رساله امروز است. می دانید که چهارده مرداد امسال دقیقاً مطابق با صدسالگی تأسیس مجلس و فرمان مشروطیت است که به امضای مظفرالدین شاه رسید. به همین خاطر چاپ این یادداشت ها در موقعیت خوبی به بازار آمد.

**«یادداشت‌های منتشر نشده سیدمحمد طباطبایی» چه تفاوت‌ها و چه افزوده‌هایی نسبت به رساله تحصیلی شما دارد؟**

این کتاب در واقع مکمل آن پایان‌نامه است. به هر حال سه دهه از آن زمان گذشته، عکس هایی که در این کتاب آورده‌ایم در آنجا نبود. یادداشت‌ها هم که عیناً دستخط مرحوم طباطبایی است.

**آقای طباطبایی، آثار دیگری هم در قالب کتاب یا رساله از ایشان باقی مانده یا منتشر شده است؟**

از مرحوم طباطبایی چیزی ندیده‌ام. این یادداشت ها همین طور که یادآور شدم، نشان می دهد که مرحوم طباطبایی علیرغم اوضاع و احوال حاکم دوره قاجاریه اهل تحقیق بوده، دنبال فراگیری زبان بوده، زبان فرانسه را تمرین می کرده و دستخط هایی که از ایشان در این دفترچه وجود دارد حاکی از این است که اهل شعر بوده، ایشان بیشتر به اشعار یغمای جندقی علاقه داشته. مسأله عمده‌ای که باید بگویم و در کتب تاریخ مشروطیت هم هست این است که مرحوم طباطبایی علیرغم اوضاع جو استبدادی آن روز در تویر افکار مردم نقش داشته است. اولین مدرسه‌ای که به سبک امروزی درست شد مدرسه مبارکه اسلام بود که در ۱۳۱۷ ه . ق علیرغم مخالفت های خیلی زیاد علمای متحجر در تهران توسط وی تأسیس شد؛ به ریاست پسرشان مرحوم سیدمحمدصادق طباطبایی و نظامت مدرسه با ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدکرمانی بود. می دانید که الان از معتبرترین تاریخ های مشروطیت که داریم تاریخ بیداری ایرانیان است که ناظم‌الاسلام کرمانی نوشته و ایشان به خاطر نظامتی که در این مدرسه داشتند و ناظم این مدرسه بود، مرحوم سیدمحمدصادق طباطبایی فرمان این لقب ناظم‌الاسلامی را برای ایشان گرفت و یکی از کارهای خیلی مهم طباطبایی همین ایجاد مدرسه به سبک امروز بود و چون مردم دیدند که رهبریت این کار به عهده مرحوم طباطبایی است، آن را پذیرفتند و بچه‌هایشان را می فرستادند به این مدرسه. این شروع و آغازی بود برای افتتاح مدارس به سبک امروز.

---

گفت‌وگو

معصومه تیرگریان

### گفت‌وگو با احمد نیکوهمت

# شاعران در سنگر مطبوعات

**احمد نیکوهمت، سال ۱۳۰۳ در تهران متولد شد و لیسانس حقوق و ادبیات را از دانشگاه تهران گرفت. وی با تألیف بیش از سی عنوان کتاب و نگارش مقالات متنوع در زمینه‌های گوناگون ادبی، تاریخی و اجتماعی در نشریات کشور خدمات ارزنده‌ای در جهت اعتلای فرهنگ و ادب کشور انجام داد. اولین کتاب نیکوهمت «شاعراه کمال» در سال ۱۳۲۴ منتشر شد و به دنبال آن «حقوق در اسلام» و «زندگانی و آثار بهار» و «تحولات اجتماعی و ادبی» و «نگاهی به تاریخ مطبوعات» و... را منتشر کرد. تازه‌ترین کتاب وی «شاعران در سنگر مطبوعات» نام دارد که اخیراً به بازار آمد.**

**آقای نیکوهمت، چه شد که به فکر تدوین کتاب «شاعران در سنگر مطبوعات» افتادید؟**

آقای موسوی‌زاده به عنوان یک ناشر از تألیف چنین کتابی اطلاع پیدا کردند و به من مراجعه کردند و اظهار داشتند که این کتاب را من می خواهم چاپ کنم. این کتاب را در حدود ۷۵۰ صفحه تألیف و منتشر کردم که استقبال زیادی هم از آن شده است. این کتاب به عنوان یک متن درسی می تواند در دانشگاهها تدریس بشود. در واقع بسیاری از شاعران فارسی زبان که در ایران، هندوستان، پاکستان، مصر، آمریکا و... بودند و اشعاری داشتند؛ در ضمن روزنامه‌نگار هم بودند یا صاحب امتیاز نشریه و مجله‌ای بودند، به صورت جامع همه را در این کتاب معرفی کردم و نمونه‌ای از بهترین اشعارشان را آورده‌ام. از بین این افراد مثلاً اعتضادالسلطنه یکی از روزنامه‌نگاران و مورخان عصر ناصرالدین شاه و اولین وزیر معارف بود. یا میرزا آقاخان کرمانی و حاج میرزا یحیی دولت آبادی، طالبوف، مرحوم محمدحسین فروغی (ذکاءالملک اول) و صدها چهره دیگر هستند که من در این کتاب به معرفی آنها پرداختم.

**زندگینامه و نمونه آثار این شاعران در طول سال‌ها کار فراهم آمده یا در محدوده زمانی مشخصی نشستید و درباره آنها نوشتید؟**

من به علت مطالعات عمیقی که در تمام زمینه‌ها داشتم، شروع کردم به نوشتن زندگینامه این افراد تا به مرحله نهایی رسید. البته این کتاب مجموعه‌ای مفصل بود که فعلاً حدود دویست تن از این مشاهیر را معرفی کردم. مثلاً ادیب‌الممالک فراهانی هم یکی از افرادی بود که مورد تأیید امیرنظام گروسی قرار گرفته بود و روزنامه ادب را در تبریز و در مشهد منتشر می کرد و اولین مدیر روزنامه مجلس در تهران ایشان بود، این اطلاعات را من در این کتاب آورده‌ام.

**عنوانی که برای این کتاب انتخاب کرده‌اید، مقداری گنگ است؛ معلوم نیست منظور شما شاعرانی بودند که در مطبوعات قلم می‌زدند یا شاعرانی که در مطبوعات آن عصر اشعار سیاسی و اجتماعی خودشان را چاپ می کردند.**

این شاعران همه صاحب امتیاز و مدیر مسؤول یک نشریه بودند؛ یعنی مؤسسه روزنامه یا مجله‌ای بودند. منظور من هر کسی نبود که قلم به دست می گیرد و چند بیت شعر می نویسد. اغلب این افراد خودشان روزنامه تأسیس کردند و روزنامه‌نگار بودند و در اجتماع از یک موقعیت سیاسی یا اجتماعی و یا فرهنگی ویژه‌ای برخوردار بودند. مثلاً اعتمادالدوله دستغیب جابر انصاری، ملک‌الشعرای بهار، فرصت‌الدوله شیرازی و کاظم‌زاده؛ اکثر این افراد نشریه‌ای داشتند و از نزدیک آنها را دیده بودم.

**شاعرانی که در این کتاب آمده‌اند همه جزو شاعرانی هستند که در قالب کلاسیک شعر دارند.**

خب، بله. بیشتر این شاعران که در این کتاب درباره آنها نوشتم همین طور است که شما می گویید. منتها سابق غیر از قالب کلاسیک قالب های دیگری نداشتیم. جهانگیرخان شیرازی، دهخدای قزوینی، غنی‌زاده، همدانی و... همه اینها در قالب قدیم شعر می گفتند.

**چرا کسانی که در قالب جدید شعر می‌گفتند و به عنوان شاعر شعر نو شناخته می‌شوند، نامشان در این کتاب نیامده است؟**

این افراد، چه کسانی هستند، شما بفرمایید.

**مثلاً احمد شاملو، اخوان ثالث.**

اخوان ثالث که روزنامه‌نگار نبود. هدف من شاعرانی بودند که روزنامه‌ای تأسیس کردند.

**شاملو که روزنامه‌نگار بود و نشریه هفتگی داشت.**

به هر صورت من دکتر رضازاده شفق، عشقی، وحید دستجردی و خیلی ها را معرفی کرده‌ام.

زهرا حاج محمدی

### گفت‌وگو با سودابه مبشر مدیر انتشارات آنا

# در حوزه ایران شناسی

**«آن‌وقت‌ها با کتاب انس و الفتی خاص داشتم. ورود به دانشکده ادبیات به این انس و الفت معنایی تازه و جهتی خاص داد. کتاب دیگر برایم واسطه همدلی و ابزار جدایی از تنهایی‌ها نبود که چراغی بود روشنی بخش برای رسیدن به غایتی که در دوردست‌ها جا داشت و خودشناسی نامیده می‌شد.» سودابه مبشر مدیر انتشارات آنا سابقه آشنایی خود را با کتاب با همین جملات آغاز می‌کند و بعد درباره نحوه ورود خود به دنیای نشر می‌گوید: «پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه به عرصه‌ای وارد شدم که دقیقاً همسو با نگرش‌های من نسبت به کتاب بود و در آن عرصه به تولید کتاب به عنوان یک حرفه نگریسته می‌شد. در جریان این نگاه؛ معیارها و ابزارهای نقد - چه فیزیکی و چه محتوایی - را باز شناختم. طبیعی بود که ارتباط تنگاتنگ با کتاب و ناشران مختلف شوق پیوستن به این مجموعه فرهنگ‌ساز را در من پدید آورد و بی آنکه خود کاملاً آگاه باشم به ناگاه خود را در خیل ناشران یافتم.»**

از مبشر می‌پرسم، در چنین شرایطی و با چنین روایتی، آیا هیچ یک از نزدیکان، اعضای خانواده و دوستان شما از گذشته به کار نشر اشتغال داشتند تا مانند بسیاری دیگر از ناشران، این علاقه‌مندی در شما مورونی شده باشد؟

می‌گوید: خانواده من به اعتباری، خانواده فرهنگی بوده‌اند. کتابخانه عظیمی که متعلق به پدربزرگم بوده و در برگیرنده صدها نسخه خطی ارزشمند، بهترین میراثی است که در خانواده به جای مانده است و به اعتباری می‌توان گفت اگرچه نشر، میراث خانوادگی من نبوده اما کتاب و نشریات بهترین ارثیه به جا مانده از خانواده اجدادی بوده است.

**شاید آن‌وقت انتظار ما از یک ناشر با چنین پیشینی به کتاب، انتشار نوع خاصی از کتاب‌ها باشد که به نوعی با گذشته فرهنگی ما بیشتر در ارتباط باشد؛ حال آنکه، تاریخ، هنر، ادبیات و ورزش موضوعیت عمومی را برای نشر شما در بر دارد.**

به نظر من در عرصه تحقیق خلأهایی وجود دارد و در عرصه هنر و ادبیات هم این دو موضوع آخر قملروهایی هستند که کرانی بر آن نمی‌توان دید و می‌توان دهها و صدها و شاید هزاران عنوان کتاب در موضوعات هنر و ادبیات منتشر کرد و اطمینان داشت که جای خالی دهها و صدها عنوان دیگر هنوز به چشم می‌خورد اما به رغم محدود بودن عناوین کتاب‌هایم کوشیده‌ام تا بهترین‌ها را برگزینم.

**امروز با گذشت نزدیک به هفت سال از تاریخ تأسیس نشر آنا، روند نشر خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ (این آمار در بخش کمی که رشد چندانی نداشته است )**

سال‌های آغازین فعالیت نشر شبیه سال‌های آغازین مطالعاتی خود من بود. یعنی تقریباً هر چه به دست می‌آوردم، می‌خواندم و در این سال‌های حرفه‌ای شدن هر آنچه مناسب تشخیص می‌دادم، منتشر می‌کردم. پیشنهاد آشنایی از کردستان موجب شد که نخستین کتاب مربوط به قلمرو کردستان انتشار یابد و اقبال خوب این مردم، شوقی در من برانگیخت که احساس کردم خلئی در حوزه فرهنگ مکتوب در این قلمرو وجود دارد. در پی اولین کتاب، مترجمان و مؤلفان کرد کشورمان پیشنهادهایی برای انتشار آثارشان دادند و هم اکنون پنج کتاب مربوط به این حوزه منتشر کرده‌ام و شش عنوان نیز در دست نشر دارم. این گام مرا متوجه خلأهای بسیاری در این حوزه کرد. کتاب‌ها در اندک زمانی به پایان رسید و امروز هم بر آن هستم تا هر کتاب پرمایه‌ای در حوزه ایران‌شناسی را منتشر کنم. اما محدود بودن تعداد عناوین کتاب به دلیل مشکل عمده ناشران، یعنی توزیع نامطلوب است. به ضرس قاطع می‌دانم که تک‌تک کتاب‌هایی که منتشر کرده‌ام در صورتی که توزیع مطلوبی در کشور وجود داشت، به چاپ‌های چندگانه می‌رسید اما ضعف توزیع راه را بر تولید کتاب بسته است. البته امروز پس از هفت سال خودم نیز در انتشار کتاب وسواسی‌تر و دقیق‌تر شده‌ام.

**به عقیده شما داشتن الگوی مناسب در نشر نمی‌تواند مشکلات نشر کشور را مرتفع نماید؟ این الگوبرداری می‌تواند در سطح نشر داخلی یا خارجی اتفاق بیفتد. در این صورت شما تا چه اندازه برای رسیدن به الگوهای مناسب تلاش کرده‌اید؟**

بدیهی است که جریان نشر، جریانی رو به تعالی است و اگرچه صنعت نشر در ایران با مشکلات عدیده‌ای مواجه است اما سعی می‌کند همان مسیری را در نوردد که صنعت نشر در مغرب زمین طی کرده است و بخش بزرگی از فعالیت‌های انتشاراتی در ایران و انتشار بسیاری از آثار در واقع الگوبرداری از کتاب‌های غربی است. نگاهی به کتاب‌های مرجع ما که توسط سازمان‌های دولتی و خصوصی بزرگ منتشر می‌شود، نشان می‌دهد که این کتاب‌ها دقیقاً گرته‌برداری از کتاب‌های مرجع فرنگی‌هاست و البته این تقلید بسیار ارزشمند و بی‌خطر است. اصولاً همان طور که صنعت چاپ ما وابسته و پیرو صنعت چاپ مغرب زمین است، صنعت نشر نیز همان مسیر را طی می‌کند و تأکید دارم که اینگونه تقلید به هیچ روی قابل انتقاد نیست. کاش امروز جامعه ما به تقلید از غربیان کتابخوان می‌شد و این تقلید فقط در حوزه تولید کتاب نبود.

**اما امروز وقتی شاهد ورود افراد بیشتری به حوزه نشر هستیم و آمار ناشران به چهار و هشت هزار افزایش یافته است، چه پیش‌بینی برای آینده نشر می‌توانیم داشته باشیم؟ آیا می‌بایست به فکر تدوین قوانین دست و یاگیرتری برای صدور مجوز نشر باشیم یا رقابت را به خود ناشران واگذاریم؟**

وقتی امروز جواز نشر به هر فردی به صرف داشتن مدرک تحصیلی لیسانس داده می‌شود بی‌آنکه فکر شود آیا این فرد به راستی دغدغه‌های علمی - فرهنگی دارد یا خیر، زمینه را برای رانت‌خواری و بهره‌گیری از امکاناتی که اتفاقاً محدود و اندک است، فراهم کرده‌ایم. در نتیجه همان طور که می‌بینیم خیل عظیمی از جوانانی که کمترین تجربه را در زمینه کتاب و نشر دارند و با مسائل نشر بیگانه هستند، به صرف داشتن اعتباراتی که برای ناشران پیش‌بینی شده وارد این عرصه می‌شوند و طبیعی است که از یک سو کتاب‌هایی منتشر می‌شود که فاقد ارزش فرهنگی و علمی است و صرفاً می‌تواند پاسخگوی نیاز بازار در سطح نازل باشد و از طرف دیگر تولیدکنندگان این نوع آثار نازل؛ بخش اعظم اعتباراتی را که برای رشد فرهنگی در نظر گرفته شده، فرو می‌بلعند و حقوق ناشری که به راستی دغدغه فرهنگی دارد؛ ضایع می‌شود.

در نهایت افزایش تعداد ناشران نه از سر نگاه یک رقیب به رقیب دیگر است، بلکه در جامعه‌ای که امکان عرضه کتاب، عمدتاً از طریق کتابفروشی‌هاست و تعداد کتابفروشی‌های کشور ما به سختی به سه هزار باب می‌رسد، وجود بیش از شش هزار ناشر بسیار خطرناک می‌نماید. در کجای دنیا تعداد تولیدکنندگان کالایی بیش از تعداد عرضه‌کنندگان آن است. برای مثال تعداد عرضه‌کنندگان پوشاک در سطح کشور را می‌توان با تعداد تولیدکنندگان آن مقایسه کرد تا وخامت موضوع روشن‌تر شود.

**به نظر شما پاسخگوی این‌همه مشکلات نشر مسؤولان دولتی هستند یا جریان نشر می‌بایست بر اساس قوانین و ضوابط شغلی خصوصی در کنار برخورداری از آزادی‌ها، رقابت و حل و فصل مشکلات خود را در بدنه خصوصی خود دنبال کند؟**

خیر. چرا باید مسؤول دولتی را مقصر دانست. جریان نشر یک جریان تقریباً خصوصی است. رابطه‌ای است بین اندیشه‌ساز و اندیشه جو؛ و ناشر پل ارتباطی بین این دو است. بنابراین مسؤول دولتی را نمی‌توان مقصر دانست. اگر نقصانی در امر نشر وجود دارد که به نوعی به دولت باز می‌گردد، بحث سانسور و ممیزی است.

اما از عمده‌ترین مشکلات صنعت نشر ما، همان گونه که اشاره شد، مشکل توزیع است. به حمدالله از نظر تولیدکنندگان محتوایی کتاب یعنی نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، مصححان و پژوهشگران با کمبود مواجه نیستیم و سرانجام خوانندگان بالقوه بسیاری در اختیار داریم. آنچه در اینجا، حلقه مفقوده زنجیره است، حلقه توزیع است که گسستی در زنجیره صنعت نشر به شمار می‌آید.

**در این زنجیره آیا تفاوتی هم می‌توان میان ناشر پرکار و کم کار به معنای آنچه که حیات این نشر را تضمین می‌کند، قائل شد؟**

به نظر من ریشه پرکاری و کم‌کاری ناشر را باید در عوامل متعدد جست‌وجو کرد. نخست اینکه ناشران پرکار، ناشرانی هستند که غالباً بیش از بیست سال تجربه کار دارند. در بازار کتاب راه خود را پیدا کرده‌اند. با قدرت و صلابت توان توزیع دارند یا امکانات گسترده‌ای را در اختیار دارند. در نتیجه از امکانات مالی بهتری برخوردار هستند و اطمینان دارند هر کتابی را که منتشر می‌کنند می‌توانند با توزیع مناسب به فروش برسانند اما ناشرانی مثل ما که نتوانسته‌ایم در این آشفته‌بازار نشر به پایگاه‌های استوار و زمینه‌های محکم و تثبیت شده‌ای برای خود بیابیم، گویی در عرصه‌ای قدم می‌گذاریم که بسیار لغزنده است و هر زمان امکان سکندری خوردن و با سر فرود آمدن وجود دارد. در هر حال اعتقاد دارم در صورتی که امکان توزیع مناسب کتاب وجود داشته باشد و کتاب‌های چاپ شده به دست مخاطبان آن برسد، در این جامعه هفتاد میلیونی با این تعداد دانشجو و دانش‌آموز که اکثر والدین آنان نیز باسواد هستند، کتابی در انباری باقی نمی‌ماند.

**آیا شما به عنوان یک ناشر زن شاهد برخوردهای خاصی در جمع همکاران خود یا مسؤولان وزارت ارشاد بوده‌اید، یعنی آنچه که احیاناً تفاوت میان ناشر زن و مرد تلقی می‌شود؟**

واقع امر این است که اگرچه در عرصه‌های دیگر حیات فردی و اجتماعی‌ام به عنوان یک زن مورد تبعیض واقع شده‌ام، اما هیچگاه در قلمرو نشر تفاوتی بین ناشر زن و مرد احساس نکرده‌ام و حتی گاه احساس کرده‌ام که زن بودن در تماس با خادمان نشر از چاپخانه چی گرفته تا صحاف و توزیع کننده با نوعی همراهی قرین بوده است. اما آنچه می‌خواهم بگویم دشوار می‌تواند با مسأله جنسیت ربط پیدا کند. این ماجرا برمی‌گردد به اولین کتابی که با شوق بسیار قصد انتشار آن را داشتم و ساده‌لوحانه به ناشری حرفه‌ای اما... نشان دادم تا از راهنمایی‌های او بهره‌مند شوم اما در مراحل لیتوگرافی اطلاع پیدا کردم که کتاب توسط همان ناشر منتشر شده است. او در مدت بسیار کوتاهی فصول متعدد کتاب را به مترجمان متعددی داده و در طرفةالعین با شمارگان ده هزار نسخه آن را منتشر کرده بود. وقتی با همان ناشر این گله را مطرح کردم، گفت: Business is Business یعنی تجربه‌ای باشد برای من که کتاب در دست انتشار خودم را به هیچ ناشری خواه محرم یا نامحرم نشان ندهم. البته این نکته ربطی به جنسیت ناشر ندارد. اما به عنوان یک ناشر زن می‌توانم به جمع صنفی فرهنگی زنان ناشر اشاره کنم که می‌کوشد با برگزاری نمایشگاه‌ها و نشست‌ها تدابیری تازه برای عرضه کتاب‌های بانوان ناشر بیندیشد.

## خبر

### نسخه سوم لوح فشرده «کتیبه» منتشر شد

نسخه سوم لوح فشرده کتیبه حاوی اطلاعات کامل بیش از ۲۰۰ هزار عنوان کتاب‌های منتشر شده از ابتدای سال ۱۳۷۰ تا پایان سال ۱۳۸۱ توسط مؤسسه خانه کتاب تهیه و عرضه شد.

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب، در این لوح فشرده مشخصات کتابشناختی توصیفی و تحلیلی کتاب‌های منتشر شده در دوازده سال ذکر شده که در بانک اطلاعاتی مؤسسه خانه کتاب موجود است، مشتمل بر: عنوان کتاب، نام پدیدآورندگان، ناشر، نوبت چاپ، قطع، قیمت، شمارگان، شابک، محل نشر، موضوع، خلاصه و تصاویر روی جلد کتاب‌ها درج شده است.

در نسخه سوم این لوح فشرده، برای نخستین بار، مشخصات کامل بیش از سه هزار ناشر فعال کشور شامل: عنوان انتشارات، نام مدیر مسؤول، زمینه فعالیت، نشانی، تلفن، دورنگار، نشانی پست الکترونیک، نشانی سایت اینترنتی، تاریخ تأسیس و شماره شناسه شابک نیز قرار گرفته است.

همچنین در این لوح فشرده، امکان جست‌وجوی لغوی بر اساس عنوان کتاب، ناشر، پدیدآورنده و موضوع کتاب‌ها وجود دارد و می‌توان بر اساس رده‌بندی دیوئی و نمایه موضوعی موجود در این نرم‌افزار هم به جست‌وجوی اطلاعات مورد نظر پرداخت.

تهیه اطلاعات آماری از کتاب‌های منتشرشده در سال‌های مختلف و کتاب‌های ناشران، از قابلیت‌های ویژه نسخه سوم این نرم‌افزار است.

در نسخه سوم لوح فشرده کتیبه، اطلاعات مربوط به کتاب‌ها، ناشران و آمارهای نشر به یکدیگر مرتبطند و می‌توان در حین کار با این نرم‌افزار از مشخصات کامل ناشر کتاب مورد نظر و آمارهای مربوط به آن مطلع شد.

لوح فشرده کتیبه قابل نصب بر روی تمامی نسخه‌های ویندوز است. از قابلیت‌های دیگر این نرم‌افزار می‌توان از چاپ کارت برگه، جست‌وجوی دقیق و پیشرفته با استفاده از عملگرهای منطقی جست‌وجو در نتایج جست‌وجو و استخراج تصاویر روی جلد کتاب‌ها و اطلاعات آنها نام برد.

علاقه‌مندان برای تهیه این نرم‌افزار یا کسب آگاهی بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۶۴۶۵۶۴۵ تماس بگیرند و یا به نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و صبای جنوبی، شماره ۱۱۷۸، مؤسسه خانه کتاب مراجعه کنند.

افراد و مؤسسه‌هایی که نسخه‌های پیشین این نرم‌افزار را در اختیار دارند می‌توانند از شرایط ویژه به‌روز آوری لوح فشرده کتیبه بهره‌مند شوند.

مریم جباری

### گفت‌وگو با دکتر حمید فرزام عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

# ترسم ای دوست که ...

**دانش‌آموز سال‌های دور این هفته ما دکتر حمید فرزام از جمله چهره‌های شناخته شده حوزه ادب و فرهنگ است که علاوه بر تألیف آثاری درخور اعتنا، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز هست. دکتر فرزام قلبی رئوف دارد. حتی امروزه که بیش از ۸۰ بهار را گذرانده، وقتی با وی از آن دوران سخن می‌گوییم بغض می‌کند و اشک در چشمانش حلقه می‌زند. این گفت‌وگو را بخوانید.**

دوران طفولیتم (از ۵ سالگی) با خواهرانم به مدرسه اتحادیه در کرمان می‌رفتم. مدرسه مختلط بود و از طرف انگلیسی‌ها اداره می‌شد. آن مدرسه را هیأتی که مسیحی بودند اداره می‌کردند که بیشتر جنبه مذهبی داشت، ولی در خفا به کارهای سیاسی مشغول بودند. چراکه انگلیسی‌ها کارشان استعمار و استثمار کشورها بود.

حافظه دوران طفولیتم خوب بود. معلمی داشتیم به نام فاطمه که من را خیلی دوست می‌داشت. یک روز که می‌خواستم با خواهرم به منزل برویم، من را به دفترش برد و گفت: می‌خواهیم جشن فارغ‌التحصیلی بگیریم و از من خواست شعر مادر را که در آخر کتاب فارسی است، حفظ کنم و در جشن فارغ التحصیلی آخر سال، بخوانم.

**شعر را به یاد دارید؟**

بله!

گویند مرا چو زاد مادر
پستان به دهن گرفتن آموخت
شبها بر گاهواره من
بیدار نشست و خفتن آموخت
یک حرف و دو حرف بر دهانم
الفاظ نهاد و گفتن آموخت
دستم بگرفت و پا به پا برد
تا شیوه راه رفتن آموخت
پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست، دارمش دوست

این قطعه معروف مادر را ایرج میرزا سروده بود و در حالی که خجالت می‌کشیدم در جمع بخوانم و خودم را پشت ستون قایم کرده بودم، دستم را گرفتند و جلو بردند تا شعر را بخوانم. قبل از اینکه شعر را بخوانم برای احترام تعظیم کردم و بعد شروع کردم به شعر خواندن. فاطمه خانم معلممان کمی نگران بود و کنار تالار، کتاب به دست ایستاده بود. ولی من همه شعر را از حفظ خواندم اما خیلی تند تند و فاطمه خانم با دست‌هایش اشاره کرد که آنقدر تند تند نخوانم و بین هر بیت یک نفسی تازه کنم و من هم متوجه شدم و شعرم را کمی آرامتر خواندم.

**آقای فرزام، شما به مکتب ترفتید؟**

نه‌فقط به دبستان رفتم. مدیر مدرسه خانمی ۵۰ ساله و انگلیسی بود. تا کلاس دوم ابتدایی با خواهرانم در همان مدرسه درس می‌خواندم. یادم می‌آید که معلم تاریخ از بچه‌ها امتحان می‌گرفت. من که یک بچه ۵ ساله بودم از تاریخ چیزی نمی‌دانستم. فقط می‌شنیدم چهار سلسله پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان. اینها جزء درس‌هایی بود که بچه‌های بزرگتر از من موقع خواندن کتاب زمزمه می‌کردند.

من وقتی رفتم امتحان بدهم، هرچه معلم از من می‌پرسید، اشتباه می‌گفتم و فقط ۴ سلسله را بیان می‌کردم و تعجب می‌کرد. بعد گفت: خوب، بگو اسمت چیه؟(آن موقع رسم بود بچه‌هایی را که خانواده‌ها دوستشان داشتند، ماشاءالله می‌گفتند) گفتم: اسمم ماشاءالله است. معلم گفت: ماشاءالله به تو ماشاءالله. می‌تونی بری. خوشبختانه نمره بدی نداد، قبول شدم.

**تنبیه در آن دوران رایج بود؟**

در دبستان اتحادیه (تا سال دوم) ما را تنبیه نمی‌کردند. سال دوم زیر کارنامه من مدیر مدرسه نوشته بود که شما سال بعد باید به مدرسه پسرانه بروید. وقتی به دبستان پسرانه (سعادت) رفتم، مدیری داشتیم مقتدر، بزرگوار، دانشمند و بی‌نهایت سختگیر، که تنبیه بدنی هم می‌کرد. ناظم مدرسه هم آقای حمایتی بود. یک روز سرمای شدیدی خوردم و تب کردم و به مدرسه نرفتم. فردای آن روز آقای حمایتی گفت: چرا مدرسه نیامدی؟ گفتم: آقا! مریض بودم. گفت: دستت را بیار جلو، و محکم با تسمه روی دستم زد. خیلی دردناک بود. یک بار هم خطی روی دیوار کشیدم. گفتند چه کسی این کار را کرده است؟ مدادها را از بچه‌ها گرفتند و فهمیدند که این خطوط با مداد من کشیده شده است و دوباره تنبیه شدم.

**هیچ‌وقت برای درس نخواندن تنبیه شدید؟**

نه، من درس‌هایم را خوب یاد می‌گرفتم، مخصوصاً مدیر سختگیر ما، تعجب می‌کرد که چطور من مطالب سنگین را حفظ می‌کنم. مدیر مدرسه جغرافیا درس می‌داد. کتاب جغرافیا، قطع مخصوصی داشت و چاپ سربی داشت. من هم درس جغرافیا را بخوبی می‌خواندم. حتی کلمات اول صفحه و آخر صفحه را به یاد داشتم. برعکس آن به تاریخ چندان علاقه‌ای نداشتم. ولی کلاً به جغرافیا علاقه داشتم. چون در رابطه با آب و هوای قاره‌ها بود و چون نقشه‌هایش در کتاب موجود بود، براحتی یاد می‌گرفتم و همیشه نمره خوبی از جغرافیا می‌گرفتم. البته یک بار به باد دارم مرا بی‌دلیل با شلاق تنبیه کردند و من بشدت مریض شدم و کف دستم سیاه شده بود.

**اوقات فراغتتان را چطور می‌گذراندید؟**

بیشتر کتاب‌های درسی می‌خواندیم، البته گاهی اوقات داستان‌هایی چون: خاورنامه که مربوط به حضرت علی(ع) بود یا داستان امیرارسلان نامدار جزء داستان‌هایی بود که در آن زمان حتی برای مردم کرمان هم مشهور بود و می‌خواندند. حتی این کتاب‌ها را برای مادربزرگ و خاله‌ام می‌خواندم و آنها لذت می‌بردند. چون در زمینه انگلیسی قوی بودم، وقتی به دبیرستان پسرانه جم رفتم، از من می‌خواستند در یکی از نمایش‌هایی که از داستان شکسپیر اجرا می‌کردند (تاجر ونیزی) شرکت کنم. به من رل جسیکا را دادند و چون زبانم خوب بود، خانم مدیر دبستان که انگلیسی بود، وقتی برای دیدن نمایشنامه آمد، به خواهرم گفت: که تلفظ انگلیسی برادرت خیلی خوب است.

**علاوه بر خواندن کتاب چه کارهایی می‌کردید؟**

بازی‌های رایج بچه‌گانه، به اصطلاح کرمانی‌ها «قایم باش» و گرگم به هوا... ولی اوقات فراغتم بیشتر با خواندن کتاب پر می‌شد، چون شاگرد مرتب و درسخوانی بودم، همین امر سبب شد تا به من در دوره دبیرستان، کتاب انگلیسی جایزه بدهند. البته چون کتاب‌ها انگلیسی بودند، در برخی از مواقع در درک مطلب دچار مشکل می‌شدم. اما در پاسخ به سؤالتان باید بگویم در دوره دبیرستان هم بازی‌های رایج تنیس روی میز یا پینگ پنگ و فوتبال و والیبال می‌کردیم ولی بیشتر پینگ پنگ بازی می‌کردیم.

> ◆ **دکتر حمید فرزام:**
> **چون شاگرد مرتب و درسخوانی بودم، همین امر سبب شد تا به من در دوره دبیرستان، کتاب انگلیسی جایزه بدهند**

**چقدر رمان می‌خواندید؟**

علاوه بر داستان‌هایی که اشاره کردم، در آن زمان رسم بود، کتابفروشی‌ها کتاب‌ها را امانت می‌دادند. من گاهی اوقات، کتاب‌هایی چون آثار الکساندر دوما را که ترجمه شده بود، می‌خواندم ولی بیشتر به کتاب‌های درسی می‌پرداختم.

**چرا به مدرسه انگلیسی‌ها رفتید؟**

چون در آن زمان در کرمان مدرسه انگلیسی معروف بود و به خاطر یادگیری زبان هم که بود به این مدرسه می‌رفتند. در آن زمان مردم چندان توجهی به مسأله استعمار و استثمار نداشتند.

**از کتابخانه مدرسه استفاده می‌کردید؟**

وقتی به قرائت خانه می‌رفتیم. برخلاف امسش، جایی برای بازی بود، بیشتر شطرنج و... بازی می‌کردیم.

**در چه رشته‌ای در دانشسرا تحصیل کردید؟**

بعد از سال سوم به دانشسرای مقدماتی رفتیم و در آنجا شاگردان رتبه اول و دوم می‌توانستند به دانشسرای عالی در تهران بروند و حتی مخارج آنها را می‌پرداختند و خوشبختانه من جزء آن دسته از شاگردان بودم و معلم ۱۷ شد. وقتی به تهران آمدم وارد مرحله جدیدی از زندگی شدم.

**زبان و ادبیات فارسی.** در آنجا هم با معدل ۱۶/۰۲ شاگرد اول شدم و استادان بزرگواری چون: استاد ملک الشعرای بهار، بهمنیار، فروزانفر، سید محمدکاظم عصار، ابراهیم پور داوود، اقبال آشتیانی و دکتر محمدمعین که استاد زبان فارسی بود، از جمله استادان من بودند.

**نگاه خانواده‌اتان نسبت به کتاب چگونه بود؟**

کتاب «نسیم شمال» خیلی زیبا و شیرین سروده شده بود و گاهی اوقات شب‌های زمستان می‌خواندیم. وقتی عمویم به خانه ما می‌آمد این نوع کتاب‌ها را می‌خواندیم. در واقع خانواده هم به کتاب و کتابخوانی علاقه داشتند! اما بیشتر داستان‌های قدیمی می‌خواندند مثل امیرارسلان نامدار.

**مطالعه جدی شما از چه زمانی شروع شد؟**

بیشتر از کتابخانه دانشکده استفاده می‌کردم که باعث می‌شد معلوماتم افزوده شود و در واقع عشق به کتابخوانی داشتم. غیر از کتاب‌هایی که مربوط به درسمان بود مثل صرف‌شناسی و تاریخ تمدن، کتاب‌های دیگری، از قبیل اسرارالحکم حاج ملاهادی سبزواری را از همان زمان مطالعه می‌کردم یا کتابی تحت عنوان تحفة حکیم مؤمن (تحفة المؤمنین) که چون به زبان فارسی بود می‌خواندم. البته کتاب سنگینی بود. در واقع در آن زمان به طور جدی کتاب خواندن را شروع کردم.

**در دوران دانش‌آموزی، روزنامه دیواری تهیه می‌کردید؟**

آن زمانی که ما درس می‌خواندیم تهیه روزنامه دیواری رسم نبود، یعنی ۷۰ سال پیش خبری از روزنامه دیواری نبود ولی در سال ۱۳۳۳ که با اصرار مدیر مدرسه شدم، بچه‌ها روزنامه دیواری کار می‌کردند.

**بیشتر چه کتاب‌هایی برایتان جذاب بود و می‌خواندید؟**

بیشتر به کتاب‌های ادبی و دینی علاقه داشتم و می‌خواندم و ملاً کتاب خاورنامه را دوست داشتم و حتی در تعطیلات تابستان چند بار کتاب را دوره کردم.

در کتاب فارسی که هر وقت به منزل مادربزرگم می‌رفتم آن را می‌خواندم، متنی بود به این صورت: درد دندان بد دردی است بی‌دندانی از آن بدتر. من می‌فهمیدم که دندان مادربزرگم درد می‌کند. این کتاب را می‌خواندم و او هم با درد دندان می‌شنید.

**انشا می‌نوشتید؟**

بله! در آن زمان معلمانمان سختگیر بودند و نمره خوبی نمی‌دادند، ولی بیشتر شعری را حفظ می‌کردم و در انشا می‌نوشتم.

تا جایی که یادم است انشایم ۱۲- ۱۲/۵ بود. همیشه آرزو داشتم نمره خوبی از انشا بگیرم.

**شعر می‌سرودید؟**

بله. می‌گفتم: تفنی کن دهان بر هم نهاده
هوای سالم و آزاد و شاده

یعنی از بینی نفس بکش نه از دهان

**خودتان برای فرزندانتان در دوران کودکی‌شان کتاب می‌خواندید؟**

بله. علاوه بر خواندن کتاب غیر درسی، کتاب‌های درسی را برایشان توضیح می‌دادم. یک روزی دخترم گفت: اسکندر کشور ایران را در نوردید. گفتم: معلم شاید اشتباه کرده؛ کشور ایران را درنوردید درست است. گفتم: نباید به معلم چیزی بگویی. شاید دقت نکرده است. من در آن زمان دکتر ادبیات بودم و دوست داشتم بچه‌ها خوب تلفظ کنند و یاد بگیرند. علاوه بر تشویق برای کتابخوانی، بچه‌ها را تشویق می‌کردم تا نماز هم بخوانند. وقتی نماز می‌خواندند، پاداشی به آنها می‌دادم.

**دوست دارید برگردید به دوران دانش‌آموزی؟**

بدم نمی‌آید، ولی به یاد برخی خاطرات تلخ می‌افتم و ناراحت می‌شوم. مثل تنبیه، یا سن ۶ سالگی که پدرم مرحوم شدند، متعاقب آن متأسفانه مادر مهربانم را در ۱۳ سالگی از دست دادم (با کمی مکث و بعد با ناراحتی و در حالی که بغض کرده و اشک در چشمانش حلقه زده است می‌گوید) مادرم در حیاط خانه نشسته بود. گفت: برایم فالی از دیوان حافظ بگیر. گرفتم، بعدها فهمیدم که فال حافظ هیچ‌وقت آنقدر درست در نیامده بود. (سپس شعر را می‌خواند)

گر چه پامال جفا کرد چو خاک راهم
خاک می‌بوسم و عذر قدمش می‌خواهم
ذره‌ای خاکم و در کوی توام منزل هست
ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگاهم

وقتی خواندم، قلبم لرزید، مادرم گفت: چطور بود؟ گفتم: خوب است. ولی من می‌فهمیدم که خوب نیست. مادرم ۳-۲ روز بعد فوت شد. من دوست ندارم برگردم به آن دوران. ناراحت می‌شوم.

## خبر

### دومین جشنواره ادبی مهرگان

دومین جشنواره شعر و ادب دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی سراسر کشور با عنوان «مهرگان» به میزبانی دانشگاه علوم پزشکی شیراز برگزار می‌شود.

دکتر توکل؛ دبیر جشنواره به ایسنا گفت: این جشنواره در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ مهرماه سال جاری برگزار خواهد شد و دانشجویان می‌توانند آثار خود را تا ۲۰ مرداد به دبیرخانه بفرستند.

وی افزود: آثار ارسالی در دو مرحله داوری خواهند شد و جشنواره مذکور به دانشجویان علوم پزشکی و مؤسسه‌های آموزش عالی وابسته به وزارت بهداشت اختصاص دارد.

### فراخوان کتاب «نگیما»

انتشارات نگار و نیما (نگیما) در راستای تحقق هرچه بیشتر شعار اولیه خود که معرفی شاعران و نویسندگان جوان از سراسر ایران است، در نظر دارد کتاب «نگیما» را در زمینه‌های (شعر، داستان، مقاله، طراحی و...) به صورت گاهنامه و دنباله‌دار منتشر کند.

در فراخوان این انتشارات از کلیه مؤلفانی که مایل به مشارکت در نشر این مجموعه هستند، دعوت به همکاری شده است.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۶۹۲۱۳۶۶ تماس بگیرند یا با نشانی تهران- صندوق پستی ۱۴۵۱۵/۱۴۱۷ مکاتبه کنند.

یادداشت

آرش خوشخو

# سینما و ادبیات ؛ رازگشایی از یک رابطه

۱

هر کسی با خواندن داستان کوتاه آرامش در حضور دیگران نوشته غلامحسین ساعدی و رمان لیلا نوشته مهناز انصاریان براحتی می تواند تشخیص دهد که داستان کوتاه ساعدی یک اثر مطرح و ماندگار ادبیات ایران است و لیلا داستانی عوام‌پسندانه که از زیر و بم‌های روایی و ظرفیت انتقادی کار ساعدی بی‌بهره است. اما اگر در گود ادبیات، کار ساعدی چنین بی‌رقیب است، وقتی پای در گود سینما می گذاریم، به این سادگی نمی توان رأی به مصادره کار ساعدی داد. اقتباس تقویی از داستان ساعدی، هوشمندانه و تأثیرگذار است. شاید درست در حد و اندازه‌های داستان اصلی و گاه حتی از مرزهای روایتی داستان فراتر می‌رود و گوشه - کنایه‌های سیاسی طبقاتی را نیز در بر می‌گیرد. اما در آن سو، اقتباس مهرجویی از یک رمان پرفروش و سرگرم‌کننده، از چنان ارزش‌های انکارناپذیری برخوردار است که در مقایسه با آرامش در حضور دیگران نه تنها کم و کاستی ندارد، بلکه شاید در سلیقه گروهی از کارشناسان، فیلم مهمتری نیز محسوب می‌شود.

و این راز سینماست. یک اثر درخشان ادبی الزاماً دستمایه یک فیلم معتبر سینمایی نخواهد شد و چه بسا یک رمان و یک داستان پرفروش و سرگرم‌کننده بتواند مصالح لازم برای یک فیلم سینمایی بزرگ را فراهم کند. (بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما اقتباس از داستان‌ها و رمان‌هایی است که از ارزش ادبی چندانی برخوردار نیستند، سرگیجه، روانی، جویندگان و سکوت بره‌ها نمونه‌های مشهوری از این دست هستند.)

۲

رابطه سینما و ادبیات در ایران همیشه رابطه‌ای پر از سوءظن بوده است. هنوز مسأله خرید حق اقتباس از یک اثر ادبی برای جامعه سینمایی و ادبی ایران جا نیفتاده است. نمونه‌هایی مثل خاک (اقتباس کیمیایی از داستان دولت آبادی) و یا پستچی (اقتباس مهرجویی از داستان ساعدی) همراه خود مجموعه‌ای از سوءتفاهم‌ها و دلخوری‌های بی‌پایان را به ارمغان آورد. نویسندگان بزرگ ایرانی بندرت توانسته‌اند عدم اعتماد خود به سینماگران و فیلمسازان را پنهان کنند. آنها همواره در هراس بوده‌اند که پارامترهای مردم‌پسندانه سینما کلیت اثر آنها را با مشکل روبه‌رو کند. برای آنان نمونه آرمانی اینگونه اقتباس‌ها فیلمی مثل گاو است که فیلمساز با وفاداری به معیارهای داستان، تمام تلاش خود را برای به تصویر کشیدن بی‌کم و کاست داستان به کار گرفته است. داستان مجادله قلمی دولت آبادی با کیمیایی بر سر اقتباس سینمایی از خاک هنوز هم در یادها مانده است.

۳

اما از آن سو هم داستان به گونه دیگری وجوه دراماتیک خود را دارد. سینماگران ایرانی فارغ از دغدغه‌های سینمای حرفه‌ای در جلب مخاطب و پیدا کردن دستمایه‌های تماشاگرپسند، بیشتر به سینما و فیلمسازی همچون سکوی پرتابی می‌نگرند که می‌تواند آنها را به محدوده پرشکوه شهرت و اعتبار روشنفکری پرتاب کند. سینماگر ایرانی از ابتدا دغدغه تبدیل به یک مؤلف و هنرمند روشنفکر را با خود حمل می‌کرده است و این ماجرای مؤلف بودن وقتی تأمین می‌شود که فیلمساز عنوان نویسنده را نیز با خود یدک بکشد. در نگره انتقادی برگرفته شده از تئوری مؤلف (که سه دهه بر دنیای نقدنویسی ایران ناعادلانه حکومت کرده است) فیلمساز خالق اصلی اثر است؛ یک روشنفکر و خداوندگار دنیای فیلم.

فیلمساز ایرانی بخصوص فیلمساز صاحب سبک، هر اثر را فرصتی می‌داند برای تبلور بخشیدن به دغدغه‌های ذهنی و روشنفکرانه خود و اعتنایی به دستمایه‌های ادبی که هر کدامشان می‌تواند در گذر از ذهن او، به اثری لذتبخش و جذاب بدل شود ندارد. بی جهت نیست که در نگره نقد ایران، بهرام بیضایی از جایگاهی چنین مبالغه‌آمیز در مقایسه با مهرجویی و تقوایی و یا افخمی برخوردار است. بیضایی همچون یک مؤلف کامل نمایانده می‌شود که از متن اولیه، فیلم نهایی هم از زیرچشمان مراقب او عبور می‌کند. او هم می‌نویسد، هم می‌سازد و هم تدوین می‌کند. برای همین در نگره مؤلف‌زده نقد سینمای ایران او خداوندگار بی‌بدیل سینماست. اما از آن سو نمونه‌ای مثل داریوش مهرجویی بارها و بارها به شدیدترین شکل ممکن مورد استفاده منتقدانی قرار گرفته که جذابیت و شهرت آثار او را به خاطر متون ادبی مورد استفاده‌اش دانسته‌اند و حتی مهرجویی دهه چهل و پنجاه را تنها به خاطر اقتباس‌های ادبی‌اش از ساعدی ستوده‌اند و به شکل متناقضی فیلمی مثل هامون را که در میان فیلم‌های پس از انقلاب مهرجویی از آشفتگی روایی آزاردهنده‌ای رنج می‌برد، به عنوان بهترین فیلم او ارزیابی می‌کنند. آنها ظرافت‌های مهرجویی را در کار با متون ادبی مثلاً درخت گلابی، لیلا، پری و یا سارا بالکل نادیده می‌انگارند و او را لایق جایگاه یک مؤلف نمی‌دانند. با تقوایی که در زیر شیخ فراگیر داستان کوتاه ساعدی و رمان پرشکوه دایی‌جان ناپلئون و داشتن و نداشتن همینگوی، همواره کمتر از استحقاق، مورد توجه قرار گرفته است. طبیعی است که در چنین فضایی، آن قسمت از سینماگران ایرانی که از دغدغه‌های روشنفکرانه و ادبی برخوردارند، دل و دماغی برای رجوع به آثار ادبی ندارند و ترجیح می‌دهند هر چه بیشتر وجهه مؤلف بودن خود را تثبیت کنند. (بی‌جهت نیست که بیضایی و کیمیایی هم فیلم می‌سازند، هم نمایشنامه می‌نویسند و هم شعر می‌سرایند. آنان راه و رسم روشنفکری را آموخته‌اند) و این یک تراژدی کامل است. تراژدی‌ای که موجب شده سوشون، کلیدر، همسایه‌ها، داستان یک شهر، زمستان ۶۲ و بسیاری دیگر از آثار ادبی کشور، دور از دسترس سینماگران قرار بگیرند.

۴

اما کم‌کم نشانه‌های مثبتی به چشم می‌خورد. سینمای ایران در تکاپوی یافتن دستمایه‌های داستانی و در مسأله‌ای به نام بحران سوژه و فیلمنامه، هر چه بیشتر متوجه ذخایر ادبی کشور شده است.

دو کار اخیر مهرجویی - لیلا و درخت گلابی (داستان کوتاه دلپذیری از گلی ترقی)، نیمه پنهان تهمینه میلانی که برداشتی از رمانی نوشته فریده گلبو بود، تکاپوی جدید فریدون جیرانی برای استفاده از یک رمان عوام‌پسندانه، رجوع رسول صدرعاملی برای اقتباس سینمایی از یکی از داستان‌های مجموعه بعد از آن شب نوشته مرجان شیرمحمدی، تکاپوی گروهی از فیلمسازان برای انجام اقتباس‌هایی از زویا پیرزاد و در مرحله بعد شیوا ارسطویی، همه نشان از ایجاد پل ارتباطی مناسبی میان سینما و ادبیات ایران دارد. با کمرنگ شدن هاله غول‌آسا و جذاب مؤلف شدن و جا افتادن تدریجی راه و رسم حرفه‌ای‌گری، حالا سینمای ایران یاد گرفته به دور از خودخواهی‌های سابق به متون ادبی رجوع کند. شاید چهار پنج سال پیش به ذهن هیچ کس خطور نمی‌کرد که روزی فیلمساز معتبری مثل افخمی، رمانی مثل گاوخونی را دستمایه فیلمسازی قرار دهد. حالا نسل جدید نویسندگان هم به دور از وسواس نسل سابق دست همکاری را به سمت فیلمسازان دراز کرده‌اند. دور نیست که بزودی آثار زویا پیرزاد، گلی ترقی و حسین سناپور را در نوبت اقتباس سینمایی ببینیم. شاید در آن صورت نویسندگان قدیمی و احیاناً وارثان آنان با حسن نیت بیشتری راه را برای به تصویر کشیده شدن امثال کلیدر و سوشون باز کنند.

## خبر

### ترجمه یک بازیگر

لیلا حاتمی، بازیگر فیلم‌های مطرحی چون لیلا، ارتفاع پست، ایستگاه متروک و... اخیراً وارد حوزه ترجمه کتاب شده است.

حاتمی فیلمنامه گرترود، آخرین فیلم کارل تئودور درایر، سینماگر دانمارکی را به فارسی برگردانده است. این کتاب که شامل فیلمنامه گرترود و گفت‌وگو با تئودور درایر و همچنین مقاله‌هایی درباره زندگی و آثار اوست، توسط نشر مرکز منتشر شده است.

بابک احمدی علاوه بر مطلبی که در ابتدای کتاب نوشته، ویرایش آن را نیز به عهده گرفته است. حاتمی پس از نیکی کریمی، علی مصفا و... چندمین بازیگری است که به ترجمه و تألیف روی آورده است.

### سومین فیلمنامه نشر کاروان

فیلمنامه وصیت‌نامه ققنوس، نوشته رضا علامه‌زاده -نویسنده مقیم خارج از کشور- از جمله کتاب‌هایی است که انتشارات کاروان در سال جدید منتشر کرده است.

این فیلمنامه که درباره زندگی احمد شاملو و همسرش آیداست، قرار بود توسط خود علامه‌زاده ساخته شود اما به دلایلی از جمله عدم صدور مجوز ساخت آن در ایران، این فیلم ساخته نشد. علاوه بر این علامه‌زاده، فیلم‌های مستندی را هم چون شب بعد از انقلاب، موج و آرامش و جنایت مقدس کارگردانی کرده و رمان‌های تابستان تلخ، غوک و آلبوم خصوصی را منتشر کرده است.

انتشارات کاروان پیش از این دو فیلمنامه دیگر نیز روانه بازار کتاب کرده بود.

## گفت‌وگو

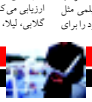

ساناز اقتصادنیا

**ناصر صفاریان از روزنامه‌نگاران و منتقدان سینماست که تحقیقات متفاوتی درباره فروغ فرخزاد انجام داده و نتیجه این تحقیقات را درکتاب آیه‌های آه منتشر کرده است.**
**صفاریان درباره زندگی و مرگ فروغ فیلم سرد سبز را ساخته که در کشورهای مختلفی همچون سوئد، آمریکا، کانادا، انگلستان و... به نمایش درآمده است.**
**با صفاریان درباره کتاب آیه‌های آه به گفت‌وگو نشسته‌ایم.**

### گفت‌وگو با ناصر صفاریان درباره کتاب آیه های آه

# فروغ آن چنانکه بود

**از میان این همه شاعر و نویسنده جطور فروغ را برای ساختن فیلم و نوشتن کتاب انتخاب کردید؟**

در ابتدا یک کنجکاوی شخصی بود. وقتی به دبستان می‌رفتم اولین بار که به یک جمله فروغ برخوردم «افق عمودی است و حرکت»، فراموارم متعجب شدم. و همین کنجکاوی من را از قبل بیشتر کرد و شاید دلیلی برای شروع تحقیقات من شد.

**کتاب‌های دیگری که درباره فروغ وجود داشت به درد تحقیقتان خورد؟**

شاید من تمام کتاب‌هایی را که درباره فروغ در بازار وجود داشت، خواندم و هر چه بیشتر می‌خواندم احساس می‌کردم خلأهای بیشتری درباره زندگی این آدم وجود دارد. ضمن اینکه به جرأت می‌توانم بگویم از میان تمام کتاب‌هایی که درباره فروغ نوشته شده فقط دو سه نمونه معتبر وجود دارد و می‌توان ثابت کرد که بقیه آنها همه از روی هم نوشته شده‌اند.

**حالا فکر می‌کنید با کتاب آیه‌های آه خلأهایی که درباره فروغ وجود داشت و شده است؟**

نه به طور کامل. ولی باید بگویم این کامل‌ترین منبع اطلاعاتی است که درباره فروغ وجود دارد. مثلاً تصویری که از فروغ در ذهن همه وجود داشت یک شاعر رمانتیک بود که اصلاً از سیاست و مسائل اجتماعی که رنگ سیاسی دارد دور است ولی در این کتاب برای اولین بار درباره فعالیت‌های سیاسی فروغ مطالبی نوشته شده است.

**تحقیقاتتان را از کجا شروع کردید؟**

در مرحله اول از آدم‌هایی که از نزدیکان فروغ بودند و با او آشنایی داشتند شروع کردیم و در کنار آن از تعداد صاحبنظران دیگری هم که درباره فروغ اطلاعاتی داشتند، استفاده کردیم اما به دلایلی، چه در فیلم و چه در کتاب قسمتی از این اطلاعات را حذف کردیم.

**تحقیقات شما برای رسیدن به نتیجه چقدر طول کشید؟**

حدود شش سال. تا اینکه بالاخره احساس کردم می‌شود نتیجه تحقیقات را ارائه داد. اگرچه که من در نتیجه آنها را به صورت کتاب منتشر کرده‌ام اما قسمت اعظمی از منابع اطلاعاتی، تصویری بود. مثل تعداد عکس‌هایی که هیچ کجای دیگر از فروغ دیده نشده است و به همین خاطر تصمیم گرفتم آن را به فیلم هم تبدیل کنم.

**فروغ بعد از وجهه ادبی‌اش به عنوان مستندساز شناخته شده است. چرا از میان آدم‌های انتخاب شده برای گفت‌وگو، تعداد مستندسازان کم است؟**

این کتاب را می‌شد اصلاً با گفت‌وگوهای دیگری منتشر کرد. اما به خاطر همان معیاری که برای انتخاب آدم‌ها در نظر گرفته بودیم، تقریباً هیچ مستندساز شاخصی که با فروغ آشنایی نزدیکی هم داشته باشد، وجود نداشت. البته قرار بود فیلم دیگری هم ساخته شود با آدم‌های صاحبنظری که با فروغ آشنایی نزدیکی نداشته‌اند مثل عطاءالله مهاجرانی، عباس کیارستمی و محسن مخملباف ولی به دلایل مالی این قضیه متوقف شد.

**شما در مقدمه کتاب نوشته‌اید که سعی می‌کنید از کتاب‌سازی پرهیز کنید. به نظرتان متن پیاده شده مصاحبه‌های تصویری که در فیلم‌هاست؛ خودش نوعی کتاب‌سازی نیست؟**

فکر می‌کنم چیزی که بیشتر به عنوان کتاب‌سازی مطرح شده، سفارش مطلب درباره موضوع خاصی به چند نفر است که زحمت زیادی هم ندارد. اما ما برای گرفتن این گفت‌وگوها خیلی دچار مشکل شدیم. ضمن اینکه فیلم‌ها هم به نوعی متن خلاصه شده گفت‌وگوها هستند. شاید این کتاب اصلاً ده سال دیگر به نظر خنثی بیاید. برای همین فکر می‌کنم خیلی شرایط را نباید در آن دخیل دانست. به نظر من اصولاً هر چیزی را که به فروغ مربوط می‌شود، تا جایی که شخصیت کس دیگری را خدشه‌دار نکند، باید گفت.

ن . ب

### گفت‌وگو با محمدرضا شمس: نویسنده

# عناصر بومی با روایت خاص

**کتاب «دیوانه و چاه» نوشته محمدرضا شمس از سوی شورای کتاب کودک نامزد دریافت جایزه IBBY سال ۲۰۰۴ اعلام شده است .**

**محمدرضا شمس متولد سال ۱۳۳۶ در تهران دارای مدرک دیپلم از هنرستان است. وی نوشتن را با نمایشنامه‌نویسی شروع کرده و تاکنون نمایشنامه‌های تلویزیونی پیری و آقاچون، هادی و هدی و... را نوشته است. شمس داستان‌نویسی را از سال ۵۸ به‌طور حرفه‌ای آغاز کرده و تاکنون ۲۰ کتاب از وی به انتشار رسیده است. وی در حال حاضر مسؤول جلسه قصه مجله سروش کودک و کارشناس قصه در کانون پرورش فکری و انتشارات به‌نشر است. شمس همچنین مسؤولیت جلسات قصه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان را به عهده دارد. با وی گفت‌وگو کردیم.**

**موضوع کتاب دیوانه و چاه چیست؟**

این کتاب مجموعه سه داستان دیوانه و چاه، بابا شله زرد و من و ملک جمشید و خال فرخ لقاست که هر قصه موضوع جداگانه‌ای دارد اما خط باریکی آنها را پیوند می دهد. در داستان اول، دیوانه‌ای سنگی را در چاه می‌اندازد و هیچ کس نمی تواند آن را درآورد تا در نهایت خود او سنگ را از چاه درآورده و از آن به بعد با چاه دوست می‌شود. داستان دوم، زندگی مردی است که با سایه‌اش در ارتباط است و سایه‌اش می‌خواهد با سایه دیگری ازدواج کند. در داستان سوم، قصه با عروسی شیر آب و بشقاب چینی گلدار شروع می‌شود و از دنیای تخیل به افسانه‌ها و سپس به دنیای واقعی برمی‌گردد.

**به نظر شما چه ویژگی‌هایی باعث شد که این کتاب نامزد IBBY شود؟**

دوستان در نقد کتاب آشنایی زدایی را مطرح کرده بودند. و من انتخاب شخصیت‌های داستان و نگاه به مسائل بومی، استفاده از تخیل در کار را از ویژگی‌های کتاب دانسته بودند. البته به نظر خودم نوع روایت و نوع نگاه می‌تواند ویژگی کتاب باشد.

پیش از این نیز همین کتاب، کتاب ویژه سال شورای کتاب کودک بود و همچنین قصه دیوانه و چاه از این مجموعه برنده لوح زرین کانون پرورش فکری و قلم بلورین ششمین جشنواره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام شد.

**این کتاب توسط کدام انتشارات چاپ شده؟**

هیچ‌کدام از ناشرانی که کتاب را به آنها دادم، چاپ آن را قبول نکردند چون فکر می‌کردند، سودآور نیست و من مجبور شدم با سرمایه شخصی این کتاب و کتاب «دختر خل و چل» را با آرم انتشارات حنانه چاپ کردم.

**فکر می‌کنید معرفی آثار نویسندگان کودک و نوجوان ایرانی در جشنواره‌های خارجی تا چه حد در شناخت ادبیات کودکان در جهان مؤثر است؟**

مسلماً خیلی مؤثر است. وقتی یک کتاب در نشریات خارجی معرفی شود و یا یکی از کتاب‌های ایرانی جایزه‌های بزرگ جهانی را کسب کند، در واقع، کل ادبیات کودک و نوجوان ایران معرفی شده و افتخار آن برای این مرز و بوم است. اما متأسفانه باید بگویم که در این زمینه چندان موفق نبوده‌ایم. ما نویسنده‌ها که سرمایه و توانایی و شناخت لازم برای این کار را نداریم. بنابراین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری و... که از نظر مالی و اجرایی توانایی شرکت در جشنواره‌ها را دارند، باید برای معرفی ادبیات کودک و نوجوان ایران در جهان تلاش کنند.

به طور مثال ۲۵ سال از انقلاب می‌گذرد و هر سال جشنواره بولونیا در ایتالیا برگزار می‌شود. اما همیشه عده‌ای خاص، برای شرکت در این جشنواره به بولونیا می‌روند. در حالی که باید هر سال چند نویسنده ایرانی را بفرستند که این نویسندگان با نویسنده‌های خارجی آشنا شوند چون این آشنایی باعث تبادل افکار و آثار میان آنها می‌شود.

**وضعیت نشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان ایرانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

فقط می‌توانم بگویم که خیلی بد است. ما حدود ۴ هزار ناشر کودک داریم و شاید تنها حدود ۱۰ نویسنده حرفه‌ای برای کودکان داشته باشیم. اما همین ده نفر هم برای چاپ کتابشان باید به دنبال ناشر بگردند و گاهی برخی از آنها از چاپ کتابشان صرفنظر می‌کنند. من ۱۶ سال پیش چندین قصه نوشتم که بتازگی توانستم آنها را چاپ کنم. با کتاب‌های «دیوانه و چاه» و «دختر خل و چل» را مجبور شدم با سرمایه خودم چاپ کنم. حتی بارها برای من اتفاق افتاده که کتابم را برای چاپ به ناشر داده‌ام اما ناشر یک سال بعد گفته که توانایی چاپ آن را ندارد. از طرفی سطح کیفی کتاب‌ها هم خیلی پایین است. متأسفانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از نویسنده‌ها حمایت لازم را نمی‌کند. فکر می‌کنم اگر از نویسنده‌ها حمایت شود، سطح کیفی کارها هم بهتر شود.

## برو بچه‌ها

### فرزندان معجزه

شقایق قندهاری، مشغول ترجمه رمانی به نام «فرزندان معجزه» است. این کتاب را که جکلین وودسون نوشته، انتشارات تربیت چاپ خواهد کرد. این رمان درباره سه برادر و رابطه آنها با یکدیگر است. قندهاری همچنین کتابی را برای بزرگسالان در زمینه روانشناسی ترجمه می‌کند. انتشارات ققنوس این کتاب را چاپ خواهد کرد.

### چند رمان و قصه

شکوه قاسم‌نیا در حال حاضر رمانی درباره جنگ برای نوجوانان و دو رمان کودکانه به نام‌های «بستی حادوی» و «ماجی خنده خرید» را در دست نگارش دارد. وی همچنین در حال نگارش «ماجراهای پروفسور- کوچول خان» است که این کتاب آرزوهای بچه‌ها را بیان می‌کند.

قاسم‌نیا مجموعه شعر «نی‌نی مامانی قاقا می‌خواهد» را برای بچه‌های یک سال به بالا نوشته که ضمیمه کتاب دیگری درباره تغذیه کودکان است. این مجموعه در انتشارات کتاب‌های ارغوانی چاپ خواهد شد. این نویسنده و شاعر فعال دو مجموعه از «قصه‌های کوچک برای بچه‌های کوچک» را برای چاپ به انتشارات قدیانی سپرده است. هر جلد از این مجموعه ۵ قصه دارد. قاسم‌نیا همچنین مشغول آماده‌سازی مجموعه ۵۰ قصه ۵۰ کلمه‌ای برای بچه‌های دبستانی است.

### چند داستان کوتاه

محسن پرویز در حال نگارش مجموعه داستانی درباره اتمه برای نوجوانان است. این مجموعه، چند داستان کوتاه از پنج تن است و در به‌نشر چاپ خواهد شد.

وی همچنین یک رمان برای بزرگسالان در دست نگارش دارد که مسائل اجتماعی پس از انقلاب را بیان می‌کند. این نویسنده فرهنگ کتاب‌های دفاع مقدس را برای بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ویرایش می‌کند.

### مفهوم کودکی

حمیدرضا شاه‌آبادی کتاب «مقدمه‌ای بر ادبیات کودک» که درباره شناخت مفهوم کودکی است را در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان زیر چاپ دارد. وی در حال نگارش جلد دوم این کتاب با عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات کودک» است.

### ده پیغمبر

حافظ میرآفتابی در حال تصویرگری کتاب ایوب از مجموعه ده پیغمبر است که مصطفی رحماندوست نوشته و در نشر شباویز چاپ خواهد شد. وی همچنین کتاب «ژنرال‌ها» که صد و یک داستانک از محمدرضا یوسفی است را زیر چاپ دارد.

میرآفتابی مشغول تصویرسازی، داستان‌هایی است که در ده جلد برای گروه سنی ج و د نوشته و در نشر شباویز چاپ خواهد شد.

«باید به فکر فرشته بود» آخرین کتابی است که از این تصویرگر در نشر شباویز چاپ شده. این کتاب را محمدرضا یوسفی نوشته است.

## خبر

### همایش سانسور و ادبیات کودک و نوجوان به تعویق افتاد

همایش سانسور و ادبیات کودک و نوجوان که قرار بود در هفته سوم تیرماه ۸۲ در شهر لنگرود برپا شود، به تعویق افتاد.

کمیته آموزش و پژوهش انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، با همکاری دفتر مطالعات ادبیات داستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای برگزاری این همایش اقدام کرده بودند.

### اولین کتابخانه بین‌المللی دیجیتالی ادبیات کودک

اولین کتابخانه بین‌المللی دیجیتالی ادبیات کودک توسط شورای کتاب کودک راه‌اندازی شد. این کتابخانه در حال حاضر دارای ۱۵ عنوان کتاب ایرانی است و شورای کتاب مشغول هماهنگی با ناشران برای تهیه کتاب و ارسال آن به این کتابخانه است.

کتابخانه بین‌المللی دیجیتالی ادبیات کودک در ایران که وابسته به کتابخانه کنگره آمریکاست، از تابستان ۸۱ فعالیت خود را آغاز کرده و مسؤول ایرانی آن خانم افتخاری است.

در شماره‌های آینده گزارش کاملتری از این کتابخانه خواهیم داشت.

## یادداشت

نگار پدرام

### تصویر آخر

فروردین امسال وقتی برای مصاحبه با بهرام خائف به او تلفن کردم، گفت برای جایزه بولونیا، با چند روزنامه مصاحبه کرده است. اصرار کردم با کتاب هفته هم گفت‌وگویی داشته باشد که بالاخره پذیرفت.

نظرش را درباره جوایز بین‌المللی ادبیات کودک پرسیدم. با تأسف گفت: «این جایزه‌ها و شرکت در جشنواره‌ها برای من نان و آب نمی‌شود. چون گاهی مجبورم برای گذران زندگی‌ام، کتاب‌هایی را تصویرگری کنم که اصلاً آنها را دوست ندارم.»

او سال‌ها پیش از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استعفا داده بود و از راه تصویرگری کتاب‌هایی که گاهی اوقات به دستش می‌رسید، زندگی می‌کرد. نمی‌خواهم دوباره مثل همه از مشکلات اهل هنر بگویم و یا مرثیه‌سرایی کنم. اما حالا که تاج گل‌ها و مراسم تشییع جنازه بالشکوهش را می‌بینم و به مراسم بزرگداشتی که حتماً بعد‌ها برای او برگزار خواهد شد، فکر می‌کنم، از اینکه همچنان سنت مرده‌پرستی امان را حفظ کرده‌ایم، افسوس می‌خورم.

او بی‌شک یکی از برجسته‌ترین تصویرگران ایرانی بود که طی سال‌ها فعالیت هنری خود آثار ارزشمندی را برای کودکان به تصویر کشید. کتاب‌های «دنیای رنگین کمان»، «هدیهٔ یازده رنگ»، «گفت‌وگوی رنگ‌ها»، «حکایتامه» و... از بهترین آثار تصویرگری او هستند.

خائف از موفق‌ترین تصویرگران ایرانی در خارج از کشور نیز بود و در معرفی ادبیات کودکان ایران در جهان سهم بسزایی داشت.

از مهمترین جوایزی که خائف در عرصه‌های بین‌المللی کسب کرده می‌توان به جوایز زیر اشاره کرد:

دیپلم افتخار نمایشگاه بولونیا برای کتاب «توکا» نوشته عباس یمینی شریف در سال ۱۹۷۸

دیپلم افتخار کنگره کتاب برای نسل جوان (IBBY) برای کتاب «شش غزل از حافظ» در سال ۱۹۹۰

دیپلم افتخار IBBY برای کتاب «گفت‌وگوی رنگ‌ها» نوشته بهرام خائف در سال ۲۰۰۲

جایزه نمایشگاه بولونیا برای کتاب «حکایتامه» نوشته حسن معلم در سال ۲۰۰۳.

روحش شاد.

## کتاب

### شهر زنبوران

**«شهر زنبوران»، تاماس کنیلی، تصویرگر: اسفقن رین، مترجم: حسین ابراهیمی (الوند)، شقایق قندهاری، انتشارات افق، چاپ اول: ۱۳۸۲، ۱۶۸ صفحه، ۴۰۰ تومان.**

رمان «شهر زنبوران» ماجرای عجیب پسری بیمار است که به زنبور تبدیل می‌شود. واقعیت زندگی زنبورها با تخیل نویسنده در هم آمیخته و این رمان را به وجود آورده است.

نویسنده کتاب اهل استرالیاست و از او پیش از ۲۵ رمان منتشر شده است. این نویسنده همچنین تاکنون چند سفرنامه و فیلمنامه نیز نوشته است.

این کتاب از رمان‌های منتشر شده برای نوجوانان است که نثر ساده و روانی دارد. از طرفی قیمت کتاب نسبت حجم آن مناسب است.

### تسلیت

**درگذشت بهرام خائف تصویرگر برجسته کتاب کودک و نوجوان بر بازماندگان محترم ایشان و همه پدیدآورندگان کتاب کودک تسلیت باد.**

**دبیرخانه هیأت نظارت بر کتاب کودک و نوجوان**

### گفت‌وگو با دو دانش‌آموز برگزیده مسابقات مطالعه و تحقیق (منطقه ۶)

# گرایش به پژوهش در مدارس

**امیرحسین مردانی و امیررضا مُشاری دانش‌آموزان سال دوم (ریاضی و فیزیک) دبیرستان انرژی اتمی هستند که با همکاری هم، توانستند تحقیقی در سطح مدرسه انجام دهند. این تحقیق توانست به عنوان یکی از تحقیقات جدی دانش‌آموزی معرفی شود. به نظر می‌رسد انجام این تحقیق برای این دو دانش‌آموز، صرفاً به انگیزه پاسخگویی به سؤالاتشان یا به عبارت دیگر حس کنجکاویشان بوده تا کسب رتبه در مدرسه یا در سطح منطقه. با این دو دانش‌آموز در این رابطه گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.**

**چطور شد که تصمیم گرفتید کار تحقیقی (مطالعه و تحقیق) انجام دهید؟**

**امیررضا مشاری:** کار تحقیق به پیشنهاد مشاور پایه بود و البته این پیشنهاد شامل حال تمام دانش آموزان بود و مشاور ۱۰۰ موضوع را به بچه‌ها پیشنهاد کرد که ما از بین این موضوعات یک موضوع را انتخاب کردیم و به آن پرداختیم.

**امیرحسین مردانی:** همان طوری که دوستم عرض کردند شروع این کار به صورت تکلیف بود و بعد از انتخاب موضوع، ما به صورت جدی‌تر، یعنی نه صرفاً تکلیف، بلکه یک کار تحقیقی به آن پرداختیم. که موضوع تحقیق ما سازمان ملل بود.

**چرا این موضوع را انتخاب کردید؟**

**امیرحسین مردانی:** شاید به خاطر بکر بودن آن و شاید هم به خاطر اینکه نوعی ابهام در موضوع دیده می‌شد؛ یعنی اطلاعات ما نسبت به این سوژه خیلی کم بود. فکر می‌کنیم این بهترین انگیزه برای انتخاب و پیگیری این سوژه بود.

**امیررضا مشاری:** من به این قبیل موضوعات علاقه‌مند بودم و از طرفی چون اکثر مردم به جز سیاستمداران که اطلاعات کافی و دقیقی در این رابطه ندارند، در واقع دنبال سوژه‌ای بودم که هم برای خودم و هم برای کسی (دانش آموزی) که این تحقیق را می‌خواند، جالب باشد.

**در شروع کار در تقسیم‌بندی مسؤولیت با مشکل روبه‌رو نشدید؟**

**امیرحسین مردانی:** قبل از به وجود آمدن مشکل یا همفکری همدیگر مسؤولیت را تقسیم‌بندی کردیم و هر کدام با یک هدف بخش‌هایی از این تحقیق را دنبال کردیم.

**امیررضا مشاری:** در تقسیم‌بندی وظایف، من فصل ادبیات تحقیق و... و پیوست آن که شامل موضوعات ابتکاری، نمودار، آمار، پرسشنامه، لغت‌نامه را بر عهده گرفتم و امیرحسین هم بخش تاریخچه و... را بر عهده داشت که خوشبختانه با برنامه‌ریزی دقیق مشکلی پیش نیامد.

**قبل از شروع کار چقدر با روش‌های تحقیق آشنایی داشتید؟**

**امیررضا مشاری:** ما در مدرسه، مشاور پایه در این زمینه داشتیم که در زمینه پژوهش و تحقیق به ما آموزش می‌داد و اینکه تحقیق چیست و چگونه و از کجا می‌توان آن را شروع کرد و در واقع مراحل کار تحقیقی را به ما یاد می‌دادند و من فقط در حد تئوری با روش‌های تحقیق آشنا بودم.

ما در زمان شروع تحقیق نمی‌دانستیم و فکر می‌کردیم کتاب را باید بخوانیم و رونویسی یا آن را درک کنیم، چون در اکثر موضوعات بچه‌ها در تحقیق از منابع و کتاب‌ها رونویسی می‌کردند.

**امیرحسین مردانی:** از قبل چندان آشنایی نداشتم، حتی زمانی که می‌خواستم تحقیق را شروع کنم، اطلاعات چندانی در این زمینه نداشتم.

**اطلاعات لازم و کافی در کار تحقیقی را چگونه کسب کردید؟**

**امیرحسین مردانی:** پدرم استاد دانشگاه است و بنا به توضیح او، چند نمونه از پایان‌نامه‌های دانشجویان را ملاک گرفتیم و از آن به عنوان الگو استفاده کردیم.

**امیررضا مشاری:** علاوه بر پایان‌نامه‌ها از کتاب‌ها و منابع مختلف و اینترنت هم استفاده کردیم و نیز کتاب‌هایی که بیشتر در زمینه سازمان ملل بود

**کتاب‌ها و منابع را چگونه تهیه می‌کردید؟**

**مشاری:** چند کتاب از کتابخانه مدرسه امانت گرفتیم که به دلیل قدیمی بودن، اطلاعات آماری‌اش چندان مورد استفاده قرار نگرفت.

**مردانی:** علاوه بر کتابخانه مدارس به کتابخانه سازمان ملل هم رفتیم و کتاب‌هایی را امانت گرفتیم.

**با توجه به اینکه موضوع برایتان تقریباً مبهم و سخت بود، هنگام مطالعه کتاب در درک بهتر مفاهیم از کسی مشورت می‌گرفتید؟**

**مشاری:** گاهی اوقات از مشاور مدرسه که کمک می‌گرفتم، اما برخی از لغات سنگین که برایم نامفهوم بود مثل دموکراسی و... را از لغت‌نامه پیدا می‌کردم به همین دلیل در بخش آخر تحقیق، صفحاتی را به لغت‌نامه اختصاص دادیم تا اگر دانش آموزی موقع خواندن تحقیق به چنین لغاتی برخورد کند، به لغت‌نامه مراجعه کند.

**مردانی:** من بیشتر از پدرم و اطرافیانم کمک می‌گرفتم. ولی اطرافیان هم چندان اطلاعی در این زمینه نداشتند.

**قبلاً هم کار تحقیقی کرده بوده‌اید؟**

**مشاری:** نه به این صورت، بیشتر کارهای ما در حد تحقیقات ساده ۵-۶ صفحه‌ای است.

**مردانی:** قبلاً در مدرسه تحقیقات جزئی انجام می‌دادیم. در واقع خودمان کار را چندان جدی نمی‌گرفتیم. فکر می‌کنم اگر از همان ابتدا حتی روی سوژه‌های ساده هم تحقیق می‌کردیم الان راحت‌تر می‌توانستیم تحقیقاتمان را انجام دهیم.

**هدفتان از انجام این تحقیق چه بود؟**

**مشاری:** نکات مبهمی در این سوژه برایم وجود داشت، سازمان ملل ادعا می‌کند حافظ حقوق بشر است، چرا آمریکا این قدرت را به دست گرفته است.

**مردانی:** می‌خواستم ببینم در جهان چه اتفاقاتی (در زمینه سازمان ملل) افتاده است. چه کسی به این سازمان نظارت دارد و سازمان چه وظایفی دارد.

**با انجام این تحقیق شما توانستید به هدفتان دسترسی پیدا کنید؟**

**مردانی:** تصور می‌کنم تا حدی، چون به قدری این حوزه وسیع است که نمی‌توان با ۶-۷ کتاب یا اطلاعات آماری اندک اطلاعات لازم را در زمینه سازمان ملل به دست آورد. مخصوصاً برای ما که هیچ حضور ذهنی از سازمان نداشتیم ولی با این وجود از اینکه با تلاش

توانستیم همین اطلاعات اندک را به دست بیاوریم، راضی هستیم.

**مشاری:** بله. ولی باز هم نیاز به مطالعه وجود دارد.

**انجام این تحقیق چقدر طول کشید، لطمه‌ای به درستان نزد؟**

**مشاری:** این تحقیق حدود ۵ ماه طول کشید و نه تنها لطمه‌ای به درسمان نزد بلکه اطلاعات ما را زیاد کرد.

**مردانی:** ما در تمام مدت تابستان مشغول انجام تحقیق بودیم و روزی ۳-۴ ساعت را به این کار اختصاص می‌دادیم، البته با برنامه‌ریزی که از انجام تکالیف و امور دیگر عقب نیفتیم.

**به چه نکات جدیدی در انجام تحقیق رسیدید؟**

**مردانی:** قبل از انجام یک تحقیق منبع شناسی کنیم که این کار نیاز به مشورت با مشاور یا فرد مطلع دارد و برای اینکه خوانده‌هایمان را از کتابی منسجم کنیم، از فیش‌برداری استفاده کنیم و از آنچه فهمیدیم در تحقیقمان به کار ببریم نه اینکه صرفاً از روی کتابی رونویسی کنیم.

**مشاری:** اینکه در کار تحقیق روحیه انتقادپذیر داشته باشیم، از این طریق می‌توانیم از نظرات مشاورین و کارشناسان استفاده کنیم در جهت بهبود کیفیت تحقیق.

**در فعالیت‌های فرهنگی مثل تهیه روزنامه دیواری (مدرسه) شرکت می‌کنید؟**

**مشاری:** بله، ولی متأسفانه چنین فعالیت‌هایی در مدرسه ما چندان مورد توجه بچه‌ها قرار نمی‌گیرد و دلیل عمده آن درگیر بودن بچه‌ها با درس و کنکور است و بیشتر به موضوعات علمی می‌پردازند و وقتی ما یک روزنامه دیواری تهیه می‌کنیم و روی دیوار مدرسه نصب می‌کنیم شاید فقط چند نفر به آن توجه کنند.

**مردانی:** علاقه زیادی به فعالیت‌های فرهنگی دارم، علاوه بر تهیه روزنامه دیواری در مسابقات احکام هم شرکت کردم که خوشبختانه رتبه اول در این زمینه را کسب کردم. به نظر من، دانش آموز باید فعال باشد و از استعدادهای نهفته‌اش استفاده کند صرفاً درس خواندن کافی نیست، باید مطالعات غیردرسی داشت چون مطالعه ذهن انسان را فعال می‌کند.

**چقدر کتاب می‌خوانید؟**

**مشاری:** قبلاً روزی نیم ساعت، ولی الان روزی ۲ تا ۲/۵ ساعت و بیشتر کتاب‌های داستانی (رمان) مثل میشل استروگف، دوردیا در هشتاد روز ژول ورن و کتاب‌های علمی و مذهبی هم می‌خوانم. البته الان به خاطر درگیری با المپیاد ریاضی بیشتر به درس و در مرحله بعد به کارهای متفرقه می‌پردازم.

**مردانی:** بیشتر کتاب‌های مذهبی و علمی مثل: آشنایی با لیزر، CD مکانیک و کامپیوتر.

**بین خودتان چه کسی بیشتر اهل مطالعه است؟**

**مردانی:** پدرم زیاد مطالعه می‌کند چون دانشجوی دکتری رشته مدیریت است و بیشتر در زمینه مدیریت مطالعه می‌کند.

**مشاری:** بیشتر مادرم و خواهرم مطالعه می‌کنند.

**معمولاً یک کتاب را چند بار می‌خوانید؟**

**مشاری:** بستگی دارد. اگر مهم باشد و یا اگر جذاب باشد ۲ بار یا چند بار می‌خوانم.

**مردانی:** ممکن است یک کتاب علمی در رشته خودم را که محتوای بسیار سنگینی دارد با دقت حتی طولانی مدت بخوانم. مثلاً یک کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای را ممکن است ۲۰ صفحه‌اش برایم سنگین باشد، حتماً ۳-۲ ماه وقت برای یادگیری کامل و دقیق آن می‌گذارم.

**برای ایام تابستان چه برنامه‌ریزی کرده‌اید؟**

**مشاری:** کلاس ورزش و مطالعه درسی و غیردرسی.

**مردانی:** به کلاس‌های تقویتی زبان و کامپیوتر می‌روم و در کنارش هم وقتی برای ورزش کردن می‌گذارم.

**دوست دارید دوباره کار تحقیقی به طور مشترک با هم انجام دهید؟**

**مشاری:** بله. تصمیم داریم درباره جهانی شدن تحقیق کنیم، هر چند که این موضوع هم سنگین است ولی این بار با تجربه بیشتر و با فرصت و منابع کافی و مشورت این کار را انجام می‌دهیم.

**مردانی:** خوشبختانه، مدرسه هم ما را یاری می‌کند و کتاب‌های مورد نیاز را برای انجام کار تحقیقی فراهم می‌کند و با توجه به تجربه خوبی که من و آقای مشاری داشتیم تصمیم داریم کار بعدی را با هم انجام دهیم.

## کدام کتاب‌ها بیشترین تأثیر را بر روند زندگی هنری شما داشته‌اند

### غلامحسین امیرخانی

این سؤال خودبه خود یک پاسخ از پیش تعیین شده دارد. اما گذشته از هر کتابی که اینجا بحثی مفصل می‌طلبد، زندگی من دارای ترتیب خاصی بوده و همین ترتیب و نظم از پیش مشخص شده، موجب روند مطالعه من بوده. البته بیش از هر کتابی من مدیون افرادی هستم که در محضرشان کسب فیض کرده‌ام. به این معنی که اگر در عالم ادبیات بوده‌ام، بهره مناسبی از آن برده‌ام و به سهم کوچک خودم، خادمی بیش نبوده‌ام.

### علی پویان

بیش از هر نویسنده‌ای این شکسپیر بوده که خط و ربط کار من را مشخص کرده. من هر بار که شاهکارهایی چون هملت، شاه‌لیر و یا مکبث و اتللو را می‌خوانم، نه تنها در دنیایی نو سلوکی دوباره می‌کنم، بلکه واژه به واژه دچار تحول و شگفتی می‌شوم. به گمان من شکسپیر بهترین است.

## کتاب

### موسوی با مادر و رنگ زندگی

«مادر» و «رنگ زندگی» عنوان دو نمایشنامه از سیامک موسوی است که توسط نشر افلاک منتشر شده است. «مادر» که در واقع یک نمایشنامه سه شخصیتی است، در ۶۱ صفحه به قطع پالتویی و شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و «رنگ زندگی» که نمایشنامه «آقای ریس نمی‌آید» را هم به همراه دارد، در ۳۸ صفحه منتشر شده است. لازم به ذکر است که نمایشنامه «مادر» به قیمت ۲۵۰۰ ریال و «رنگ زندگی» به قیمت ۳۰۰۰ ریال منتشر شده است. در ضمن از سیامک موسوی تا به حال آثاری چون «نمایش در لرستان» از آغاز تا ۱۳۷۰» و «سوگ‌سرایی در لرستان» منتشر شده است.

سرگذر

سهیل محمودی

# یک سفرنامهٔ جمع و جور

**خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش**
**خداوندا نگهدار از زوالش**

همین که تلفن زنگ زد و دوستی از آن سوی سیم گفت: یک سفر شاعرانه به شیراز، دلم هولی شد. سفر، دل کندن، رفتن، دیدن، نجوای همسفران، با یاران، آن هم شیراز. شهر ادب و شعر. سفر، سفر تا شیراز. سفر مرا به در باغ هفت سالگی‌ام برد.

همین که از نام همسفران آگاه شدم، گفتم هستم. سال‌ها دلت لک زده بود که با این آدم‌ها بنشینی و از هر دری سخنی بگویی. بزرگ‌ها، منوچهر آتشی و م. آزاد.

و نسل بعدی‌ها: عبدالملکیان و ساعد باقری و قیصر امین‌پور و حسین اسرافیلی و فاطمه راکعی و پرویز بیگی و اسماعیل امینی و یدالله گودرزی.

و جوانترها و خیلی جوانترها: محسن وطنی، نیکبخت، سلطانی، احسان برانپور، محسن خاتمی و...

گفتم: می‌آیم. که چهار روز بالین جمع همراه شدن، گویزی است از این روزمرگی‌ها و روزمرگی‌های این شهر شلوغ. و مجال تنفس با عزیزانی که رؤیای تو بی‌تکلیف نشستن و دم زدن و شعر شنیدن و شعر خواندن با آنهاست.

و چون این جمع، جمعی نجیب است و دلش در گرو حبیب است، پس هزینه سفرش هم از جانب حبیب است.

چه از این بهتر؟ بی کشیدن بار منت کسی و جایی، بر روی شانه‌های زخمی روح.

گفتیم: با علی. و سه‌شنبه صبح راه افتادیم. یک اتوبوس ولوو، و شاعران به همراه خانواده‌هایشان. و الیته منوچهر آتشی و م. آزاد و قیصر امین‌پور هم قرار شد که با هواپیما بیایند. مراعات سن و سال آن دو بزرگوار و نیز مراعات حال جسمی این عزیز بگانه دیگر.

●●●

نیمه شب که به هتل رسیدیم، آقای شهریار مندنی‌پور آمده بود به دیدار جناب آتشی. و معرفی رسمی ما دو تن به یکدیگر. و سؤال جناب آتشی که: کجا؟

و جواب ما که: بر سر تربت خواجه.

و دوباره او که: این وقت شب؟ درهای حافظیه بسته است.

و پاسخ ما که: از پشت میله‌ها و دیوارها هم می‌توان پرنده‌ای را که در سینه می‌تاب است، به آن سمت و سو فرستاد.

و با عیال و پوریا راهی شدیم.

و عجب شکوهی دارد این خلوت شبانه حافظیه. از پشت میله‌ها، ایستاده‌ایم و امیان گریه می‌خندیم؛ یعنی یک نفر بتواند، بارندی و شاعری، با غزل و کتابه، با مع و معان و میخانه و خرابات و شیخ و محتسب و قلندر و مست، سختگیری ناخودآگاه جمعی ما شود! در طی این چند سده پر آشوب و پر فراز و نشیب. این نیمه‌شب، خلوت و پشت دیوارها و میله‌ها، مجال مناسبی است برای تفکر در رمز و راز این آبگی خواجه برای ما و تاریخ ما و ملت ما و آرزوهای ما. و در این حال و هوا که بی‌تکلف با خودم خلوت کرده بودم، بی بیم الین؛ و بی‌تسلیم «آن» می‌اندیشیدم، که حافظ نه آن است که این می‌خواهد و نه این است که آن می‌خواهد. حافظ خودش است. آینه‌ای روشن در برابر زمانه خود. راوی رنج‌ها و غم‌ها و شادی‌ها و شکست‌ها و پیروزی‌های روز و روزگار دگرگونه و ملتهب خویش. و نیز انعکاس آن زمانه و تاریخ به پسینیان خودش تا برسد به ما و از ما نیز تا دیگران. در برابر مفسدان طعنه‌ستیز بود و در دست‌های نابوران «ماهی گیر». خودش بود، خود خودش. و برای همین هم نمی‌توان او را به قطعیت مطلق خواند. بلکه با صراحت باید گفت که او کاملاً انسان بود، نه انسان کامل.؟

و عجبا ما که از جنس اویم و مخاطبان واقعی اویم، بی هر گونه تلیغ و تکذیبی، از همان سال‌ها که دستگاه چاپ در هند و سپس در ایران راه افتاد، بیش از هر کتاب شعری، دیوان خواجه را خریده‌ایم و در خانه‌ها داشته‌ایم و با آن تجارت کرده‌ایم. حافظ رکورد کتاب شعر در ایران را به نام خودش ثبت کرده است. و سال همه سال، هزاران مجلد از دیوانش به انواع و اقسام شکل‌ها چاپ می‌شود. و مردم هم می‌خرند و می‌خوانند و با غزل غزل و بیت بیت او زندگی می‌کنند. کجاید کسانی که دم از بحران مخاطب در شعر فارسی می‌زنند؟ اگر بحران مخاطبی هم در کار باشد، بحران مخاطب برای شعرهای امثال من و امثال آنهاست.

آدم بادوق و باحوصله‌ای آستین همت بالا بزند و ببیند در این صد و چند ساله، چه در بمبئی و چه در تهران و دیگر شهرهای ایران، چند صد هزار، چند میلیون نسخه چاپی از حافظ به دست مردم رسیده و چگونه و به چه شکل و قواره و حروف و خط و تذهیب منتشر گردیده. این کار، از آن پژوهش‌هایی است که روی خیلی از مدعیان «جعله» شعر را که می‌خواهند «غور» نشده، «موز» باشند، کم خواهد کرد.

این که حافظ است، چاپ مجموعه شعرهای سپهری و فروغ و شاملو و اخوان و نیما و مشیری و سایه هم می‌تواند، این دچارشدگان به کمبود مخاطب در شعر امروز ایران را دچار حیرت و شگفتی کند. بسم‌الله. جوانمردی چراغ اول را روشن کند و دست به این کار پژوهشی بزند.

●●●

انتشارات نوید شیراز، است و برگزاری نمایشگاه تابستانی کتاب در بولوار چمران شیراز، در محوطه باز ساختمان «ام‌آی‌آر» که یک مرکز پزشکی و پر رفت و آمد است. و عبدالملکیان است که در این سفر فالاووز ماست و میلدار جمع. که می‌گوید:

-به آقای نوید گویی، «مدیر نوید شیراز» وعده کرده‌ایم در افتتاحیه این نمایشگاه شرکت کنیم. و عصر پنجشنبه راهی می‌شویم.

در فضایی پر درخت، در کنار افراهای سربلند، نمایشگاه بادوق و سلیقه‌ای برپا شده و جمعی از اهالی فرهنگ و هنر و ادبیات دور هم‌اند. صندلی‌هایی چیده‌اند و میهمانان آمده‌اند و با فالوده معروف شیرازی کامی شیرین می‌کنند. پیشکسوت‌های شیرازی را می‌بینیم و شاد مانیم از برگزاری چنین نشستی.

با معرفی مجری برنامه آقای دکتر محترمی که مشارکتی در برپایی این نمایشگاه داشته پشت تریبون می‌رود و درباره تکنولوژی پیشرفته استفاده شده در تأسیسات پزشکی مجتمع صحبت می‌کند. و صد البته ما که شاعران و نویسندگان باشیم از صحبت‌های لازم و مفید ایشان، چیزی سر در نمی‌آوریم.

و بعد نوبت می‌رسد به محمدحسین همافر، مدیر کل ارشاد استان. صحبت‌های ارزشمند او درباره چنین نمایشگاههایی، و میهمان‌هایی که از تهران آمده‌اند. و صحبت‌های من و قیصر امین‌پور و عبدالملکیان به شکل درگوشی که چه غنیمتی است حضور این همافر شاعر و دوست ما. در اداره ارشاد منطقه، که خودش اهل هنر است و سلوک با هنرمندن را خوب می‌داند. و بخشی از این سفر هم به صفای همراهی او ممکن شده است.

مجری جوان و عزیز برنامه می‌گوید: شاعران بزرگ ایران‌زمین در اینجا جمع‌اند و چه و چها.

و بعد هم از میان شاعران و نویسندگان میهمان و میزبان، مرا به عنوان کوچکترین میهمان‌ها به پشت تریبون دعوت می‌کند.

و من می‌روم و اول همه محبت آن عزیز را در معرفی جمع تصحیح می‌کنم که: وقتی می‌گوید شاعران بزرگ ایران، من بر این باورم که: فردوسی، ناصرخسرو و سنایی و خاقانی و نظامی و عطار و مولوی و سعدی و خواجوی کرمانی و حافظ و... باید در اینجا باشند. چرا که شاعران بزرگان ایران قطعاً همانهایند. و ما کوچک‌ها و کوچکترها اگر سخن و حضورمان در عرصه ادب ارزشی داشته باشد، سرسپردگی بر آستان ایشان است. ما افتخار می‌کنیم که آن بزرگان را می‌شناسیم و با آثارشان زندگی کرده‌ایم و میراث گرانقدرشان به دستمان رسیده است و امیدواریم که حقطلبی شایسته برای آنها باشیم. همین.

و بعد سلام می‌کنم به بزرگان جمع: محمدمهدی جعفری، که بخشی از اندیشه‌های دینی و تفکر اجتماعی اسلامی به همت پیشکسوتان او، مانند سید غلامرضا سعیدی، آیت‌الله طالقانی، دکتر یدالله سحابی، مهندس مهدی بازرگان، استاد محمدتقی شریعتی، دکتر علی شریعتی، دکتر جعفر شهیدی، استاد محمدرضا حکیمی و... و... به نسل او و پس از آن به نسلی که ما باشیم رسیده است.

و سلام می‌کنم به امین فقیری و ابوالقاسم فقیری، که بسیاری چون من، خاطرات نوجوانی و جوانی‌اشان، از قصه‌های دردمندانه آنها و پیشکسوتان و همنسل‌هایشان مثل صمد بهرنگی و علی‌اشرف درویشیان و احمد محمود و سیمین دانشور و... سرشار شده است. و عرض ادب می‌کنم به جناب ذوالریاستین و پرویز خانلی. و درود می‌فرستم به روان شاپور بنیاد.

و تأسف می‌خورم که چرا در جمع ما، جناب منصور اوجی و دکتر رستگار فسایی حضور ندارند.

و بعد هم عبدالملکیان می‌آید و دسته گلی را که تدارک دیده به دست جناب آتشی و جناب م.آزاد می‌سپارد تا تقدیم آقای نویدگویی کنند.

و سپس شعرخوانی جناب پرویز خانلی. و علذرخواهی ما بعد از آن، که باید برای جلسه شعرخوانی بر مزار خواجه که دم غروب برگزار می‌شود، حاضر شویم... و خدا حافظی.

●●●

سر راه دیدار کوتاهی هم بدیدِ می‌آید با تربت باصفای شیخ، در کنار تنگه الله اکبر. دیداری سریع اما عمیق و با حس و حال و خواندن دسته‌جمعی دو غزل از شیخ، که تقریباً تعجب بازدیدکنندگان دیگر را هم برمی‌انگیزد. اما خیالی نیست. هیچ آدابی و ترتیبی محجو.

و عجبا، بیرون از محوطه تربت شیخ اجل، مردی چند پرنده آورده و فال حافظ می‌گیرد. این هم از رندی‌های خواجه، که در کنار مقبره شیخ هم حضور خود را تثبیت کرده است. آن‌هم با همان زیرکی تمال به دیوان آسمان بنیان خود. شگفتا چه ساحری است این حافظ رند یک لاقبای آینهٔ مشرب.

●●●

شیراز، یعنی فرهنگ، ادبیات، شعر، موسیقی، معماری، کتاب، هنر، ذوق و تاریخ. نه تاریخ پرتلاطم روزگار خواجه به قرن هشتم، که یکی از پرعبرت‌ترین دوره‌های تاریخی در این سرزمین است. بلکه قرن‌ها آن‌سوتر.

حضور در تخت جمشید. در ظهری گرم و با آقایی تند. و هر سنگ و تخت و ستونی از این بنای عبرت‌نور، به حکمتی، به بصیرتی و به دقتی دعوت می‌کند، که از غفلت بپرهیزی. این شکوه تخت جمشید، فریاد تاریخ است و هشدار و زهرای عجبه. و اولین چیزی که به یادت می‌افتد قصیده خاقانی است در وصف ایوان مدائن:

هان ای دل عبرت‌بین از دیده عبر کن هان!
و ایات بسیاری از آن را به کمک حافظه‌ای که هنوز برقرار است زمزمه می‌کنی:

ندانله هر قصری پندی دهدت نو تو
پند سر دندانه بشنو ز بن دندان

و این سنگ‌ها و خشت‌ها و ستون‌ها هم هر یک کتابی‌اند گشوده، در برابر تو. کتابی از سنگ. کتابی که با مرور و دیدنش، آن را خوانده‌ای و دریافته‌ای.

کتابی گشوده و پهن شده در زیر آفتاب. تند تیر ماه و گرمای طاقت‌فرسای تابستان. خدا کند که توانسته باشیم در آن چند ساعت این اثر بزرگ را خوانده باشیم.

و باز هم حافظ:

سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود
که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند
با علی مدد

**پی‌نوشت:**

۱- تعبیری از استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن. ایشان حافظ را سخنگوی ناخودآگاه جمعی ما ایرانیان دانسته‌اند. تعبیر زیبا و عمیقی است.

۲-این تعبیر را اول بار حضور از زبان دکتر رستگار، جناب بهاءالدین خرمشاهی، حافظ پژوه سخنگوش و موثق هم روزگارمان شنیده‌ام. کشف این نکته و بیان هنرمندانه آن، از آن کلیدهای گشایش ما در رویه‌رویی با شعر و شخصیت منثوری حافظ است. بعدها در نوشته‌های جناب خرمشاهی همین تعبیر را دیدم.

راسته کتابفروش‌ها

نصرالله حدادی

## گرمای هوا، سرمای کتاب

**تیرماه امسال، شاهد یکی از کم سابقه‌ترین رکودها بر بازار کتاب بودیم آن چنان سرمایی بر بازار کتاب حاکم بود که گرمای بالای چهل درجه هوای تهران، نتوانست یخ آن را بشکند و آب کند.**

**با گشت و گذاری در بازار کتاب، بدون استثنا همگی از رکود بازار می‌گفتند و تب و تاب مسائل سیاسی، گرانی روزافزون، فرا رسیدن تعطیلات، برگزاری کنکور، گرمای هوا، مطالعه گریزی مردم در فصول گرم سال و دلایل دیگری از همین دست را علت العلل می‌دانستند. امری که هرگز برای خیل ناشران کشور، غریبه نبوده و نیست، اما شدت بی‌اعتنایی مردم به کتاب آن هم تا این حد، قدری باعث تعجب بود و هست. چرا مردم کتاب نمی‌خوانند؟**

**علل زیادی را می‌توان برشمرد و اهل فن بارها آن را بازگو کرده‌اند و تمامی آنانی که در راه «بیرون یافت» از این معضل تلاش می‌کنند، قصدشان «کتاب خوان» کردن مردم است.**

**نکته جالب در بازار کتاب در تابستان امسال - البته تا امروز - این است که به رغم ایجاد سر و صدا پیرامون یکی دو کتاب و احضار نویسندگان و ناشران این کتاب‌ها به دادگاه واکنش چندانی را از سوی «اهالی کتاب» شاهد نبودیم و کم و بیش این کتاب‌ها در اغلب کتاب فروشی‌ها یافت می‌شدند و امروز هم شاید بشوند. اما در گذشته نه چندان دور، کافی بود در «بازار کتاب چو بیفتد»، که فلان کتاب، فلان اتفاق برایش افتاده است و همین شایعه چند کلمه‌ای کافی بود تا در نیم روز کتاب نایاب شود و سر از «بازار سیاه» درآورد و یا به صورت زیراکسی به بازار قاچاق کتاب راه یابد. اما امسال چنین نبود، چرا؟**

**این رکودی ساده، در حالی است که بسیاری را شاهد هستم تلاش‌های جدیدی را آغاز کرده‌اند تا نیز اند کتاب را ساده و آسان در داخل و خارج از کشور به دست خواهان و مشتری کتاب برسانند. ایجاد سایت‌های اینترنتی متعدد، ایجاد پیک های متعدد کتاب رسانی همراه با چاپ بروشورهای تبلیغاتی از ناشران مختلف، تبلیغ در رسانه‌های جمعی، و کارهایی از این دست را هر روز شاهدیم، اما شمارگان کتاب هر روز پسرفت دارد و «روز به روز، دریغ از دیروز» می‌شود به راستی چرا به این میزان مطالعه گریزی اوج گرفته است؟**

**دو سال پیش در تیرماه ۱۳۸۰، در نقد طرح «کتاب در دسترس» نوشتم: «با لقه‌های ذهنی را نباید یافته‌های عینی» تلقی کرد و نسخه‌هایی پیچید که دردی از کتاب را دوا نمی‌کند و از سوی طراح محترم آن متهم شدم که بدبینانه به فضایا می‌نگرم و بدون اطلاع دست به قلم برده‌ام و این در حالی بود که طراح محترم قول داده بودند، شمارگان کتاب را طی دو سال - یعنی تا همین روزهایی که در حال طی کردن هستیم - به پانزده هزار نسخه خواهند رساند و امروز باید بگویم حتی نسبت به دو سال پیش هم خواهان کمتری را برای کتاب شاهد هستیم و اگر دو سال پیش بودند ناشرانی که کتاب در شمارگان سه هزار نسخه به چاپ می‌رساندند امروز با دست و دلی لرزان هزار و پانصد نسخه کتاب آنها مجال برای بازار کتاب می‌یابد. به عبارت بهتر یک دهم وعده داده شده، و «نه از تاک نشان است، و نه از تاکستان» و طرح و طراح به سکوت رفته‌اند. چرا؟**

**باور کنیم با برخورد مجرد و تبلیغ صرف، نمی‌توانیم مردم را با کتاب آشتی دهیم هر امری باید ابتدا به صورت یک نیاز در آید و آنگاه خواهان یابد. چرا بازار کالای مضر و خطرناکی مثل سیگار، روز به روز بهتر می‌شود و اولیای امور از چهارگوشه عالم سیگار وارد می‌کنند و کارخانه ایجاد می‌کنند تا «اهالی دخانیات» بی‌دود نمانند؟**

**عاشق و معشوق به یکدیگر کشش دارند و به رغم جلوگیری از تبلیغ، سیگار، پشت سیگار، قد و نیم قد به بازار می‌آیند و با طعم‌ها و رنگ های مختلف دلفریبی می‌کنند و بازارشان گرم گرم است و دلیل روشن و واضح است، کشیدن سیگار به صورت یک «نیاز ملی» درآمده و میلیون‌ها نخ آن روزانه دود می‌شود و به هوا می‌رود، اما کتاب خیر. آن نیاز است و در این یکی، در عین بی‌نیازی هستیم**

**بحث تکراری است و خسته کننده، تا زمانی که عوامل کتابخوانی، همچون آرامش همراه با امنیت کافی برای کتاب و کتابت، بالا رفتن قدرت خرید مردم، دور کردن حس حذف و خودسانسوری، فضیلت شدن کتابخوانی و دهها عامل دیگر را فراهم نیاوریم، «کوشش بی فایده است، وسمه برابروی کور» و بازار کتاب همین هست که هست. حقیقت تلخ است، اگر آن را بپذیریم. تا نظر شما چه باشد؟**

**و بیگمان اگر اهل کتاب، ایمان آورند و پرهیزگار شوند، بدیهایشان را از آنها بزداییم و آنان را به بهشتهای پرنعمت درآوریم.**

قرآن کریم، سوره مائده (۵)، آیه ۶۵

**یک حدیث بفهمی بهتر است از آن که هزار حدیث [نفهمیده] نقل کنی.**

امام صادق (ع)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۱۳۲۹، به نقل از معانی الاخبار

**درسلسله نشست های قرآن پژوهی مطرح شد:**

# آیت الله معرفت: شبهه یکی از نعمت های الهی است

**منوچهر محسنی**

اولین جلسه از سلسله نشست های قرآن پژوهی به همت «مرکز توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» برگزار شد.

در این نشست که با عنوان «پاسخ به شبهات پیرامون قرآن کریم» برگزار می شد، آیت الله محمدهادی معرفت درباره «شبهه» گفت: «شبهه یکی از نعمت های الهی است و اساساً اگر شبهه ای در کار نبود، دانشی هم نبود.» وی افزود: «دانشمند شک می کند و به هر چیزی در جهان ابتدا با دید تردید نگاه می کند و این چون و چرا مبدأ حرکت هر تحقیق علمی از جمله در علوم دینی است. یک فقیه هم در آرای فقهای پیشین شک می کند و به دنبال تحقیق می رود.» آیت الله معرفت با اشاره به حدیث «اختلاف امتی رحمة» گفت: «همین اختلاف نظرها باعث حرکت علمی عمیق می شود. به هر حال شبهه به معنای جنگ نیست و کسی که آن را مطرح می کند نیز معاند نمی باشد. شبهه وقتی مطرح می شود که در مسأله ای تردید وجود داشته باشد.»

این قرآن پژوه با تقسیم شبهات به دو نوع جدید و قدیم گفت: «بعضی شبهات درباره قرآن قدمت ۱۰۰۰ ساله دارند و برخی را هم که من دنبال کردم، فخر رازی و قبل از او هم مطرح کرده اند.» وی افزود: «اما شبهاتی است که جدیداً پیدا شده است. یکی درباره منابع قرآن است که قرآن معلوماتش را از کجا گرفته است؟ مسأله دیگر درباره ساختار قرآن یا ترکیب الفاظی آن است و اینکه کلام قرآن متعلق به خداوند است یا ساخته خود پیغمبر است و مفاهیم به پیامبر القا می شد و ایشان از اطراف و مکان های مختلف جمع آوری کند و به مردمش عرضه کند. اینها می گویند که مسائلی در قرآن است که با علم و تاریخ و واقعیت تطابق ندارد و گاهی تضاد دارد. پس چون تضاد دارد نمی شود وحی باشد، چون خدا اشتباه نمی کند پس این اشتباه از پیامبر است.» وی درباره زمینه های داخلی پیدایش شبهه نیز گفت: «یک سری برداشت هایی از قرآن داریم که پیشرفت علم با آنها تطابق ندارد و همین مایه شبهه می شود. به همین دلیل من معتقدم که تفسیر قرآن یک کار گروهی است، یعنی متخصصان در علوم مختلف باید با هم به این کار بپردازند.»

این مفسر قرآن در ادامه به شبهه های پاسخدهی و مواجهه با شبهات قرآنی پرداخت و گفت: «کسی که شبهه دارد نباید به عنوان معاند پذیرفته شود، شبهه نوعی ناراحتی و نگرانی است و باید برطرف شود.» وی با اشاره به روش ائمه اطهار(ع) در برخورد با شبهات قرآنی گفت: «روش ائمه روشی متین و برخوردی معقول و مستدل بود و ما باید روش ائمه را به کار ببریم.»

آیت الله معرفت در پاسخ به برخی از مهمترین شبهات در زمینه قرآن نیز تصریح کرد: «اینکه گفته می شود علم قرآن مخصوص ائمه است درست نیست و باب علم قرآن بر هیچ کس بسته نیست چون قرآن برای هدایت بشر است و ائمه اگر آیه ای را تفسیر کرده اند نمونه و برای آموزش چگونگی تفسیر بوده است. اساساً ائمه اطهار(ع) مردم را به سمت قرآن سوق می دادند.» وی مخاطب قرآن را عموم مردم دانست و گفت: «مخاطب قرآن عموم مردم هستند ولی در عین سخن با عامه مردم خواص هم متوجه می شوند و از آن بهره می گیرند.» این قرآن پژوه در مورد آیات ناسخ و منسوخ و اعجاز علمی قرآن نیز یادآور شد: «در قرآن اساساً آیه ناسخ و منسوخ نداریم و اعجاز علمی هم از اول مطرح نبوده است بلکه اخیراً مطرح شده است. ما اعجاز بیانی و معنوی داریم.»

آیت الله معرفت در ادامه به سؤالات حاضران در جلسه پیرامون شبهات قرآنی پاسخ داد.

گفتنی است آیت الله محمد هادی معرفت به سال ۱۳۰۹ ه. ش در کربلا متولد شد و پس از فراگیری مقدمات فقه و اصول به نجف اشرف و سپس حوزه علمیه قم رفت و از محضر درس علمای بزرگی بهره گرفت. وی تحقیقات خود را در فقه و علوم قرآن ادامه داد و خصوصاً پیرامون مسائل قرآنی و موضوعات آن تحقیقات ارزنده ای ارائه داد. در این زمینه آثار ارزشمندی به رشته تحریر درآورده که از آن جمله است: تاریخ قرآن، صیانة القرآن من التحریف، علوم قرآنی، التفسیر و المفسرون فی ثوب قشیب (۲ جلد)، التمهید فی علوم القرآن (۶ جلد) و شبهات و ردود حول قرآن الکریم.

روایت و رو

## با دکتر فاروق صفی زاده و آثار در دست انتشارش

# اینجا مهد دانش جهان است

«زمینه فعالیت من بیشتر در حول و حوش ایرانشناسی در زمینه های مختلف است. کتابهایی که به زبانهای کردی و فارسی به چاپ رسانیده ام بیشتر در همین زمینه بوده است. البته در زمینه ادبیات و دین هم کارهای زیادی کرده ام. چند مجموعه شعر و رمان از من چاپ شده است. بیش از دو هزار مقاله علمی نیز در همین زمینه ها از من در نشریات مختلف ایران و خارج از کشور به چاپ رسیده است. از آنجا که بیشتر کتابهایی که در زمینه ایرانشناسی و تاریخ ایران باستان چاپ و منتشر می شوند، با کجی برداری اند و یا ترجمه، ضرور دیده ام که در این زمینه با یافته های دقیق باستانشناختی به تحریفهای تاریخی بپردازم و نکات نو و بدیعی را منتشر سازم. باید گفت تاریخ ایران پر از تحریف است که متأسفانه این تحریفها کماکان به توسط پژوهشگران و نویسندگان خودی تکرار می شود. در کتابهایی این تحریفها را مورد بررسی موشکافانه قرار داده ام. تقریباً بیشتر کتابهای من در نوع خود چیز جدید و بدیعی را ارائه کرده اند. در حقیقت خواسته ام کتابی را که منتشر می کنم، مسائل بدیع و تازه ای برای خواننده داشته باشد وگرنه تکرار مکررات چه لزومی دارد؟ بر همین اساس در بازار کتاب واقعاً جای کتابهایی از این دست خالی است؛ یعنی کتابهایی که مسائل و نکات مهم تاریخی، اجتماعی و غیر آنها را از دیدگاه نو و بدیع ارائه بدهد. حتی شاید جای برخی از این کتابها در کشورهای دیگر هم خالی باشد. حتی در شعر و رمان هم نوآوری نداشته ایم و بیشتر تقلید از گذشتگان بوده و این فاجعه است. در زمینه تاریخ هم احتیاج به نگارش نکات تازه و روشنسازی نقاط مبهم و تاریک تاریخ ایران زمین داریم. بر همین اساس با همکاری دوستان، تصمیم گرفتیم ماهنامه ای را در زمینه پژوهشهای ایرانشناسی منتشر سازیم به نام آناهید که خوشبختانه اولین شماره آن زیر چاپ است. در این مجله، مقالاتی نو و بدیع از نویسندگان طراز اول کشور آورده شده که انتشار خواهد یافت.»

**دکتر فاروق صفی زاده (بوره کهیی) به سال ۱۳۴۶ خورشیدی، در شهر باستان به دنیا آمده است. پدر و مادرش از مبارزان نهضت ضد استعماری کردستان بودند که سالها با رژیمهای حزب بعث عراق و سوریه و رژیم آتاترک و رژیم گذشته ایران مبارزه کردند. دارای مدرک دکتری در رشته های فرهنگ و زبانهای باستانی، تاریخ، الهیات، علوم سیاسی، ایرانشناسی و تاریخ سیاسی است. درجه اجتهاد در فقه شافعی نیز گرفته است. شعر می سراید و با زبانهای اوستایی، پهلوی، پارسی، مادی باستان، سانسکریت، عربی، کردی، ترکی، فارسی و انگلیسی آشنایی بسیار دارد. به مدت ۱۱ سال سردبیر نشریه «اصحاب انقلاب» و به مدت ۱۴ سال مسئول بررسی کتابهای کردی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.**

**وی هم اکنون از اعضای اداره سیاستگذاری حوزه نمایندگی ولی فقیه (کمیسیون اقوام و مذاهب و مدیریت اهل سنت)، مسئول مؤسسه فرهنگی، هنری، ادبی و انتشاراتی مهر جام و سازمان انتشارات و چاپ ایران جام، عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه بین المللی هاوایی آمریکا، رئیس دپارتمان ایرانشناسی، تاریخ، فرهنگ و زبانهای باستانی، قائم مقام سازمان انتشارات بوره کهیی (مرکز نشر و پژوهشهای ایرانشناسی)، مدیر مؤسسه فرهنگی سازمان جوانان آریایی، عضو مؤسسان جمعیت پیشاهنگان آینهای ایرانی و از اعضای شورای سردبیری با نویسندگان چندین نشریه از جمله: آناهید، در آستانه ی فردا، چیستا، سروه و... است.**

**چندین اثر در دست چاپ دکتر فاروق صفی زاده، به ویژه آثار دین پژوهانه او از جمله قرآن پارسی (ترجمه قرآن به پارسی سره) انگیزه ما برای گفت و شنودی با او شد.**

«مدت یک سال و اندی است که با همکاری استاد بهاءالدین خرمشاهی به ترجمه قرآن به پارسی سره پرداخته ام. این ترجمه که به پارسی روان است، به قول آقای خرمشاهی، نخستین ترجمه فارسی سره از قرآن است که هر کس آن را بخواند به راحتی می تواند بفهمد، به دور از واژه های نامأنوس که برخی از سره نویسان از آن سود می جویند. واژه های پارسی سره ای که

**◆ تاریخ ایران پر از تحریف است که متأسفانه این تحریفها کماکان به توسط پژوهشگران و نویسندگان خودی تکرار می شود**

این جانب در این ترجمه از آنها سود جسته ام، واژه هایی هستند که در متون فارسی- مثل شاهنامه، تاریخ طبری، تاریخ بیهقی و غیره- آمده اند. تنها چند واژه نامأنوس در این ترجمه دیده می شود. مثلاً برای واژه «زکات»، واژه پارسی «بازکیش» را به کار برده ام و برای «فتوا» نیز که یک واژه ایرانی است- «پتواح» Patwaj- بهلوی را به کار برده ام. مقدمه ای نیز برای این ترجمه نگاشته ام که به توسط سازمان انتشارات ندیر به صورت جدا چاپ می شود. در این مقدمه که با دیباچه استاد بهاءالدین خرمشاهی است، به واژه های ایرانی (پهلوی، اوستایی و پارسی باستان) در قرآن پرداخته ام. سپس ایرانیان در قرآن را مورد بررسی

قرار داده ام. در بخشی به مخالفتهای قیاسی املایی قرآن اشاره کرده ام. سپس به بحث تحریف قرآن و برخی سوره ها که احتمال داده اند از قرآن حذف شده است، پرداخته ام. چند مطلب علمی و تحقیقی دیگر را در این مقدمه آورده ام که این مقدمه، در حال حاضر برای چاپ و نشر آماده شده است. در این زمینه با نشریه «گلستان قرآن» مصاحبه ای مفصل کرده ام.

«یهودیان آریایی» تحقیقی جامع از دکتر صفی زاده در پیرامون منشأ معتقدات یهودیان و اثبات این است که حضرت ابراهیم (شیخ الانبیا) ایرانی بوده و به «ابراهیم زردشت»، نامی بوده است. اثبات آریایی بودن یهودیان، تطبیق عقاید یهود و قصص تورات (آدم و حوا و...) با قصص سومریان آریایی، اثبات آریایی بودن سومریان که به خود «هوریک» یا «خوریک» می گفته اند، بررسی و تحلیل عهد عتیق و شخصیت موسی(ع)، یهودیان در ایران باستان، بنیادهای مسیح و مسیحیت، تحقیقی درباره کابالا (قبالا) کهنترین عرفان آریایی یهود، جلیپا (صلیب شکسته) و ارتباط آن با ستاره داوود (دو نماد مهری)، بحثی در دین موسی و ایخناتون (اولین فرعون خدایرست مصر)، بحثی درباره تناسخ در آیین یهود و آیینهای ایرانی، بنی اسرائیل در قرآن، مدفن پیامبران بنی اسرائیل در ایران و... از دیگر موضوعهای مطرح شده در این کتاب در دست چاپ اند.

**«کوروش کبیر در قرآن و روایات اسلامی» که از دیگر آثار قریب الانتشار شماست، چه تفاوتی با آثار پیشینیان درباره تطابق ذوالقرنین و کوروش دارد و در این اثر چه پژوهشهایی نو داشته اید؟**

بسیاری از مفسران قرآن، از دیرباز در تفاسیر خود با دلایل تاریخی ثابت کرده اند که ذوالقرنین قرآن همان کوروش کبیر هخامنشی است. در این کتاب به اثبات این مسئله از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی پرداخته ام. برای نمونه احادیثی از ائمه معصوم- امام جعفر صادق(ع) و...- داریم که آنان نیز فرموده اند ذوالقرنین یکی از پادشاهان ایران بوده است.

برخی از مفسران نیز گفته اند ذوالقرنین همان اسکندر یا الکساندر مقدونی است. در این کتاب ثابت کرده ام که وجود شخصیتی به نام الکساندر مقدونی بر پایه تاریخ و منابع باستانشناختی از بیخ و بن دروغ است. ما در ایران شخصیتی به نام اشکتنار مغانی داشته ایم که بنیانگذار سلسله اشکانی است. این شخصیت را با الکساندر مقدونی- یک شخصیت افسانه ای- درآمیخته اند و اسکندر را از آن ساخته اند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، آیت الله ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و بسیاری دیگر با دلایل تاریخی ثابت کرده اند که ذوالقرنین همان کوروش کبیر هخامنشی است. در این کتاب اقوال گوناگونی در معنی «ذوالقرنین» بررسی شده و با پژوهشهای دیگر درآمیخته است.

بنده در کتاب خودم با دلایل قرآنی، روایی، زبانشناسی، باستانشناختی و تاریخی، ثابت کرده ام که ذوالقرنین همان کوروش کبیر هخامنشی است.

«ادیان باستانی کرد» -اثر دیگر دکتر صفی زاده- با سود جستن از ۶۰۰ منبع مهم خارجی و داخلی نوشته شده که نخستین تحقیق جامع و گسترده در تاریخ ادیان کرد است. مؤلف در این کتاب به زرتشت کرد پرداخته و به نه زرتشت که

در ایران بوده‌اند. همچنین به بحث تناسخ از دیدگاه قرآن و کتب دینی اشاره کرده است. درباره طریقتهای عرفانی و دینی فعلی کردها نیز اشاره‌هایی آورده و سپس به واژه دین، تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان، فایده تاریخ ادیان، منشأ دین، تحول و تکامل علم تاریخ ادیان، اساطیر الاولین، دین و پیشرفت علوم و تمدن پرداخته است. آن‌گاه به ادیان ابتدایی، ادیان جادویی، تابو، عقاید و دینهای آریاییان قدیم، زرتشت و دین او، تأثیر دین زرتشت در ادیان دیگر و محل تولد و تاریخ ظهور زرتشت به طور دقیق اشاره کرده است. آن‌گاه آیین زروانی و بودایی را مورد بررسی علمی قرار داده و پس از آن به دین مانی و مزدک و ادیان دیگر کرد پرداخته است.

**دکتر فاروق صفی‌زاده منشأ دموکراسی را در ایران باستان می‌داند. کتاب «دموکراسی در ایران باستان» از دیگر آثار در دست انتشار اوست:**

«بر پایه متون باستانی و سنگنوشته‌ها در این کتاب ثابت کرده‌ام که اصولاً چیزی به نام دموکراسی در ایران باستان شکل گرفته است نه در یونان که بربریت در آنجا رواج داشته است. در کتب یونانیان، دموکراسی یک نوع انحطاطی است و اصلاً آزادی و دموکراسی به شیوه امروزین در یونان وجود نداشته، بلکه در ایران باستان این امر صورت پذیرفته است و از کهنترین زمانهای باستانی، حکومتهایی که در ایران روی کار آمده‌اند بر پایه دموکراسی بوده‌اند. این تحقیق را بر پایه متون اوستایی و پهلوی و سنگنبشته‌های به دست آمده و تاریخ مکتوب ایران باستان به انجام رسانیده‌ام.»

«از زردشت تا ملاصدرا» به دانشمندان بزرگ ایرانی از زمان زرتشت نخست (چهارده هزار سال پیش) تا ملاصدرای شیرازی پرداخته است. دکتر صفی‌زاده، در این کتاب در پی اثبات آن است که نظریه نسبیت - که به نام اینشتین ثبت شده - از آن زرتشت نخست بوده، سپس در آیین مانی به طور علمی مورد استفاده قرار گرفته، آن‌گاه پس از اسلام، سهروردی و عرفای اسلامی به آن پرداخته‌اند تا زمان ملاصدرا که وی در کتاب فلسفی خود (اسفار) به طور علمی در بحث حرکت جوهری به این نظریه پرداخته و فیزیک کوانتوم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. بعدها پس از ترجمه آثار ملاصدرا به زبان آلمانی، اینشتین از روی نظریه ملاصدرا، نظریه نسبیت را در جهان به نام خود منتشر می‌کند.

**ظاهراً شما بر این عقیده‌اید که منشأ بسیاری از تحولات بزرگ جهان در ایران قدیم بوده است؟**

چرا نه؟ بیشتر نوآوریهایی که امروز به نام غیر ایرانیها در جهان مطرح است، بر پایه یافته‌های باستانشناختی و متون مکتوب از آن ایرانیان بوده است. برای نمونه جاذبه زمین را ما در کتاب اوستا به خصوص در کتاب پهلوی دینکرد Dinkerd داریم. در اوستا و دینکرد صریحاً به کرویت و جاذبه زمین اشاره شده است. خوارزمی و یکی دیگر از دانشمندان در قرن دوم هجری (۱۲۰۰ سال پیش) در کتاب خود به جاذبه و کرویت زمین اشاره کرده‌اند.

۶۰۰ سال بعد از این دانشمندان، نیوتن از روی مطالعه کتابهای این دانشمندان ایرانی، جاذبه زمین را به نام خود و سپس گالیله کرویت زمین را به نام خود ثبت می‌کند. در صورتی که ایرانیان نخستین کسانی بوده‌اند که به جاذبه و کرویت زمین اشاره کرده‌اند. یا در ایران، در ۶ هزار سال پیش، الکتریسته داشته‌ایم؛ یعنی برق بدون خطر. قرنها بعد، اختراع لامپ برق به نام ادیسون در قرون حاضر ثبت شده است در حالی که لامپهای برقی در موزه بغداد متعلق به شش هزار سال پیش موجود بود. علومی همچون نجوم، پزشکی، فیزیک و فلسفه از ایران باستان بوده است. ما نسخه‌هایی پزشکی را متعلق به ۹ هزار سال پیش به دست آوردیم. در این نسخه‌های پزشکی صریحاً پزشک، نوشته است که این غذا را بخور، این غذا را نخور و داروهایی را تجویز کرده است. من در مقاله‌ای به نام کهنترین نسخه‌های پزشکی در ایران باستان، به این موضوع اشاره کرده‌ام. به همین خاطر بیشتر علوم جهانی از آن ایرانیان بوده است.

خدمات ایرانیان به اسلام نیز بسیار چشمگیر است. مثلاً نخستین قراء قرآن ایرانی بوده‌اند. همه پیشوایان مذاهب اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) ایرانی هستند. نخستین کسانی که قرآن را تفسیر و معنی کرده‌اند، بر پایه تاریخ، ایرانی بوده‌اند. ایرانیان برای نخستین بار بر روی قرآن اعرابگذاری کردند. در قرن چهارم هجری، ایرانیان قرآن را با تجوید درآمیختند. قبل از قرن چهارم قرآن به درستی خوانده نمی‌شد. ایرانیان این خدمت بزرگ را به اسلام کردند. در ترویج اسلام، ایرانیان بودند که اسلام را با مبانی علمی درآمیختند و آن را شناختند و به همه شناساندند به طوری که پیامبر مکرم درباره سلمان فارسی می‌گوید: «قوم سلمان، اگر علم در ثریا باشد، آن را به دست می‌آورند.» احادیث زیادی در این باره هست. در قرآن نیز مجوس یا زردشتیان با نام اهل کتاب نام برده شده‌اند. اگر حضرت ابراهیم را زردشت آخر بنامیم، هم از زردشت نخست به نام مجوس نام برده شده و هم از زردشت آخر به نام حضرت ابراهیم. در این اواخر نیز صلاح‌الدین ایوبی کرد ایرانی، با فتح بیت‌المقدس، اسلام و علوم اسلامی را در اروپا منتشر ساخت که همین خدمت وی سرآغاز رنسانس در اروپا گردید. یعنی بانی رنسانس اروپا را باید صلاح‌الدین ایوبی کرد ایرانی بدانیم چراکه صلاح‌الدین ایوبی دم و دستگاه کشیشان انحصارطلب را در هم پیچید و پس از حکومت فاشیستی کشیشان، مردم اروپا با اندیشه و علوم اسلامی آشنا شدند و رنسانس به وجود آمد.

متأسفانه چند سالی است از سوی عده‌ای ناآگاه به تاریخ و فرهنگ ایران باستان، کتابهایی بی‌محتوا و غیر علمی به چاپ می‌رسد که ضمن توهین به مفاخر ملی و دینی ایرانی، بنیاد تاریخ ما را هم خدشه‌دار کرده و تأثیر بسیار بدی روی برخی افکار گذاشته است. یافته‌های باستانشناختی ثابت کرده که ایران زمین مهد همه دانشها از جمله: علم پزشکی، ستاره‌شناسی، فلسفه، سیاست،

**◆ خدمات ایرانیان به اسلام نیز بسیار چشمگیر است. مثلاً نخستین قراء قرآن ایرانی بوده‌اند**

ریاضیات و علوم دیگر بوده است. ما ۷۵ هزار سال پیش در ایران، خیش گاوآهن داشته‌ایم. ۸ هزار سال پیش در ایران جراحی مغز صورت گرفته است. باستانشناسان فرانسوی در روستایی در بجنورد و سایلی از قبیل قاشق و چنگال یافته‌اند که طبق گفته خود آنها متعلق به ۸۰۰ هزار تا یک میلیون سال پیش بوده است. نخستین انسان هومو (اندیشمند) را که متعلق به سه میلیون سال پیش بوده در آذربایجان یافته‌اند. اینها تنها نمونه‌های کوچکی از فرهنگ و تمدن ایران باستان‌اند. نخستین نژاد و مردمی که خط را کشف کرد و کتاب نوشت، ایرانیان باستان بوده‌اند؛ اما متأسفانه نویسندگان معرض ناآگاه ادعا می‌کنند که ما در ایران باستان دارای هیچ خط و کتابت و علمی نبوده‌ایم. با این همه آثار باستانی نمی‌دانم این کسان چگونه چنین ادعاهای نادرستی می‌کنند. «زردشت و امام علی(ع)» اثری دیگر از دکتر صفی‌زاده است که به همانندیهای بسیاری می‌پردازد که بین شخصیت زرتشت و حضرت علی(ع) وجود دارد. در این کتاب که توسط نشر نذیر زیر چاپ است، با استناد به احادیث و روایات شیعه و سنی، همانندیهای اندیشه، کردار و گفتار این دو شخصیت ممتاز و جهانی مورد بررسی قرار گرفته است.

**«اخترینی آریایی» اثری دیگر است که دکتر فاروق صفی‌زاده درباره آن توضیح می‌دهد:**

«این کتاب جامعترین کتاب علمی در این رشته است و از ۹۰ منبع و دستاویز باستانی و ایرانی سود جسته است. علوم خفیه یا علم جفر که در ایران باستان به دانش مغانه مشهور بوده بنیادش از ایران باستان بوده است. من فصلهای کتاب

**◆ در زمینه تاریخ، احتیاج به نکارش نکات تازه و روشن‌سازی نقاط مبهم و تاریک تاریخ ایران زمین داریم**

پهلوی بندهشن و دینکرد Dinkerd Bondahesn و آوستا را در این زمینه مورد بررسی قرار داده‌ام و بر پایه علم الاعداد که از دانشهای کهن است - و عرفان یهود (قبالا) نیز از همین علم الاعداد ایرانی به وام گرفته شده - مطالب بسیار علمی و سودمندی را در کتاب آورده‌ام. این اثر نخستین کتاب طالع بینی علمی است که در جهان و ایران انتشار می‌یابد. نشر عطایی آن را زیر چاپ دارد.»

**«داروین چه می‌گوید؟» عنوان آخرین اثر در دست چاپ دکتر فاروق صفی‌زاده است:**

در این کتاب به طور علمی به نظریه داروین پرداخته‌ام. متأسفانه کلیسا، نظریات علمی داروین در کتاب «اصل انواع» را بدین مضمون بیان کرده است: «انسان زاده میمون است» که این حرف کاملاً با نظریات علمی داروین مغایرت دارد. داروین در کتاب دوم خود: «اصل انسان» (که به «نسل بشر» هم معروف است) نظر خود را درباره انسان بیان داشته است.

من در این کتاب ضمن آوردن جدیدترین نظریات علمی زیست شناسی در این باره به بررسی نظریات داروین، بر پایه تفسیر و تحلیل آیات قرآن کریم و دیگر کتب آسمانی، آوستا، عهد عتیق و عهد جدید، و داها و نظر دیگر دانشمندان قرن حاضر پرداخته‌ام.»

پایان گفت‌وگو با دکتر فاروق صفی‌زاده، یکی از دغدغه‌های فکری و نوشتاری اوست که گفتن از آن را بسیار ضروری می‌داند: «یکی از مسائل مهم، حفظ تمامیت ارضی کشور در برابر تحرکات پان ترکیستها و شماری «پان» دیگر در ایران است. اینها ادعا می‌کنند که در ایران بیش از ۲۰ میلیون ترک زندگی می‌کنند و ترکها غیر آریایی هستند. نیز از روی ناآگاهی، زبان پهلوی آذری کنونی را ترکی می‌دانند. در صورتی که بنده با بیش از چندین عنوان کتاب و مقاله ثابت کرده‌ام که ۹۰ درصد از واژه‌های کنونی زبان آذری، پهلوی آذری است و تنها ۱۰ درصد از واژه‌های این زبان ایرانی از واژه‌های نامأنوس قبیله‌های غز و تاتار و مغول است. حتی زبان مردم ترکیه را نیز باید آذری استانبولی بنامیم نه ترکی استانبولی. مردم آذری از قبیله باستانی ماد هستند و با کردها کاملاً خویشاوندند. این را یافته‌های باستانشناختی و متون باستانی ثابت می‌کنند.»

## تازه‌های دنیای دین



آزاده رئیسی

### Religious Education
### آموزش دینی

**نویسنده: درک باستاید Derek Bastide، ۲۲۴ صفحه، ناشر: Routledge Falmer، ۳۱ مارس ۲۰۰۴ منتشر می‌شود، بها: ۱۵/۹۹ پوند.**

ویرایش و نشر دوم این کتاب که مدتی به طول انجامید مایه امکان بیشتر بهره‌گیری از موضوعها و تأثیرپذیری بیشتر از مفاهیم آن شده به گونه‌ای که اثر حاضر می‌تواند راهنمایی مفید برای آموزگاران و استادان دروس دینی باشد. این کتاب شامل تمامی تعلیمات و آموزشهای بنیادین دینی در دو مرحله به صورت کتاب راهنمای ۱ و ۲ تدوین شده است. این اثر با در نظر گرفتن تغییر در شیوه‌های آموزش دینی در چند دهه اخیر به نگارش درآمده و برنامه‌ها و برنامه‌ریزیهای لازم را برای آموزگاران و استادان در جهت تشریح معانی نهفته در آموزه‌های دینی عرضه کرده است. این کتاب حاوی دستورالعملها و راهنماییهایی در زمینه‌های آتی است:

- تغییراتی که نتیجه‌گیری از آنها در بلندمدت امکانپذیر است.
- چارچوب و ساختار قانونمندی تعبیرات مورد نظر.
- گسترش عرصه معنایی نوشته‌های مذهبی.
- ارزشیابی میزان علاقه‌مندی به مسائل مذهبی.
- رسیدگی به جزئیات وارد شده به کتابهای درسی دینی در اثر ظهور پدیده تابعیتهای مختلف (در جامعه میزبان).
- ارائه راهنمایی رسمی و منظم برای آموزش دینی.
- آموزش دیگر ادیان و مذاهب نظیر اسلام، یهودیت و هندوئیسم در کنار مسیحیت.
- تدارک و عرضه طرح آموزش دینی در مدارس.
- طراحی یک واحد علمی.
- استفاده از رویکردها و شیوه‌های متفاوت آموزشی.
- تصویرسازی از راهکارها و ارزشیابی و جمعبندی روند برنامه.

این کتاب حاوی بسیاری از مثالهای علمی و بخشهایی ارزشمند است. در ادامه بخشی نیز به آشنایی با ادیان و آیینهای بزرگ جهان - یعنی اسلام، مسیحیت، یهودیت، بودیسم و سیکیسم - اختصاص داده شده است.

### On Christian Belief: A Defence of Cognitive Conception of Religious Belief in a Christian Context
### درباره باور مسیحی: دفاعیه‌ای از مفهوم شناخت‌نگرانه معتقدات مذهبی در یک متن مسیحی

**نویسنده: اندرو کالیر Andrew Collier، ۱۳۶ صفحه، ناشر: Routledge، ۱۵ مه ۲۰۰۳، بها: ۵۰ پوند.**

مؤلف دفاعیه واقعگرایانه‌ای را در باب فلسفه دین مسیحی با توجه به ویژگی مراجع و مآخذ مسیحیت مطرح می‌کند و تأکید دارد که این مقوله به رغم عدم شباهت با هرگونه باور و نظریه دیگر، امری ادراکی و شناختی است که براساس ادعاهایی معقول و واقعی، فرضتی را برای بحث و گفت‌وگو بین مؤمنان و مخالفان فراهم می‌سازد. نویسنده در آغاز به توصیف انتقادها و تحلیلهای بسیاری از نگرشهایی که سعی در تشریح ایمان تعبدی و بی‌چون و چرا دارند، پرداخته است و با عنایت به دیدگاهها و قضاوت ناگروندگان به دین می‌کوشد تا نتیجه و درک حاصل از پدیدارشناسی دین را در این میان به تصویر کشد.

محقق در پایان بخشی از کتاب - که آن را به آگاهیهای عمومی در زمینه مورد بحث، تخصیص داده است - دفاع خود را با بیانی موثق، متکی بر دلایل تجربه شده و مبتنی بر مستندات مسیحی، معطوف به بحث در مشابهتهای دانش دینی با سایر علوم می‌سازد.

منبع: www.tend.co.UK

## تجدیدچاپ

**از میان کتابهای رسیده**

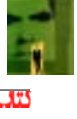

**خاطرات احمد احمد، به کوشش محسن کاظمی، چاپ سوم، قطع رقعی، ۵۷۴ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۲۷۰۰ تومان.**

لادن کریمی

# مشهد؛ چهار سوی شهر نشر

**نبات و زعفران، تسبیح و سجاده و امید به اجابت، سوغاتی است که هر زائری از مشهد با خود می‌برد. در اطراف حرم، در مرکز شهر و در همه جا می‌توان فروشگاههایی را پیدا کرد که فروشنده این اجناس هستند. ولی آیا چشم هیچ زائری به مغازه‌هایی کوچک یا بزرگ با گنج گرانبهای فرهنگ و تمدن ایران و جهان افتاده است؟ مغازه‌هایی با دهها و صدها عنوان کتاب که از سراسر ایران و جهان جمع شده و به نیاز هر ایرانی پاسخ می‌دهد. هیچ زائری تاکنون به این فکر گرده که می‌تواند همراه زعفران و ـ یا خود کتابی هم سوغات ببرد؟**

### آمارها

براساس آمار خانه کتاب از شمارگان ۱۷۱ میلیون و ۶۳۴ هزار و ۷۳۱ جلد کتاب چاپ شده در کل کشور در سال ۱۳۸۱، سهم استان تهران ۱۲۱ میلیون و ۴۲۴ هزار و ۸۷۳ جلد و سهم استان خراسان ۵ میلیون و ۶۴۷ هزار و ۱۷۰ جلد بوده است. ولی اداره ارشاد استان خراسان سهم استان خراسان را ۶ میلیون و ۸۲۲ هزار جلد کتاب می داند؛ یعنی در حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار جلد تفاوت.

این آمار و این تفاوت خود بیانگر مشکلاتی است که در نشر خراسان وجود دارد. شاید یک دلیل این اختلاف فاحش وارد نشدن کتاب ها به لیست خانه کتاب باشد. فاطمه کهربایی، ناشر در این باره می گوید: «کتاب هایی که در تهران چاپ می شوند بلافاصله وارد لیست خانه کتاب می شوند ولی کتاب‌های شهرستانی حتی پس از گذشت یک سال ثبت نمی شوند. برای مثال من در سال گذشته ۸ عنوان کتاب داشته‌ام در صورتی که خانه کتاب هیچ کدام را ثبت نکرده است.»

مهدی زابلی‌پور، مدیر عامل تعاونی ناشران خراسان، می گوید: «ارسال کتاب به خانه کتاب برعهده آقای برازش در نشر آفتاب هشتم است. ایشان ارسال کتاب و وارد شدن آن به لیست خانه کتاب را کنترل می کنند.»

مشکل دیگر غیرفعال بودن ناشران است. از بین ۳۸۰ ناشری که در استان خراسان فعالیت می کنند و ۳۵۰ ناشری که در مشهد مستقر هستند، فقط ۱۰ ناشر مجوز دائم دارند.

بزرگترین مشکل ۸ ناشر خصوصی مشهد که فعالند و مجوز دائم دارند، مربوط به توزیع کتاب و نبود اتحادیه است... به سراغ ناشران، کتابفروشان و کارشناسان در مشهد می رویم تا مشکل نشر خراسان -بالاخص مشهد- را بررسی کنیم.

### اتحادیه در لباس تعاونی

«مشهد اتحادیه ناشران ندارد ولی شرکت تعاونی دارد.» این اولین جمله‌ای است که اکثر ناشران در مورد نشر در مشهد می گفتند.

شرکت تعاونی ناشران خراسان در سال ۱۳۷۲ با ۴۵ عضو تشکیل شده که امروز ۱۰۵ عضو دارد. مهدی زابلی‌پور، وظایف این تعاونی را در چند بخش معرفی می کند: «توزیع ملزوماتی که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ناشران اختصاص داده شده، واردات همین ملزومات (با نظارت اداره ارشاد) برگزاری نمایشگاه کتاب استانی در ۵ سال متوالی، مسؤولیت در برگزاری نمایشگاه تهران، حضور در نمایشگاه فرانکفورت و حضور در نمایشگاههای متعدد داخل شهری.» وی دلیل تشکیل نشدن اتحادیه را خود ناشران می داند و می گوید: «هنوز ناشران در مشهد از نظر حقوقی با مشکلی مواجه نشده‌اند که نقش اتحادیه را بفهمند و کمبودش را احساس کنند. چون ناشران ما فقط به فکر حل مشکل امروز خود هستند و به ده سال آینده فکر نمی کنند. در حال حاضر ناشران فقط به فکر چاپ کتاب هستند و به این کار به عنوان یک صنعت نگاه می کنند و دید گسترده و آینده‌نگری ندارند. بنابراین لزوم ایجاد اتحادیه را درک نمی کنند.»

مسعود یزدانجو، مدیر نشر یاس، به تلاش های بسیاری که در گذشته برای تشکیل اتحادیه صورت گرفته است اشاره می کند و می گوید: «در تهران یک بازار کتاب موجود است ولی اینجا باید با فشار و کار زیاد بازار برای کتاب ایجاد کرد. چون در تهران ناشران با یکدیگر مرتبط هستند، از کار هم باخبرند و با یکدیگر برنامه‌ریزی می کنند. ولی در مشهد اینگونه نیست. همکاران ما در نشرهای خصوصی و دولتی با یکدیگر سنخیت ندارند. ناشر غیرفعال زیاد است، ناشر کتاب‌های مذهبی هم بسیار زیاد است که نوع کارشان مشخص است. بنابراین هر چند پس از تلاش های بسیار، سال ها قبل اتحادیه تشکیل شد و به طور موقت هم به ثبت رسید، اما با توجه به مشکلات حقوقی و تسهیلاتی که برای ناشران به وجود آمد و سازمان های مختلف نیز سنگ جلوی پای این اتحادیه انداختند، تشکیل اتحادیه به فراموشی سپرده شد و الان بعضی وظایفش را تعاونی انجام می‌دهد.»

عدم وجود اتحادیه موجب شده است که بعضی از ناشران برای حل مشکل توزیع کتاب دست به اینکاراتی بزنند.

### توزیع از نوع مشهدی و تبرائی

بزرگترین مشکل ناشران در حال حاضر، مسأله توزیع کتاب است. اکثر ناشران برای حل این مشکل اقدام به تأسیس فروشگاههایی برای فروش کتاب‌هایشان می کنند ولی مالیاتی که از کتابفروشان گرفته می‌شود، سدی است که مانع این کار می‌شود.

محمد کاشی‌چی که هم ناشر است و هم کتابفروش می گوید: «دارایی معتقد است که ناشر از مالیات معاف است

ولی کتابفروش‌ها معاف نیستند، در صورتی که بزرگترین مشکل یعنی توزیع از همین جا شروع می‌شود. اگر ناشر کتاب‌هایش را نفروشد، به چه دردش می‌خورد و چگونه می‌تواند به این کار ادامه دهد؟»

مسعود یزدانجو با ۲۱ سال سابقه نشر، توزیع نامناسب را مولد مشکلات دیگر می داند: «ما در فروشگاه کتاب داریم. بنابراین امکان توزیع کتاب هایمان را در مشهد داریم و حدود ۳۰ درصد از کتاب‌هایمان در مشهد توزیع می‌شود ولی در کل امکانات توزیع در مشهد محدود است و باید کتاب‌هایمان را به مراکز پخش در تهران برسانیم. در نتیجه باید روی بازار کل کشور برنامه‌ریزی کنیم. به همین دلیل مجبوریم در اغلب کارها، به مؤلفان سفارش کتاب بدهیم.» اکثر ناشران مشکل توزیع را در تهران بیشتر از مشهد می‌دانند.

فاطمه کهربایی مدیر نشر نیکا، در این باره معتقد است: «مراکز توزیع در شهرستان‌ها محدود است و مراکز پخش در تهران نیز به راحتی کتاب را عرضه نمی کنند و باید حتماً رابطه‌ای در کار باشد که این، توزیع کتاب را برای ناشران شهرستانی بسیار مشکل می کند.»

اکثر ناشران راه‌حل‌هایی نیز برای از بین بردن این مشکل ارائه می دهند. توزیع کتاب‌های درسی در مشهد در سال‌های گذشته یکی از بزرگترین مشکلات مردم مشهد بود ولی اکنون این مشکل برطرف شده است. یک کارشناس نشر در مورد حل این مشکل در مشهد می گوید: «چند سال قبل اتحادیه کتابفروش‌ها و لوازم‌التحریرفروش‌ها برای حل مشکل توزیع کتب درسی اقدام جالبی کردند. به این ترتیب که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وام‌هایی را به ناشرانی که پروانه کسب داشتند داد. فقط به جای پول به آنها سهام مرکز توزیع کتاب‌های درسی را داد و یک سازمان توزیع برای کتب درسی در مشهد ایجاد شد که خیلی هم موفقیت‌آمیز بود. مشکل توزیع و دیر رسیدن کتب درسی هم حل شد و ناشران هم سودی چند برابر سهم اولیه‌شان بردند.»

محمد کاشی‌چی، ابتکاراتی را که سال‌ها قبل در مورد توزیع کتاب به کار بسته و موفقیت آمیز می داند و می افزاید: «در تهران پیشنهاد دادم مردم به جای نذر غذا، نذر فرهنگی کنند. یعنی کتاب نذر کنند. ما هم قرار شد کتاب را با قیمتی پایین به آنها بدهیم که اتفاقاً اجرا شد و استقبال خوبی هم از این طرح به عمل آمد ولی بعد اتحادیه مخالفت کرد که چرا کتاب‌ها را ارزان می فروشید و این در بازار مشکل ایجاد کرده است و این کار اتمام یافت. در حدود ۳۰ سال قبل کتاب‌های حجیم و گران را به صورت جزوات ارزان قیمت چاپ کردیم که آن زمان شمارگانش به ۲۰ هزار نسخه رسید یا مثلاً کتاب‌هایی به قیمت آبنبات چوبی برای بچه‌ها منتشر کردیم و بعد به خانواده‌ها پیشنهاد دادیم که به جای تنقلات برای کودکان خود کتاب بخرند. یک دوره هم تمام موجودی کتابفروشی‌ها را به صورت کیلویی به خانه‌ها بردیم که از همه اینها استقبال خوب و بی‌نظیری شد ولی متأسفانه کار ادامه نیافت.»

به غیر از توزیع و ارسال کتاب به تهران ناشران مشهدی سهم بسیار کمی در کتاب‌های کتابفروشی‌ها در مشهد دارند.

رجب‌زاده مسؤول کتابفروشی انتشارات امام در مورد سهم اندک می گوید: «شاید یک درصد از این ده هزار جلد کتابی که در این مغازه است، برای ناشران مشهد می‌باشد. چون در اینجا کتاب به طور جدی چاپ نمی‌شود و ناشرانی هم که در مشهد کتاب خوب چاپ می کنند، تولیدات را به مراکز توزیع در تهران می‌دهند.»

سلمان باروح، مدیر کتابفروشی مرکز قلم از ناشران مشهدی گلایه‌مند است و می گوید: «ناشر مشهدی وقتی کتابش را به من می‌دهد توقع دارد سرمایه‌اش خیلی زود برگردد. در صورتی که همین کتاب را به تهران می‌فرستد و حتی تا یک سال بعد هم پولش را مطالبه نمی کند. به همین دلیل تمام کار ما با مراکز پخش در تهران است آنها نیز خیلی خوب با ما کار می کنند، چون طرف مقابلشان را می‌شناسند.»

### ناشران دولتی بزرگ، ناشران خصوصی کوچک

اکثر ناشران خصوصی در مشهد کوچک هستند و شمارگان کتاب هایشان پایین، ناشران دولتی از بزرگترین و مجهزترین ناشران (و چاپخانه‌داران) در کل کشورند و کارکردن این دو گروه در یک بازار جالب است.

فاطمه کهربایی که در طول ۱۲ سال کار حرفه‌ای، ۶۵ عنوان کتاب منتشر کرده است، از موضع گیری نشرهای دولتی در برابر نشر خصوصی سخن می گوید: «ناشران دولتی فروشگاههای متعدد دارند، امکانات اقتصادی دارند و بازار در دستشان است حالا اگر مشکل تنها امکانات زیاد آنها بود، باز هم می شد تحمل کرد. مشکل بزرگ این است که در مشهد نشرهای دولتی در برابر نشر خصوصی موضع می گیرند و تفکرشان را به بازار تزریق می کنند.»

حسین معینی مدیر نشر سنبله که به دلیل چاپ کتاب‌هایی با مضامین مذهبی و کودکان بیشتر با ناشران دولتی سر و کار دارد، می گوید: «کتاب مذهبی سوددهی بیشتری دارد اما در مشهد یک سازمان دولتی که در بازار نشر بسیار تأثیرگذار است، حتی اجازه ورود کتاب‌های قرآن و مفاتیح دیگر ناشران را به حرم نمی‌دهد.»

به غیر از بازار کتاب امکانات چاپخانه‌ای نیز در مشهد در چاپخانه‌های دولتی متمرکز است چون کمتر چاپخانه خصوصی امکان خرید این وسایل را دارد. مسعود یزدانجو که در سال گذشته ۱۲ عنوان کتاب به چاپ رسانده می گوید: «کیفیت صحافی در تهران خیلی بهتر است ولی چاپخانه‌های دولتی در مشهد نیز سریعاً به امکانات تهران مجهز می‌شوند و با توجه به امکانات وسیعی که دارند، ناشران خصوصی هم برای چاپ و فروش کتاب‌هایشان به سراغ امکانات دولتی می‌روند.»

فاطمه کهربایی مدیر نشر نیکا که در سال گذشته کتاب‌هایی همچون «پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری» و «ملت و ملی‌گرایی پس از ۱۷۸۰» را به چاپ رسانده و خود را از بافت سنتی نشر مشهد جدا کرده می گوید: «ما چون با ناشران بزرگ رقابت می کنیم باید کیفیت کارمان هم بالا باشد اما مشکلی که در این میان وجود دارد این است که در مشهد چون امکانات خوب صحافی در نشرهای دولتی متمرکز شده است، ما با مشکل صحافی مواجه هستیم.»

ولی محمد رستگار، مدیر نشر رستگار، ناشران را علت اصلی کیفیت پایین کتاب ها می داند: «از لحاظ چاپخانه ما تمام امکانات را در مشهد داریم ولی چون در مشهد ناشران حرفه‌ای نیستند، کیفیت کتاب ها پایین است. در تهران چون عناوین زیاد است و شمارگان بالا، آنها به صورت انبوه کار می کنند و در نتیجه قیمت برایشان کمتر است.»

چاپخانه دقت از معدود چاپخانه‌های خصوصی در مشهد است که از نظر امکانات چاپ و صحافی تقریباً همپای چاپخانه‌های دولتی در مشهد است. حسین معینی، ناشر و عضو هیأت رئیسه این چاپخانه، نظری متفاوت با دیگر ناشران دارد: «در مشهد به علت زیاد بودن چاپخانه‌ها، قیمت‌ها شکسته شده و در چند سال اخیر بسیار کاهش یافته است. درست است که نشرهای دولتی در مشهد همه امکانات را دارند ولی از همین امکاناتی که ما داریم نیز چندان استقبالی از طرف عموم ناشران نمی‌شود.»

### ناشر دولتی، کتاب مذهبی

بزرگترین ناشر دولتی مشهد، بیشترین کتاب هایش در زمینه مذهبی است. برای همین از بین ۱۷۰۲ عنوان کتاب چاپ شده در سال ۵۲۴،۸۱ عنوان آن کتاب‌های مذهبی بوده است که اولین رتبه را دارد.

فاطمه کهربایی از سوددهی زیاد و کیفیت پایین این کتاب ها سخن می گوید: «چون کتاب‌های مذهبی در مشهد (به علت حضور زائران) طرفدار دارند، ناشران با نازلترین کیفیت، سود سرشار می‌برند و کتاب را صرفاً «بازاری» تولید می کنند.»

محمد رستگار که اکثر کتاب هایش مذهبی است رقابت با ناشران قم را مهمتر از رقابت با ناشران در مشهد می‌داند: «کتاب هایی که در قم منتشر می‌شود از لحاظ بار علمی بسیار قوی است و چون ناشران در قم با تمام حوزه‌ها در ارتباطند مشکل توزیع ندارند ولی ما در مشهد برای توزیع کتاب‌هایمان در اطراف حرم مشکلات زیادی داریم.»

### بخشنامه‌ها، قدمی به سوی حذف رایانه

مسأله‌ای که اکثر ناشران در کشور راجع به آن صحبت می کنند حذف یارانه‌های دولتی از صنعت کتاب است. اخیراً بخشنامه‌ای از طرف وزارتخانه برای ناشران آمده با این مضمون که «کلیه دیوان‌های شعر از جمله شاهنامه، حافظ، سعدی و... کیمیای سعادت، منتهی الآمال، حلیة‌المتقین و کتاب‌های درسی و افست فقط مشمول دریافت کاغذ ایرانی می باشند و از اختصاص کاغذ خارجی به کتب فوق باید جداً خودداری شود.»

بعضی از ناشران نسبت به این مسأله بسیار معترضند و عنوان می کنند که برای ارشاد هیچ فرقی بین ناشر فعال و غیرفعال نیست و همه را با یک چوب می‌راند.

بعضی مطرح می کردند که ارشاد خواسته از این طریق راه استفاده سودجویان را ببندد، در صورتی که این راهش نیست. مسعود یزدانجو از این دسته ناشران است: «بهتر بود ارشاد کمتر مجوز نشر می‌داد تا افراد سودجو وارد این کار نمی‌شدند یا به هر انتشاراتی برحسب کاری که انجام داده بود و سابقه‌اش، امتیازی می‌داد.»

یک کارشناس نشر در مورد حمایت‌های ارشاد از ناشران معتقد است: «با حمایت نامناسب ارشاد، صنعت نشر کم‌کم رو به زوال می‌رود. قبلاً برای دادن مجوز نشر به تجربه افراد نگاه می‌کردند ولی اکنون تنها شرط مهم، داشتن لیسانس است بنابراین هر کسی برای استفاده از امکانات دولتی وارد این کار می‌شود.»

رجب زاده، کتابفروش می گوید: «تا زمانی که این یارانه‌های دولتی هست، وضع بازار نشر کتاب نیز همین گونه خواهد بود. اگر فکر می کنند که با برداشتن یارانه‌ها قیمت‌ها خیلی زیاد می‌شود، بازده کار ناشران را بسنجند و به همان نسبت به آنها یارانه بدهند.»

ولی مخاطبان و خریداران کتاب نظر دیگری دارند.

آسیه جبلی دانشجوی پژوهشگری در این مورد می گوید: «همین الان هم قیمت کتاب ها مخصوصاً کتاب های تخصصی بسیار زیاد است و ما دانشجویان توانایی خرید آنها را نداریم. اگر حمایت های دولت برداشته شود، نظارت بر قیمت کتاب ها کمتر از حال حاضر می شود و ما دیگر حتی کتاب قصه کودکان را هم نمی توانیم بخریم.»

بعضی ناشران مسأله را از گرانی کتاب فراتر می بینند. مسعود یزدانجو یارانه های دولتی را سبب چندگانگی ناشران می داند: «به علت یارانه زیادی که دولت به کاغذ اختصاص می دهد، افراد زیادی اقدام به گرفتن مجوز چاپ کرده اند. مثلاً اکثر استادان برای چاپ چند کتاب خودشان مجوز انتشارات می گیرند که این موجب می شود برای اکثر افراد نشر شغل دوم و سوم شود که این امر موجب چندگانگی و عدم همکاری ناشران با یکدیگر می شود.»

ولی حسین معینی که از سال ۱۳۷۵ تاکنون ۵۰ عنوان کتاب چاپ کرده است نظر دیگری دارد: «در حال حاضر شمارگان کتاب ها به نسبت هزینه های آماده سازی بسیار کم است و این قیمت ها نیز با توجه به حمایت های ارشاد است چون عمده هزینه کتاب، کاغذ آن است که ارشاد به آن یارانه خوبی می دهد. اگر همین حمایت ها نباشد کتاب بسیار گران تر می شود.»

شنیدن نظرات موافق و مخالف حذف یارانه ها بسیار جالب است. ولی در آخر ارشاد چه می خواهد بکند؟

در حال حاضر مهمترین مسأله گرانی کتاب ها و درآمد کم خانواده هاست.

### دو هزار تومان کتاب بخوانید

پدران و مادران ما در تمام دوران جوانی تفریحشان خواندن کتاب بود. اینکه پول هایشان را جمع کنند کتاب

بخرند و یا کرایه کنند. ولی نسل امروز جامعه ما به دلیل مشکلات فراوان، کتاب را از سبد خرید خانواده اش خارج کرده است.

محمد کاشی چی که مدیر کتابفروشی جاودان خرد است می گوید: «۶۱ سال است ناشر کتاب هستم و در هر زمینه ای کتاب چاپ کرده ام. هر کتابخانه ای از انتشارات ما حداقل یک کتاب را دارد ولی امروز صنعت کتاب رو به ورشکستگی است. ما الان در مغازه خود همه جور کتاب داریم ولی هیچ جور مشتری نداریم. آن قدر گرفتاری فکری مردم زیاد است که دیگر فکر خرید کتاب را نمی کنند. در صورتی که همین کتاب است که می تواند مردم و جامعه را هدایت کند.»

حسین معینی، مدیر نشر سنبله نیز جدا از مشکل توزیع، نبود فرهنگ کتابخوانی در بین مردم را یک مشکل اصلی و بنیادین می داند: «اگر فرهنگ کتابخوانی جا بیفتد تمام مشکلات حل می شود.»

مسعود یزدانجو که با مراکز توزیع در شهرستان های دیگر کار می کند می گوید: «تعداد درخواست کنندگان کتاب در مشهد نسبت به تهران و حتی شهرهای بزرگ دیگری مثل اصفهان و شیراز بسیار کم است.»

رجب زاده مسؤول کتابفروشی امام می گوید: «نسبت به چند سال گذشته مشتریانمان بسیار کمتر شده است. بیشتر مخاطبان ما در یک سال اخیر دختران بودند، یکسری هم مشتری دائم داریم ولی تعداد افرادی که طرفدار کتاب های سنگین و تحلیلی باشند بسیار کم شده. بیشتر رمان و روان شناسی، آثار کوئیلو و ترجمه اشعار شاعران خارجی را طلب می کنند.»

وقتی از پسر جوانی که از پشت ویترین، کتاب های مغازه را نگاه می کند می پرسم که چرا برای خرید به داخل کتابفروشی نمی رود می گوید: «دانشگاه سراسری در یک سال تحصیلی به دانشجویان کارشناسی دو هزار تومان بن کتاب می دهد، یعنی همین قدر کتاب بخوانید.»

همه این مشکلات در کنار یکدیگر باعث شده که امروزه مشتری کتابفروشی ها فقط مأموران دارایی و شهرداری و... باشند و تعطیل شدن کتابفروشی ها نیز همچنان ادامه دارد.

ای کاش این دعای اهل قلم نیز در بارگاه امام هشتم اجابت شود که روزی برسد که فرزندان ما از ما به جای هر هدیه و سوغاتی کتاب بخواهند و ای کاش آن زمان بازار نشر ما پاسخگوی این نیاز باشد.

مقاله

علی اصغر سیدآبادی

# بخشودگی مالیاتی و رقابت نابرابر در نشر ایران

نشر کتاب در ایران همواره با حمایت های دولتی همراه بوده است. این حمایت ها اگرچه در مقاطعی توانسته است در وضعیت انتشار کتاب تأثیر بگذارد، اما خود باعث بروز نگرانی هایی نیز شده است.

حمایت های دولتی را می توان در دو دسته کلی حمایت های عام و حمایت های خاص تقسیم بندی کرد. حمایت های عام معمولاً شامل تمام کتاب ها می شود، اما حمایت های خاص به بخش خاصی از کتاب ها اختصاص می یابد که گاه دلایل ایدئولوژیک دارد و گاه دلایل دیگر، اما روشن ترین عنصر در حمایت های خاص عنصر ایدئولوژی است.

برخی از کتاب ها به دلیل اینکه گرایش اعتقادی و سیاسی خاصی را ارائه و ارزش های ویژه ای را منتقل می کنند، مورد حمایت قرار می گیرند. این نوع حمایت ها بخصوص در حوزه هایی مثل آموزش و پرورش و مراکز وابسته اش مثل انتشارات کانون پرورش فکری، انتشارات منادی تربیت و نهادهای مشابه در جریان است، در حالی که حمایت های عام فقط در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متمرکز است. البته این به آن معنی نیست که همه حمایت هایی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی آن است، حمایت های عام است.

یک نگرانی که همیشه درباره حمایت های خاص معطوف به گرایش های اعتقادی- سیاسی خاصی که از ارزش های ویژه ای پشتیبانی می کنند، وجود دارد این است که آیا این حمایت ها را می توان به عنوان حمایت از نشر کشور قلمداد کرد؟ به عبارت دیگر آیا منافع چنین حمایت هایی جریان انتشار کتاب را در بر می گیرد؟

برای پاسخ دادن به چنین سؤالی، اطلاعات آماری دقیقی وجود ندارد، زیرا مهمترین خصیصه حمایت های خاص عدم شفافیت آن است و نمی توان به آمار و اطلاعاتی دقیق دست یافت تا با اتکا به آن بتوان پاسخی مناسب به چنین پرسشی داد. اما تأمل در چنین حمایت هایی می تواند دورنمایی نسبتاً مشخص را پیش رویمان بگذارد.

نخستین تأثیر هر نوع حمایت خاص که شامل همه کتاب ها نشود، بر هم زدن توازن طبیعی بازار و تقویت بخشی، در رقابت با بخش های دیگر است. حمایت های خاص بیش از آنکه به منظور حمایت از نشر کشور صورت گیرد، به منظور حمایت از نوع خاصی از نگاه صورت می گیرد و طبیعی است که به فربه تر شدن همان بخش نیز بینجامد.

طبیعی است که دخالت این چنینی در هر بازاری که اتکای اصلی آن باید بر عرضه و تقاضای طبیعی باشد، فربه کردن بخشی به بهای لاغر کردن بخش دیگر است. چنین حمایت هایی نه تنها منفعتی به نشر کشور نمی رساند، بلکه با نابرابر و غیر سالم کردن رقابت اقتصادی این حوزه، به پیش بینی ناپذیر کردن آن و در نتیجه بالا بردن ریسک سرمایه گذاری منجر می شود.

با چنین پیش زمینه ای است که اهمیت حمایت های عام روشن می شود. اما حمایت های عام نیز اگر از منظری آسیب شناسانه مورد بررسی قرار گیرد و عیار آن به محک آزموده شود، مشخص نیست که بتواند به عنوان راهکاری دائمی توصیه شود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی حمایت های عام از انتشار کتاب، سالانه بودجه زیادی را صرف حمایت از نشر می کند.

این وزارتخانه از سال ۱۳۷۹ مبلغ ۳۳۰،۳۱۱۱ ریال را صرف خرید کتاب های کودک و نوجوان از ناشران کرده است.۱ در همان سال مبلغ شش میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال وام بانک رفاه به ناشران داده شده است ۲ و مبلغ ۹ میلیارد و ۳۳۱ میلیون ریال وام تبصره ۳ به ناشران اختصاص یافته است ۳ و مبلغ ۲۷ میلیارد و ۵۲۰ میلیون ریال وام اجاره به شرط تملیک به ناشران اختصاص یافته است.۴

میزان کاغذ ارائه شده به ناشران دولتی ۷۲ هزار و ۶۶۳ تن بوده است.۵ همچنین فیلم و زینک دولتی نیز به تناوب در اختیار ناشران قرار گرفته است.

نگاهی به این آمار و ارقام می تواند بحث های دیگری نیز به وجود آورد. اگر از دو مورد کاغذ و وام بانک رفاه بگذریم که طبق قواعدی حداقلی در اختیار تقریباً همه ناشران گذاشته می شود و میزان آن بر اساس تعداد کتاب ها برای هر ناشر افزایش و کاهش می یابد، در اعطای تسهیلات دیگر باز هم می تواند عواملی دیگر دخالت داشته باشد. به عبارت دیگر جز این دو مورد، بقیه موارد نیز قابل صورت بندی در میان حمایت های خاص است.

اعطای وام بانک رفاه و کاغذ دولتی نیز اگرچه به صورت عام به همه ناشران تعلق می گیرد، اما خود می تواند به عنوان آسیبی جدی در صنعت نشر امروز ایران تلقی شود. پدیده کاغذفروشی و چاپ کم تر از شمارگان اسمی کتاب ها بخصوص با ورود دستگاههای ریسوگراف از فرط عمومیت به یکی از ویژگی های نشر امروز ایران تبدیل شده است. این در حالی است که امکان استفاده از وام بانک رفاه نیز در محل خارج از نشر برای وام گیرندگان وجود دارد.

در چنین وضعیتی است که سیاست های تنظیم بازار می تواند به عنوان کم آسیب ترین سیاست ها در حوزه نشر ایران مورد توجه واقع شود. به عبارت دیگر دولت به جای کمک مستقیم و تزریق بودجه های گوناگون به صنعت نشر که تجربه نشان داده با صرف ترویج ایدئولوژی مطلوب می شود و با صرف مواردی خارج از نشر، می تواند با رفع موانع و تسهیل در انتشار و توزیع کتاب به رشد و رونق آن کمک کند.

یکی از این سیاست ها بخشودگی های مالیاتی است که ناشران ایرانی سال ها برای آن تلاش کردند و بالاخره در سال ۱۳۷۴ مجلس بخشودگی مالیات به مدت ۵ سال را تصویب کرد. این بخشودگی ضمن اینکه موقت بود، شامل همه فعالیت های انتشاراتی نمی شد و فقط به ناشران خلاصه می شد.

پس از پایان این پنج سال ناشران به صرافت تمدید و دایمی کردن این بخشودگی افتادند. در دوره جدید فعالیت برای بخشودگی، مؤلفان نیز که پس از تحولات دوم خرداد ۱۳۷۶، در مسائل صنفی فعال تر شده بودند، وارد موضوع شده و خواستند که این بخشودگی شامل آنان نیز بشود.

بالاخره در اسفند ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ماده واحده ای را تصویب کرد که بر اساس آن پدیدآورندگان کتاب و از جمله مؤلفان از پرداخت مالیات معاف شدند.

این ماده واحد در سال ۱۳۸۰ اجرا شد و این سال از نظر بخشودگی مالیاتی فعالیت های فرهنگی، بهترین سال بود، چرا که دیری نپایید که دوباره بحث تغییر در قانون مالیات ها پیش آمد و این تغییر ناخواسته به متنی شدن بخشودگی مالیاتی بخشی از فعالیت های انتشاراتی و مطبوعاتی و از جمله معافیت مالیاتی حق التألیف و کتابفروشان منجر شد.

در واقع این تغییر ناخواسته بهانه ای به دست مؤدیان مالیاتی داد تا خاطره سال ۱۳۸۰ را از دنیای کتاب پاک کنند.

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به عنوان یکی از نهادهای مدنی فعال در حوزه کتاب در مرداد ماه سال ۱۳۸۱، در نامه ای به وزیر امور اقتصادی و دارایی، وصول مالیات از نویسندگان را با استناد به موادی از قانون مالیات ها غیر قانونی خواند.

این نامه که رونوشتی از آن برای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کمیسیون امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی ارسال شده بود، واکنش احمد پورنجاتی رئیس کمیسیون را برانگیخت. وی در نامه ای به طهماسب مظاهری وزیر امور اقتصادی و دارایی نسبت به اخذ مالیات از مؤلفان اعتراض کرد و فاش کرد که در بحث های مجلس نیز چنین عواقبی را برای تغییر در قانون مالیات ها پیش بینی کرده بوده که وزیر قول مساعد برای حل این مشکل را همان زمان داده بود.

مطابق بخش «ل» ماده ۱۳۹ قانون جدید مالیات ها که از اول سال ۱۳۸۱ قابل اجراست، فعالیت های انتشاراتی، مطبوعاتی، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می کنند، از پرداخت مالیات معاف هستند.

علیرغم چنین صراحتی کارشناسان وزارت امور اقتصادی و دارایی از بخشودگی مالیاتی برای بخشی از فعالیت های انتشاراتی و مطبوعاتی بخصوص تألیف طفره می روند.

از نظر آنان تألیف جزء فعالیت های مشمول بخش «ل» ماده ۱۳۹ نیست. این کارشناسان در جلسه ای با حضور نمایندگان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علت طرح چنین دیدگاهی را منوط شدن بخشودگی مالیاتی به مجوز وزارت ارشاد می دانستند. به نظر آنان چون مؤلفان برای نویسندگی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوزی دریافت نمی کنند، مشمول این ماده قرار نمی گیرند.

این در حالی است که اولاً جهت گیری قانون مالیات ها فعالیت است نه افراد و همان طور که مالیات به فعالیت ها تعلق می گیرد، بخشودگی نیز به فعالیت ها تعلق می گیرد. در واقع آنچه در این فعالیت، مالیات به آن تعلق گرفت و مشمول بخشودگی باید واقع شود، نشر کتاب است و نشر کتاب نیز با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می گیرد.

نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در همان جلسه اعلام کرد، وقتی مجوزی به کتابی تعلق می گیرد، شامل همه نام هایی است که به عنوان نویسنده، تصویرگر، ویراستار و... در کتاب آمده است.

از سوی دیگر انجمن نویسندگان اواخر سال گذشته در نامه ای به رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس به منوط کردن بخشودگی مالیاتی به مجوز وزارت ارشاد اعتراض کرد.

در این نامه آمده بود که این شرط ضمن اینکه عملاً به عدم اجرای قانون منتهی شده، صحه گذاردن بر ممیزی غیر قانونی است.

همه اینها در حالی است که تبصره ۲ ماده ۱۰۴ همین قانون به صراحت ذکر کرده است کسر ۵ درصد مالیات در مواردی که منابع درآمدشان از پرداخت مالیات معاف شده باشد، منتفی است و بدیهی است که منبع درآمد، حق التألیف فعالیت انتشاراتی است.

**پی نوشت ها:**

۱- کرمانی، علیرضا، بررسی عوامل اجتماعی محیطی مؤثر بر میزان تولید ادبی در ادبیات کودک و نوجوان ایران (۱۳۶۰-۱۳۷۶)، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، ص ۱۷۴

۲- همان، ص ۱۷۶

۳- همان، ص ۱۷۹

۴- همان، ص ۱۸۲

۵- همان، ص ۱۸۴.

## یادداشت

مجید آل ابراهیم

# کتاب سفارشی

گاهی بعضی از شنیده‌ها و دیده‌ها آنقدر تلخند که بیان آنها نه‌تنها آزاردهنده است بلکه خون دل خوردن‌ها و تلاش و زحمت بسیاری را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهند.

شاید به نظر برسد که بستن چشم و گوش در این مواقع راهی برای جلوگیری از به‌وجود آمدن این بدبینی‌ها باشد ولی وقتی این وقایع آنقدر عیان و عادی می‌شوند که بسادگی می‌توان اثر یا خود آن را در اطراف و اکناف دید، دیگر ندیدن و نشنیدن دردی را دوا نمی‌کند و باید به فکر چاره بود. به عنوان مثال، یکی از مشکلات توسعه علمی کشور عدم وجود متون علمی به زبان فارسی و در نتیجه غیر قابل دسترس بودن آنها برای دانش پژوهان فارسی‌زبانی است که با زبان دیگری آشنا نیستند. علاوه بر این در گذشته‌ای نه‌چندان دور در دانشگاه‌ها به ازای هر استاد برای یک درس همان تعداد جزوه درسی موجود بود که بنا به دلایل زیادی که در اینجا فرصت مطرح کردنش نیست، عامل دیگری بود در جلوگیری از همگانی کردن علم و توسعه آن در جامعه.

باتوجه به نکات فوق و چند دلیل مهم و جزئی دیگر، تشویق پژوهشگران و اساتید در به‌وجود آوردن کتاب‌هایی به زبان فارسی (خواه ترجمه، خواه تألیف) به عنوان یکی از سیاست‌های مسؤولان مد نظر قرار گرفت و سیاست‌ها و آیین‌نامه‌هایی در سازمان‌های ذیربط تدوین و اعلام شد که اگرچه در ابتدای امر بسیار خوب به نظر می‌رسیدند ولی به هنگام اجرا دچار انحراف‌ها و مشکلاتی شدند که بعید است مسؤولان امر از آن بی‌خبر باشند.

این مشکل تا به آنجا توسعه یافته که به امری عادی تبدیل شده است و شاید دیگر حساسیتی را برنیانگیزد. در حالی که این پدیده نه‌تنها موجب توسعه علمی نشده، بلکه در درازمدت باعث به‌وجود آمدن بدبینی نسبت به جامعه علمی کشور چه در داخل و چه خارج خواهد شد. بدبینی حاصل از این روند نیز چیزی نیست که بسادگی قابل ترمیم یا اصلاح باشد. در این میان بزرگانی که حاصل عمر خود را در قالب کتابی جمع‌آوری کرده و منتشر کرده‌اند نیز در آتش سودجویی و فرصت‌طلبی عده‌ای اندک خواهند سوخت.

بنابر بعضی از سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها چاپ کتاب توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها موجب بهره‌مندی آن عضو از مزایا و توضیحات شغلی خواهد شد.

این مسأله که در بادی امر به نظر می‌رسد موجب افزایش تعداد کتاب‌های منتشر شده به زبان فارسی شود، در عمل بدون نظارت دقیق و علمی باعث شده تا عده‌ای یک کتاب را به چند بخش تقسیم کنند و آن را در اختیار دانشجویان قرار دهند تا در قالب انجام پروژه یا کار کلاسی ترجمه کنند و در نهایت به عنوان کتابی که مترجمش آن استاد محترم است، منتشر شود. از این شیوه بدتر سفارش تألیف یا ترجمه کتاب به یک مؤسسه یا یک مترجم است و انتشار آن نه نام سفارش‌دهنده‌اش‌که گویا مراجعی برای داوری کتاب‌ها نیز وجود دارد که با در کار خود دقت و معیار لازم را ندارند یا مسائل دیگری را مد نظر قرار می‌دهند؛ که در هر دو صورت حاصل کار یکسان است.

چه کتابی حاصل ترجمه‌های غیر دقیق و غیر کارشناسانه دانشجویان باشد و چه حاصل یک سفارش، در هر دو حالت کالایی است بی‌ارزش برای کشور و مردمی که تشنه دانش و علم روزند و اگر نفعی هم داشته باشد، نفعی کوچک، بی‌ارزش و کوتاه‌مدت است، برای آن دانشجو، آن مترجم یا حداکثر سفارش‌دهنده.

## منتشر شد

## راسته مک لوهان

ابراهیم خندان

# داروینیا در اینترنت

خب مگر چطور می‌شود یا اصلاً چه اشکالی دارد که یک فروشگاه نمایندهٔ فروش یک فروشگاه دیگر باشد. به عنوان مثال فروشگاهی داشته باشیم بزرگ و بی‌دردو پیکر که همه چیز در آن عرضه می‌شود و ما بیاییم و یک گروه از اجناسش را انتخاب کرده و در جای دیگری به فروش برسانیم. حتی اگر خریدار مجبور باشد جنس خریداری شده را از فروشگاه اصلی تحویل بگیرد و پول آن را هم همانجا پرداخت کند.

خب شاید این کار در فروشگاههای معمولی امکان‌پذیر نباشد ولی راسته مک‌لوهان نکته‌ای است جدابافته و هر چه از این ابتکارهای عجیب و غریب بخواهید می‌توانید در آن پیدا کنید. به عنوان مثال فروشگاهی داریم بزرگ که کار اصلی آن فروش محصولات فرهنگی است به نام «آمازون» که آنقدر مشهور و بزرگ هست که همگی آن را بشناسند ولی فکر نمی‌کنم کسی فروشگاه «داروینیا» به نشانی www.DARWINIA.com را بشناسند. ولی درهر صورت این فروشگاه همانطور که در سر درش نوشته شده یکی از نمایندگان «آمازون» است که فقط کتاب هایی را عرضه می‌کند که در زمینه تاریخ طبیعی باشند. به زبان دیگر فروشگاه «داروینیا» کارش فهرست کردن و به نمایش گذاشتن کلیه آثاری است که در زمینه تاریخ طبیعی در «آمازون» عرضه می‌شوند. این فروشگاه کار جستجو را برای علاقه‌مندان خیلی ساده کرده است. خرید از این کتابفروشی تابع قوانین و مقررات کتابفروشی مادر است و حتی کتاب‌های خریداری شده توسط آن شرکت به نشانی خریدار ارسال می‌شود و «داروینیا» فقط نقش یک راهنما را بازی می‌کند. راستی خرید از این فروشگاه هیچ هزینه بیشتری را به شما تحمیل نمی‌کند.

اگر دوستدار کتاب‌های تاریخ طبیعی هستید دو فروشگاه دیگر هم وجود دارند که آماده‌اند تا شما را با این کتاب‌ها آشنا کنند. فروشگاه «کتاب‌های تاریخ طبیعی» به نشانی www.natural-history-book.com و فروشگاه «ان.اچ.بی.اس» به نشانی www.nhbs.co.uk. این دو فروشگاه مجموعه‌ای شامل صدها عنوان کتاب را در زمینه‌های مختلف و مخاطبان متنوع به شما معرفی می‌کنند و طبق معمول برای ما که در ایران زندگی می‌کنیم خرید از فروشگاه انگلیسی «ان.اچ.بی.اس» به خاطر تسهیلات انتقال وجه ساده‌تر است (اگر چه کمی گرانتر).

راستی تا یادم نرفته این را هم بگویم اگر کتابی در مورد «داروین» احتیاج داشتید (در هر زمینه‌ای) فروشگاه «داروینیا» بهترین جای است که می‌توان سراغ گرفت.

زندگی‌نامه، تمام آثار یا نقدهای علمی کتاب‌ها و آثار داروین در این فروشگاه عرضه می‌شوند.

## کتاب

### از کجا آمده‌ام

یک سؤال مشترک بین همه مردم و در همه اعصار وجود داشته که بسته به زمان جواب‌های متنوعی را از سوی اندیشمندان به همراه آورده است. این سؤال اساسی‌ترین پرسشی است که تا به حال مطرح شده و تاکنون هم پاسخی جامع که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند، پیدا نشده است.

این پرسش آنقدر مهم و اساسی است که حتی بر جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها هم اثر گذاشته و می‌گذارد و علیرغم اینکه پاسخ آن چندان درزندگی روزمره ما تأثیر نمی‌گذارد، سالانه میلیاردها دلار در سراسر دنیا صرف تحقیق و پژوهش برای پیدا کردن جواب آن می‌شود و جالب این است که هر چقدر سطح دانش و معلومات بشر افزایش می‌یابد، پاسخ به آن پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌شود.

گاهی اگر نظریه‌ای در پاسخ به این پرسش مطرح شود با چالش بزرگی روبه‌رو می‌شود که خارج شدن از آن بسیار سخت و پیچیده است و نظریه‌پرداز مجبور است با تعداد زیادی از مخالفان و شکاکانی که هر کدام در علم و دانش وزنه‌ای محسوب می‌شوند، روبه‌رو شود و آنها را قانع کند. این پرسش اساسی همان سؤال قدیمی «از کجا آمده‌ام» است که هرگاه نقطه‌ای را به عنوان سرآغاز جهان در نظر می‌گیریم و داستان خلقت را از آنجا شروع می‌کنیم و آن نقطه را شرح و بسط می‌دهیم، بلافاصله ذهن به سمت پیش از آن نقطه سوق پیدا می‌کند و همگی همصدا بانگ برمی‌آورند که پیش از آن چه بوده؟ سؤال ساده‌ای که شاید سال‌ها بگذرد و کسی نتواند به آن پاسخ گوید.

در راه پاسخ به این سؤال مسائل بسیار مهمی هم کشف شدند که خود باعث رشد دانش بشری شد و از سوی دیگر باعث به وجود آمدن سؤالات حاشیه‌ای جدیدی هم شد که به خاطر ماهیت عجیب آنها بهترین عامل در رشد افسانه‌های علمی و شبه علم شدند. سیاه‌چاله‌ها و سفر در زمان از این دست هستند. به همین دلیل تا به حال کتاب‌های زیادی در پاسخ به این سؤال منتشر شده که تعدادی از آنها نیز به زبان فارسی بوده‌اند که متأسفانه تعداد آثار خوب و به یاد ماندنی در این موضوع بسیار اندک و انگشت‌شمارند. ولی بازگی انتشارات فاطمی اثری را روانه بازار کرده است که به تمام معائر می‌ماند. گار محسوب می‌شود. کتاب «فراسوی اینشتین» نوشته «میکیو کاکو» با ترجمه دکتر رضا خرانه کتابی است که به توضیح یکی از تئوری‌های مهم کیهان‌شناسی می‌پردازد و در کنار آن به سؤالات زیادی پاسخ می‌دهد که در ذهن همه کسانی است که به سرنوشت عالم علاقه‌مندند. کتاب تقریباً تمام ملاک‌های یک اثر علمی را داراست. ترجمه روان و تسلط مترجم به موضوع و ویرایش آن توسط دو پژوهشگر دیگر، نشان‌دهنده کیفیت اثر به وجود آمده است. توضیحات مترجم هم جا که نیاز بوده و همچنین استفاده از آخرین ویرایش زبان اصلی کتاب و در پایان یک فهرست از منابع مطالعاتی اثر را بسیار دلچسب و مفید کرده است. زبان کتاب در حدی است که برای همگی قابل فهم باشد و از معادلات ریاضی و بحث‌های عمیق فیزیکی در آن اثری نیست. کتاب با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، در ۶۵۶ صفحه به قیمت ۱۹۹۰ تومان در بهار ۱۳۸۲ منتشر شده است و ماه به تمام علاقه‌مندان و بخصوص جوانان مطالعه آن را پیشنهاد می‌کنیم.

### آموزش تصویری

**آموزش تصویری Windows XP، نویسنده: والتر گلن، مترجمان: مهندس ابوالفضل طاهریان ریزی و الهه طاهریان ریزی، قیمت: ۲۵۰۰ تومان.**

این کتاب، ترجمه کتاب How to use widows XP است که با زبان تصویری Windows XP را آموزش می‌دهد. مطالب ترجمه شده کتاب حاضر برای کسانی که به کامپیوتر دسترسی ندارند کاربردی است.

### آموزش ویندوز XP

**آموزش گام به گام ویندوز XP، مترجمان: دکتر مهدی نادری فر، مهندس ابوالفضل طاهریان ریزی، قیمت: ۲۲۰۰ تومان.**

سیستم‌های عامل به عنوان مغز کامپیوتر هستند که عملکرد سخت افزارها و نرم افزارهای کامپیوتر را مشخص می‌کنند.

کارآمدترین سیستم عامل، ویندوز XP است که نیازهای شخصی و حرفه‌ای کاربران آن را پاسخ می‌دهد.

کتاب حاضر ترجمه کتاب Windows XP Step by Step Microsoft است که با بیانی ساده، ویندوز XP را آموزش می‌دهد.

## کوتاه

● مسابقه کتابخوانی از کتاب «کشتی پهلو گرفته» به مناسبت ایام فاطمیه در کتابخانه امام خمینی واقع در پارک خیام برگزار می‌شود.

● به مناسبت فرارسیدن ایام شهادت حضرت فاطمه(س) فرهنگسرای دانشجو مسابقه مقاله‌نویسی با عنوان «ولیّ حامی امامت و ولایت» برگزار می‌کند.

● طرح ملی «کتاب، محیط زیست و صرفه‌جویی» همزمان با تهران در شهرهای کرج، مشهد، شیراز و بختی از رشت و اصفهان به اجرا درمی‌آید.

● طبق طرحی که در آخرین جلسه کمیسیون فرهنگی مجلس به تصویب رسید، کتابخانه‌هایی مخصوص نابینایان در سراسر کشور احداث می‌شود.

● هدایت‌الله بهبودی، مدیر دفتر ادبیات و تاریخ انقلاب اسلامی حوزه هنری از سمت خود استعفا کرد.

● فعالیت «فرهنگ ناموران معاصر» متوقف شد.

● جلد نخست مجموعه «زبان فارسی برای فارسی‌آموزان قزاق» با تلاش رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان چاپ و منتشر شد.

● کتابخانه مرکزی بوشهر به مساحت ۱۶۰۰ متر مربع احداث می‌شود. استاندار بوشهر در دیدار با دبیر هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور ضمن اعلام این خبر افزود: «تجهیز این کتابخانه می‌تواند گشایشی در امور فرهنگی جامعه باشد.»

● نمایشگاه کتاب با همکاری کتابخانه شیخ عطار در نگارخانه فرهنگسرای علوم بر پا شده است و تا پایان مرداد ماه ادامه خواهد داشت .

● کتاب، پوستر و عکس‌هایی از دفاع مقدس بخش‌هایی از نمایشگاه بزرگداشت عملیات مرصاد در کرمانشاه را تشکیل می‌داد.

● در سالن کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان سه نشست تخصصی معماری برگزار خواهد شد.

● دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مشارکت کتاب ماه علوم اجتماعی در ادامه سلسله نشست‌های مباحث فرهنگی، چهارمین جلسه خود را به ارائه گزارش یافته‌های پژوهشی با عنوان «بررسی ابعاد پدیده شکاف نسلی در ایران» و سخنرانی دکتر محمدجواد غلامرضاکاشانی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی اختصاص داد.

● کانون ادبی مجموعه فرهنگی- تفریحی رازی با هدف آشنایی اعضای کانون با تاریخ و سبک‌های ادبی اقدام به برگزاری سلسله جلسات «سیر غزل از آغاز تا انجام» با سخنرانی استاد رضا عبداللهی و دیگر شعرای صاحبنام کرده است. علاقه‌مندان می‌توانند با شماره تلفن ۵۰۴۹۲۲۷ تماس بگیرند.

● کتابخانه فردوسی با مشارکت فرهنگسرای شهر اقدام به برگزاری جمع بازار کتاب کرده است. این برنامه ساعات ۱۰ تا ۱۸ روزهای جمعه در خیابان شهید فیاض بخش، ضلع جنوبی پارک شهر برپاست.

● کتابخانه شهید جهان‌آرا روزهای پنجشنبه از ساعت ۱۷ نشست ادبی «حافظ شناسی» را برگزار می‌کند. علاقه‌مندان برای حضور در این جلسات می‌توانند با شماره تلفن ۸۷۱۹۹۱۶ تماس بگیرند.

● چهارمین جشنواره سراسری شعر «عطوی» در ساری برگزار می‌شود.

● نمایشگاهی از آثار رضا حسین‌مردی که مجموعه‌ای از پرتره‌های محمود دولت‌آبادی را در بر می‌گیرد، در گالری سیحون برگزار می‌شود.

● کتابخانه آیت‌الله طالقانی با حضور ادبا و شعرا و علاقه‌مندان به شعر تا پایان تابستان روزهای سه‌شنبه هر هفته اقدام به برگزاری شب شعر با عنوان «شب‌های شعر جوان» کرده است. علاقه‌مندان می‌توانند با شماره تلفن ۷۵۳۲۰۳۷ تماس بگیرند.

● شب شعر طنز «در حلقه رندان» با حضور عمران صلاحی، ابوالفضل زرویی نصرآباد، شهرام شکیبا و سیدمحمد سادات اخوی و جمع دیگری از شاعران در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد.

● در دومین سالگرد تأسیس انجمن منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر ایران از بهرام بیضایی، نجف دریابندری و جمشید لایق تجلیل می‌شود.

## چه کتابی خوانده اید؟

# احمد غلامی: نویسنده

**آقای غلامی، چه کتابی طی ماههای اخیر خوانده‌اید که بتوانید در موردش حرف بزنید؟**

کتاب «در هزارتو» نوشته آلن رب گری‌یه که با ترجمه مجید اسلامی توسط نشر نی منتشر شده، یکی از رمان‌های خوبی بود که خواندم.

**از چه نظر خوب بود؟**

رمانی است که ساختار درست و منسجمی دارد و بزرگ‌ترین ویژگی‌اش هم این است که این اثر ادبیات ناب به معنای واقعی‌اش است. با اینکه رب گری‌یه با سینما آشناست و کار سینمایی هم کرده، اما این رمان را نمی‌توان به سینما برگرداند و از روی آن فیلم ساخت.

«در هزارتو» رمانی متکی بر واژه‌هاست، قصه‌گو نیست و روایت به آن شکل کلاسیک ندارد.

**این رمان حول چه مسائلی دور می‌زند؟**

«در هزارتو» داستانی شگفت و به یادماندنی از جنگ است، با تکنیک و ساختاری بی‌نظیر.

**از کتاب‌های دیگری که خوانده‌اید بگویید.**

کتاب دیگری که در این مدت خوانده‌ام، رمان «آسمان خالی نیست» به قلم شیوا ارسطویی است که رمان جالبی به نظر می‌آید.

**چطور؟**

بینید، داستان از زبان دختری به‌اسم «شهرزاد» روایت می‌شود که به همدان یعنی زادگاهش برمی‌گردد. شهرزاد در این بازگشت می‌خواهد پدرش و زندگی او را و در نهایت خودش را پیدا کند.

**نقش شهرزاد را در این رمان چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

شهرزادی که در این رمان حضور دارد، شهرزاد سنتی و شهرزاد هزار و یک شب قصه‌گو نیست. بلکه شهرزاد شاعر و مدرن و از اهالی امروز است. ارسطویی شخصیت‌های دیگری هم که خلق می‌کند، در حال زندگی می‌کند و به شکلی شناسنامه تاریخی دارند و در جهان داستان ماندگار و ابدی‌اند.

**دیگر چه کتابی خوانده‌اید؟**

کتاب «آبی غمناک بارون» از اصغر عبداللهی را خواندم. «آبی غمناک بارون» در واقع داستان ناگفته‌هاست، یعنی نویسنده در این داستان خیلی چیزها را پوشیده نگه می‌دارد و اساس این داستان متکی بر چیزهایی است که گفته نمی‌شود. آنچه که خواننده سعی می‌کند به آن پی ببرد، چیزهایی است که در داستان وجود ندارد و نویسنده به قصد و تعمداً آنها را حذف کرده است. حتی شخصیت‌پردازی‌ها هم از این قاعده مستثنی نیستند.

**آقای غلامی، این ناگفته‌ها، آیا همان «سطرهای سپید» نیستند که در تئوری شعر فراوان از آن سخن می‌گویند؟**

بله، درست است. عبداللهی در حقیقت داستانی را روایت می‌کند که نوشته می‌شود و مامی خوانیم، اما تمام هنر عبداللهی پیرامون ناگفته‌ها، نکته بر حافظه تاریخی خوانندگان است. جالب است که بدانید این حذف و نکته بر حافظه تاریخی خواننده، که تکنیکی بسیار دشوار است، عبداللهی بخوبی از پس آن برمی‌آید و جواب می‌گیرد. عبداللهی با این کتاب، داستانی خلق می‌کند که به نظرم یکی از داستان‌های خوب امسال است. این کتاب تنها یک داستان بلند دارد.

**آقای غلامی، در این مدت آیا کتاب دیگری هم خوانده‌اید؟**

کتاب «سیمیاب و کیمیای جان» رضا جولایی را خوانده‌ام که به نظرم یکی از رمان‌های بسیار خوب سال ۸۱ است. جولایی در این رمان با قدرت و دقیق، عشق و پلیدی و شرارت را به تصویر می‌کشد و بسیاری از آدم‌های داستانش پلید و نفرت انگیزند. آدم‌های مثبت در این اثر خیلی کم تعدادند. در واقع آنچه فضا و هستی این رمان را می‌سازد، آدم‌های پلید جامعه‌اند. داستان اگرچه عاشقانه و قوی است، اما نویسنده به دامن احساسات و رمانتیسم نمی‌غلتد. در مجموع اثری خلق می‌کند با نکته بر ادبیات کلاسیک فارسی و با نگره‌های مدرن و جذاب.

**ویژگی دیگری هم «سیمیاب و کیمیای جان» دارد که بخواهید توضیح بدهید؟**

ویژگی دیگر این رمان، توزیع اطلاعات است. جولایی اطلاعاتی که در مورد شخصیت‌ها و رویدادها می‌خواهد به خواننده‌گان بدهد- چون داستان گره‌های زیاد دارد- به صورتی است که اثر را همیشه در اوج نگه می‌دارد و خواننده حس نمی‌کند که به که داستان پی برده و احتیاج به خواندن ادامه داستان نیست. جولایی آن قدر اطلاعات را دقیق و فشنگ، متقل می‌کند که خواننده احساس سردرگمی نمی‌کند. با اطلاعات زود به او داده شده و گره‌های داستان گشوده شده و همه چیز لو رفته است.

**هر یک از این آثار نسبت به آثار قبلی نویسندگانشان در کجا قرار می‌گیرد؟**

من معتقدم این کتاب جولایی نسبت به آثار قبلی‌اش قوی‌تر است و به همان سبک و سیاق گذشته است. این رمان نشان می‌دهد که جولایی در اوج پختگی است. عبداللهی هم آثار چندانی منتشر نکرده است چون در چاپ آثار خیلی وسواس دارد. کتاب «سایه‌ای از حصیر» اولین کتاب منتشر شده اوست- و این «آبی غمناک بارون» ادامه منطقی داستان‌های سایه‌ای از حصیر است. اما عبداللهی در این کتاب هم داستانی می‌نویسد که از نظر ساختار هیچ عیب و ایرادی ندارد. این کتاب می‌تواند نوید دوران تازه‌ای از داستان‌نویسی عبداللهی باشد.

در مورد شیوا ارسطویی، نمی‌توانم بگویم «آسمان خالی نیست» نسبت به آثار قبلی‌اش فاصله زیادی دارد. نمی‌توانم بگویم این رمان ممتازتر از آثار قبلی ارسطویی است. اما اثری قابل اعتنا است که نشان‌دهنده تلاش مستمر نویسنده است. این رمان نشان می‌دهد که اگر شیوا ارسطویی قید و بندهای ذهنی ماتعش نباشد و شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه هم اگر به او اجازه بدهد و در شرایط آزادتر بتواند آنچه را که در درونش می‌گذرد بنویسد، به اعتقاد من می‌تواند آثار درخشان‌تری هم خلق کند. شرایط سیاسی- اجتماعی جامعه ما اجازه نمی‌دهد. سوژه‌هایی را که ارسطویی دستمایه کارش قرار می‌دهد، بدون خودسانسوری بنویسد. در مورد رمان «در هزار تو» اگر آلن رب گری‌یه هم باید بگویم یکی از بهترین آثار این نویسنده است و مجید اسلامی هم ترجمه خوبی از آن داشت. گویا ترجمه دیگری از این رمان هم به قلم منوچهر بدیعی در راه است.

## کتاب

### یادمان دکتر آریان پور

یادمان امیرحسین آریان پور نظریه‌پرداز برجسته علوم اجتماعی منتشر شد. این کتاب با عنوان «زنده‌اندیشان» به زیبایی رسنده توسط نشر اشاره در ۵۱۰ صفحه و با قیمت ۳۷۵۰ تومان عرضه شده است.

یادمان دکتر آریان‌پور در ۱۲ فصل با عنوان‌های «یادنوشت، یادسروده؛ شناخت‌نامه؛ سیری در اندیشه‌های دکتر، آشنایی با قلم و اندیشه‌های دکتر؛ گفت‌وگو، مصاحبه و سخنرانی؛ سوگ‌نوشته‌ها؛ سوگ‌سروده‌ها؛ نامه‌ها؛ عکس‌ها و دست‌نوشته‌ها؛ دکتر در آینه مطبوعات؛ مقاله‌شناسی و کتابشناسی به چاپ رسیده است.

لازم به ذکر است، کلیه عواید این کتاب، برای چاپ آثار باقیمانده استاد فرهیخته زنده‌یاد دکتر امیرحسین آریان‌پور، به «بنیاد دکتر ا.ح. آریان‌پور» اختصاص می‌یابد.

### پوشش خبری: روایتی دیگر

کتاب پوشش خبری، نوشته دکتر محمد سلطانیفر و شهناز هاشمی منتشر شد. این کتاب که به وسیله انتشارات سیمای شرق منتشر شده است حاصل مطالعات و تجربیات نگارندگان و تحقیقاتی است که تاکنون در زمینه‌های گوناگون از جمله جنگ‌های روانی، فیلترهای خبری، روش‌های سانسور و به طور کلی انواع دروازه‌بانی خبری انجام شده است.

پوشش خبری در دو بخش «افکار عمومی و شیوه‌های نوین خبری» و «دیدگاههای پیرامون انواع ارتباطات» به مسائلی چون پوشش خبری، ژورنالیسم تلویزیونی، مطالعات و تحقیقات انتقادی در زمینه خبرپردازی و تصویرسازی وسایل ارتباط جمعی، نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها، ارتباطات اقناعی، ارتباطات سیاسی و شایعه پرداخته است.

## کتاب در نشریات

### دوستی با کتاب

در گزارشی با عنوان «دوستی با یار مهربان را به کودکان بیاموزیم» آمده است: «والدین مدارس را به دلیل کوتاهی در امر آموزش خواندن و نوشتن مورد انتقاد قرار می‌دهند. در حالی که کار و گرفتاری والدین و برنامه‌های تلویزیونی کودکان موجب شده بچه‌ها مطالعه را به عنوان یک فعالیت با ارزش به حساب نیاورند. هر پدر و مادر وظیفه‌شناسی می‌داند در صورتی کودکان مطالعه را به عنوان فعالیت غیردرسی به حساب می‌آورند که شاهد مطالعه بزرگترها باشند و خودشان نیز مطالعه کنند تا عادت به مطالعه در آنها شکل بگیرد. همچنین در این گزارش ۲۸ روش عنوان شده که علاقه به مطالعه در کودکان را بر می‌انگیزد. از جمله: تهیه کتاب‌های مخصوص برای کودکان، آزاد گذاشتن کودک در انتخاب موضوع، همراه بردن کتاب در سفر، عادت به کتابخانه رفتن، مطالعه به طور منظم و...

### پرسه در کتابفروشی‌ها

درباره پایین بودن شمارگان کتاب‌های شعر به نقل از یک ناشر در روزنامه انتخاب آمده است: «برای حل چنین مشکلی باید حمایت‌های دولتی را حذف کرد تا ناشران بتوانند به طور آزاد دست به انتشار کتاب‌های متنوعی بزنند. تعدادی از کتابفروشان و مخاطبان نظرهای دیگری داشتند. برخی نیز معتقد بودند که این روال فروش و استقبال کتاب‌های شعر ریشه در ضعف صنعت نشر ایران دارد.

### برخورد دوگانه با نشر

در گزارشی درباره نگاهی به پیامدهای برخورد دوگانه با نشر تحت عنوان «خودزنی» آمده است: «در ماههای اخیر شاهد نوعی دوگانگی در برخورد با اهالی نشر بوده‌ایم. از طرفی ممیزی برای اهالی فرهنگ، دست و پاگیر بوده و از طرفی توقیف و جمع‌آوری و برخوردهای قضایی باعث دلزدگی در این قشر شده است.» علی دهباشی نویسنده و روزنامه‌نگار در این مورد گفته است: «اینگونه برخوردها جز اینکه فضای سیاسی و فرهنگی را آشفته‌تر از آنچه که هست کند، کاری صورت نمی‌دهد.» محمد قاسم‌زاده - داستان نویس - هم گفته: ناشران ما تماماً از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز می‌گیرند و اگر این نهاد به رسمیت شناخته می‌شود، دیگر احضارها بر چه مبنای قانونی است؟ قانون، اداره بررسی کتاب را مسؤول صدور مجوز دانسته و به این دلیل هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که نویسنده و ناشر به دادگاه احضار شوند.

### کتاب‌های نهضت جنگل

بنیاد پژوهشی میرزا کوچک خان در فراخوان شعر نهضت جنگل دست به چاپ آثاری در زمینه نهضت میرزا کوچک خان جنگلی زده است. این مؤسسه در نظر دارد کتاب‌هایی را در این مؤسسه منتشر کند که عبارت است از مجموعه اشعار گیلکی و فارسی درباره مبارزات نهضت جنگل. همچنین شاعران علاقه‌مند سایر استان‌ها که در زمینه نهضت جنگل یا شخصیت میرزا کوچک خان و مبارزات او اشعاری سروده‌اند می‌توانند آثار خود را جهت درج در این مجموعه به آدرس: رشت، خیابان سعدی، روبه‌روی مجتمع فرهنگی خانم‌الانبیاء، کتابفروشی فرهنگ، دفتر بنیاد پژوهشی میرزا کوچک‌خان ارسال کنند.

### بانک ملی ادبیات کودک ایران

محمدهادی محمدی نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودکان از تلاش مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان برای انفورماتیکی کردن این حوزه خبر داده است: «قالب کلی طرح ما دیجیتالی کردن اطلاعات مربوط به ادبیات کودکان و قرار دادن آن در شاهراه اینترنتی برای استفاده در سطح ملی و جهانی است. اما اجرای طرح ما شامل بانک ملی ادبیات کودکان ایران است که در این بانک گستره وسیعی از اطلاعات کتاب‌شناختی، تاریخی، تصویری و تخصصی مربوط به ادبیات کودکان در دسترس عموم قرار می‌گیرد. طرح دیگر ما کتابخانه دیجیتالی ادبیات کودکان ایران است که در این کتابخانه متن‌های این حوزه قرار می‌گیرد. این متن‌ها دوره‌های تاریخی باستان، اسلامی، مشروطه و روزگار نو را در بر می‌گیرد. وی افزوده است: ما در گسترش کتاب کودک و نوجوان نرخ فاجعه‌باری داریم. ما برای جامعه‌ای که بیش از بیست میلیون کودک و نوجوان دارد، شمارگان کتابمان بین ۳ تا ۵ هزار است. جامعه در این زمینه دچار ابتدایی تاریخی و فرهنگی است.

## چهره‌ها و کتاب‌ها

### یحیی ذکاء

یحیی ذکاء سال ۱۳۰۲ در تبریز متولد شد، در سال پایانی دوره ابتدایی از مدرسه رشدیه تبریز به همراه خانواده به تهران کوچ کرد و دیپلم خود را از دبیرستان فیروز بهرام تهران گرفت. او در یادداشت‌های خود بر نقش دکتر خانلری در سال‌های پایانی دبیرستان اشاره می‌کند و شاید این تأثیر مسیر زندگی‌اش را در کتاب و نوشتن رقم زد. پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد، اما پس از یک سال ادبیات را رها کرد و رشته حقوق را برگزید، اما رشته حقوق را نیز پس از یک سال رها کرد. سال ۱۳۱۸ وارد دانشکده افسری شد و پس از دو سال خدمت نظام وظیفه، رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران را برگزید و پس از سه سال با دریافت «نشان درجه یک فرهنگ» به خاطر شاگرد اول شدن در هر سه سال، در این رشته فارغ‌التحصیل شد.

ذکاء ضمن تحصیل در رشته باستان‌شناسی، رشته کتابداری فنی را هم گذراند و مدتی به عنوان کتابدار دانشکده حقوق و علوم سیاسی مشغول به کار شد. پس از سال‌ها تدریس در سال ۱۳۳۷ به ریاست موزه هنرهای تزئینی برگزیده شد و مطالعات مردم‌شناسی و باستان‌شناسی را به شیوه علمی در کشور نهادینه کرد. سال ۴۷ به ریاست کتابخانه ملی منصوب شد و دو سال بعد به عنوان سمت مشاور عالی وزیر فرهنگ و هنر وقت منصوب شد.

استاد ذکاء، تخصصش در باستان‌شناسی و هنر ایران بود، اما پژوهش‌هایی هم در زمینه تاریخ یوشاک ایرانیان، تلاش در زمینه فرهنگ عام، هنرشناسی و تاریخ نگاری هنرهای ایرانی دارد. یحیی ذکاء، سال‌ها کارشناس رسمی وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اسناد ملی و کتابخانه‌های رسمی در مورد ارزیابی آثار هنری، کتاب‌های خطی و اسناد بود. یحیی ذکاء، قبل از تحصیلات دانشگاهی، در سن ۲۷ سالگی اولین اثر تألیفی خود را به دست چاپ سپرد و بسیاری از مقالات او در نشریات تخصصی چاپ و منتشر شد.

عناوین آثاری که از او به یادگار مانده، فهرست وار به شرح زیر است. «پیرامون تغییر خط فارسی»، «گویش کرینگان»، «گویش گلین قیه با تاقی هرزندی»، «لباس زنان ایران از سده‌های سیزدهم تا امروز»، «کولی و زندگی او»، «موزه‌های تزئینی»، «تاریخچه تحولات و تغییرات درفش و علامت دولت ایران در دوره قاجاریه»، «موزه‌های ایران»، «نگاهی به نگارگری ایران در سده‌های دوازدهم هجری»، «تاریخ لباس»، «تهران در تصویر» و...

آخرین آثاری که از ذکاء به چاپ رسیده «تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران» و «هنر کاغذبری در ایران» است که توسط نشر فرزان روز در سال ۱۳۸۰ منتشر شد، اخیراً نیز «سرگذشت صنیع‌الملک و آثار او» به وسیله مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد. در حالی که آثار منتشرنشده‌ای از او نیز در دست است؛ «خاطرات شرف‌الدوله» و «سرو آزاد» که مجموعه‌ای در چهار جلد و مشتمل بر مقالاتی در زمینه‌های فرهنگ عامه، تاریخ، پوشاک، مردم‌شناسی... است.

یحیی ذکاء سال ۱۳۷۹ در بیمارستان پارس تهران درگذشت.


کتاب هفته

**صاحب امتیاز:** خانه کتاب ایران

**مدیر مسؤول:** احمد مسجد جامعی

**سردبیر:** علی اصغر رمضانپور

**امور فنی:** گلبرگ گرافیک

**لیتوگرافی وچاپ:** ایرانچاپ

**نشانی:** خیابان قائم مقام فراهانی اول فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم

**صندوق پستی:** ۳۱۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۴۰۱۰۹۹، ۸۳۱۸۶۵۴

**نشانی اینترنتی:**

http://www.ketabehafteh.com

## روایت اول شخص

### محمدتقی راشدمحصل: محقق

کار جدیدی دارم که همین روزها باید منتشر بشود. نام این کتاب «سروش یسن» است که از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ شده است. این کتاب بخشی از یسنای اوستاست که درباره زند سروش است.

در این متن کار ترجمه اوستایی و زند و آوانویسی، پانوشت ها و توضیحاتش را انجام دادم. این کتاب چاپ شده اما توزیع نشده، چون الآن پژوهشگاه علوم انسانی تعطیلات تابستانی اش برای دو هفته شروع شده، احتمالاً بعد از تعطیلات توزیع می شود. غیر از این در دفتر پژوهش های فرهنگی کتاب دیگری آماده انتشار دارم که با عنوان «اوستا» منتشر می شود. این کتاب در معرفی کتاب اوستا، خط اوستایی و مباحثی که درباره اوستا وجود دارد خواهد بود. این کتاب تألیفی است و از مجموعه «از ایران چه می دانم» محسوب می شود. این کتاب تازه زیر چاپ رفته و یک ماه تا زمان انتشار آن طول می کشد. فرم چاپ و نمونه اوزالیدش را هم دیده ام.

در ضمن کتاب «دینکرد هفتم» را هم در دست ترجمه دارم. این کتاب ترجمه یک متن پهلوی است که توضیحات و یادداشت و حواشی دارد. این کتاب را هم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر می کند.

### هوشنگ مرادی کرمانی: نویسنده

آخرین کتاب من «نه تر و نه خشک» افسانه‌ای است که در کودکی بنده پدربزرگم برایم تعریف کرده است و مربوط به پرنده‌ای است در روستای ما که به آن «نه تر و نه خشک» می گویند. قصه‌ای که پشت این پرنده ساخته‌اند قصه کوچکی است و می گویند که این پرنده پسر چوپان بوده و می رود به شهر و عاشق دختر سلطان می شود و سلطان به او می گوید اگر دخترم را می خواهی باید برایم چوبی بیاوری که نه تر باشد و نه خشک و نه کج باشد و نه راست. و این جوان به دنبال چوب آنقدر می گردد که به صورت پرنده در می آید و در تمام عمر به دنبال این چوب بوده تا آن را به دست آورد و بعد دختر سلطان را به دست آورد. دیدم که این داستان بلند است و دیدم که چیزهایی که یک انسان امروز درگیر آن هست، در این افسانه وجود دارد. مثل عشق، قدرت، رسیدن به شهرت و عرفان و آرزوهای دست نیافتنی و به دنبال گمشده بودن. دیدم که این خوب است و به مدت یک سال روی این مضمون کار کردم و حالا قرار است نشر معین آن را منتشر کند و اردشیر رستمی هم طرح‌هایی برای جلد و صفحات درون آن کشیده است. این کتاب حدوداً یک ماه دیگر منتشر می شود.

### احمد پوری: مترجم

الان سه جلد کتاب با انتشارات کتاب خورشید قرارداد چاپ دارم که دو تا از این کتاب‌ها برگزیده شعر کوتاه معاصر ایران است که خودم گردآوری کرده‌ام. کتاب دیگر هم برگزیده شعر کوتاه جهان است که ترجمه کرده‌ام. شعرهای کوتاه به قدری کوتاهند که در یک صفحه رقمی جا می گیرند. شعرهای فارسی از نیما تا امروز را در نظر داشتم و شعرهای این مقطع را انتخاب کرده‌ام. همه شاعران نسل جدید در این مجموعه دو جلدی حضور دارند. من سعی کردم شعرهای نغزی را که خودم خیلی دوست دارم انتخاب کنم و در این مجموعه بیاورم. البته به همه کتاب‌ها و همه منابع دسترسی نداشتم ولی تا جایی که می توانستم سعی کردم به اغلب منابع دسترسی پیدا کنم. شعر کوتاه فارسی دو جلد شده و هر جلد به ۱۲۰ صفحه می رسد. اسم این کتاب دو جلدی «خواب پرنده در قفس» است. البته این مجموعه یک کار تحقیقی خیلی مفصل نیست و ممکن است برخی از شعرهای شاعران را هم ندیده باشم.

در مورد برگزیده شعر کوتاه جهان هم شاعران معاصر جهان را در نظر داشتم. این اشعار را خودم ترجمه کردم و انتخاب شعرها هم براساس سلیقه خودم بود. شعرها را از منابع مختلف پیدا کردم. این سه جلد کتاب تا یک ماه دیگر حتماً منتشر می شوند. کتاب شعری هست از اورهان ولی شاعر معاصر ترکیه که تنها کتاب این شاعر جوانمرگ شده است. من این کتاب را ترجمه کردم و به نشر «آهنگ دیگر» که آفایان شمس لنگرودی و حافظ موسوی دایر کرده‌اند، سپرده‌ام. البته کتاب را هنوز تحویل نداده‌ام و الان دارم مقدمه‌اش را می نویسم. اورهان ولی در واقع شعر گفتار را در ترکیه برای اولین بار رواج داده. اگر آن شعر گفتار و آن بحث هایی را که در اینجا شده بپذیریم، این شاعر هم یک نوع دیگر از شعر گفتار را در ترکیه رواج داد و در سال ۱۹۵۰ دیدگاههایش جنجالی شده بود. اورهان ولی یکی از شاعران محبوب ترکیه است. این کتاب به اسم «تو خواب عشق می بینی، من خواب استخوان» منتشر می شود.

### کیکاووس زیاری: مترجم

«سینمای فراگیر هند: روایت یک تغییر فرهنگی» اولین کتابی است که ترجمه کرده‌ام و فکر می کنم تا یک ماه دیگر آن را روی پیشخوان کتابفروشی ها خواهید دید. کتاب توسط دو نویسنده و منتقد هندی نوشته شده و در نه فصل به بررسی صد سال سینمای هند می پردازد. نویسندگان کتاب بدون اینکه قصد بررسی تاریخ سینمای هند را به صورت روزشمار داشته باشند، با مراجعه به تعدادی از فیلم های مطرح و ماندگار سینمای هند، بحث های خوبی را در رابطه با فیلم و سینما و رابطه متقابل سینما و جامعه (و تأثیرات هر یک بر دیگری) مطرح کرده‌اند. خواننده کتاب هنگام مطالعه آن با مشخصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آشنا می شود و تأثیر آن بر سینما و فیلم های هندی را متوجه می شود. شاخصه های سینمای فراگیر هند، «سینما و جامعه در هند»، «مذهب، قومیت و کاست در سینمای هند»، «زنان در سینمای هند»، «سبک ها و تکنیک ها»، «سینمای منطقه ای هند» و «پیشرفت های اخیر سینمای فراگیر هند» از جمله موضوعات و سرفصل هایی هستند که در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. سینمای هند هم مثل سینمای دیگر کشورهای جهان هم فیلم های عامه پسند تولید می کند و هم فیلم های هنری و غیرمتعارف. کتاب فوق هر دو نوع سینمای موجود در هند را با ذکر جزئیات به بحث می گذارد. به این ترتیب خواننده کتاب هم با جنبه های کار هنرمندانی مثل: ساتیا جیت رای و مرینال سن آشنا می شود و هم نکاتی را در مورد فیلم های پربیننده‌ای مثل «شعله» یا «مادر هند» کشف می کند.

### پرویز ختایی: مترجم

آخرین کتاب من به نام «اربابان پشت پرده المپیک» توسط نشر قطره چاپ شد. این کتاب به نوعی افشاگری هایی است که درباره بازی های المپیک نوشته شده است. می دانید مسؤولانش یکی سامارانش بود که خود را بعد از سال‌ها کنار کشید. در این کتاب می بینید چه پول هایی رد و بدل می شود و به جیب می زند و چه کلاهبرداری هایی به اسم المپیک صورت می گیرد. این کتاب را دو نفر از خبرنگاران انگلیسی نوشته‌اند. این کتاب را من ترجمه کردم و آقای عطاءالله کوپال ویراستاری کردند. الان هم مدتی است که هیچ کاری را به دست نگرفتم، دلیلش هم این است که با چند انتشاراتی که کار کردم آن چه که حق ما از بابت ترجمه می شد نگرفتم، ناشران هم اغلب می گویند مشکل مالی دارند. ما هم به عنوان مترجم که نمی توانیم با آنها بجنگیم، اهل جنگ و جدال نیستیم. به هر حال آنها هم مشکلاتی دارند و عنوان می کنند، می رویم انبارشان را که پر از کتاب های به فروش نرسیده است، نشان می دهند. که فرضاً چهل میلیون سرمایه خوابیده، طلب شما را خرد خرد می دهیم. این برخوردها دیگر ما را دلسرد می کند و دل و دماغ ترجمه کردن نداریم.

هر چند آن شور و شوق را ندارم، با این همه به دوستان و آشنایان سپردم که در خارج از کشور اگر کتاب قابل بحث و یا کتاب مهمی چاپ شده برایم بفرستند که ترجمه کنم. فعلاً مشغول هیچ کتابی نیستم.

## تازه‌ها

**شافع حشر**

تصحیح و تحقیق کتاب «تفسیر شافع حشر» به قلم اکبر ایرانی از سوی نشر میراث مکتوب در دست انتشار است. ایرانی سال گذشته بازنویسی کتاب الاغانی را با عنوان «بشنو شمیم عود» چاپ و منتشر کرده بود.

**زاده شدن**

«آنجا که زاده شدم» داستان زندگی ژوزف پلمب کاکران است که در کتابی به قلم اسماعیل یوردشاهیان از سوی نشر قصیده‌سرا منتشر می شود. یوردشاهیان رمان «سارا و تنهایی اورمیا» را نیز آماده چاپ دارد.

**ارداویرافنامه**

«ارداویرافنامه» متنی انتقادی پهلوی و شرح سفر ارداویراف قدیس به جهانی دیگر و دیدارش از بهشت و دوزخ به منظور آگاه شدن از پاداش نیکویی و پادافره بدی است. این کتاب به همراه متن ارداویرافنامه فارسی و گجراتی با مقدمه خانم کتایون مزداپور از سوی انتشارات توس منتشر می شود.

**کالبدهای پولادین شعر**

«دیوان حمیدی پس از یک سال» و «فنون شعر و کالبدهای پولادین آن» عنوان دو کتاب از دکتر حمیدی شیرازی است که مؤسسه انتشارات عطایی در تدارک چاپ و انتشار آن است.

این انتشاراتی چاپ کلیه آثار حمیدی را در برنامه خود دارد.

**شاخ نبات**

«شاخ نبات حافظ» عنوان کتابی از دکتر محمدرضا برزگر خالقی است که به شرح و تفسیر و تأویل اشعار حافظ می پردازد. این کتاب از سوی انتشارات زوار چاپ و منتشر خواهد شد.

**سال های سگی**

«سال‌های سگی» و «چه کسی پالومینومولرو را کشت» دو رمان از ماریو بارگاس یوسا است که با ترجمه احمد گلشیری از سوی انتشارت کاروان در دست چاپ و انتشار است. گلشیری ضمن این، ترجمه «گرسنه» اثر کوت هامسون و «دوئل» اثر چخوف را برای چاپ به همین ناشر سپرده است.

**بعد از اسفار کاتبان**

ابوتراب خسروی نویسنده اسفار کاتبان تازه‌ترین رمان خود با عنوان «رود راوی» را به نشر قصه سپرده است. «رود راوی» از مضمونی تاریخی - اسطوره‌ای برخوردار است.

**سیاست، محراب و خوارج**

«سیاست، محراب و خوارج» عنوان مجموعه مقالات سید مصطفی تاج زاده است که از سوی انتشارات ذکر چاپ و منتشر می شود.

**دین قدیم ایرانی**

«دین قدیم ایرانی» عنوان اثری به قلم هاشم رضی است که حیات و باورهای مذهبی در ایران از آغاز تا ظهور زرتشت را مورد تکناش قرار می دهد. این کتاب را انتشارات بهجت منتشر می کند. هاشم رضی در این هفته «آئین مهر» را در دو جلد توسط همین ناشر به بازار فرستاد.

**بار دیگر شریعتی**

«بار دیگر شریعتی» خاطراتی ناگفته از دکتر محمدمهدی جعفری به همراه متن وصیت‌نامه دکتر شریعتی پس از ۳۵ سال به کوشش سید قاسم یاحسینی از سوی نشر نگاه امروز منتشر می شود. همین ناشر «دفترهای سبز» مجموعه‌ای از شعرها و نثرهای شاعرانه شریعتی را برای نخستین بار در دست چاپ دارد.

**جلد پنجم هری پاتر**

«جلد پنجم هری پاتر» با عنوان «هری پاتر و محفل ققنوس» در سه جلد با ترجمه ویدا اسلامیه از سوی نشر کتابسرای تندیس منتشر می شود. لازم به توضیح است که جلد اول این مجموعه با عنوان هری پاتر و محفل ققنوس در چهارده فصل و ۴۳۲ صفحه هفته دیگر به بازار می آید.

**سی قرن طراحی گرافیک**

عنوان اثری به قلم جیمز کریک و بروس بارتون با ترجمه روان ملک محسن قادری است که از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بازار عرضه شده است. کتاب، رد پای طراحی گرافیک را از نقاشی های باستانی تا زمان حال پی می گیرد و با وجود توجه صرف به غرب منبع مناسبی برای انطباق حوادث تاریخی با شکل گیری جنبش های هنری است.

**گفت وگو با خدا برای نوجوانان**

«گفت وگو با خدا برای نوجوانان» اثر نیل دونالد والش با ترجمه ویدا اسلامیه از سوی کتابسرای تندیس بزودی راهی بازار خواهد شد.

### تصحیح

آقای احمدرضا احمدی شاعر عزیز در گفت و گوی تلفنی اعلام کردند که مجموعه شعری با عنوان «بگانه» ندارند و دست اندرکاران نشر همراه را نیز نمی شناسند و چنین کتابی به نشر همراه برای چاپ نسپرده‌اند.